



فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین

صادرکننده مجوز: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: سیده پریسا شهیدزاده

سر دبیر: سیده پریسا شهیدزاده

مدیر مسئول: مروارید افراز

مشاور علمی: و سرپرست داوران: دکتر امید فرجی

هیأت داوران: مسعود بختیاری - سارا اعتمادی عیدگاهی

ویراستار: جناب آقای علیدوست

صفحه آرا: سرکار خانم جاسمی

گرافیکست و طراح جلد: مروارید افراز

کارشناس نشریات علمی دانشجویی دانشکدگان فارابی: مریم شریفی دانا

شماره: سوم، بهار ۱۴۰۱

شماره مجوز فصلنامه: ۸۷۰۱۱۷۹۲

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران
کد پستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ شماره تماس: ۰۲۵۳۶۱۶۶۳۴۱ accnewtechsj.ut.ac.ir

استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است

هیأت تحریریه

لیلا حسینی (کارشناس حسابداری)

میلاد اسدی (دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران)

جعفر نهري اقدم (گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران)

اسمعیل شکیب شیران (گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران)

مسعود بختیاری (استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

سید عباس برهانی (استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران)

فاطمه امامیان (دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان)

مهدی فغانی (مدرس دانشگاه و مدیر گروه و دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان)

وحید بخردی نسب (گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

سعید براتی (گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران)

هادی براتی (گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران)

محمود لاری دشت بیاض (دانشیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد)

سعید پاکدلان (دانش آموخته دکتری حسابداری دانشگاه مازندران و استادیار گروه حسابداری مؤسسه آموزش عالی

غیرانتفاعی شانديز، مشهد)

اکرم غنچه (کارشناسی ارشد حسابداری مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شانديز)

فائزه باقری دادوکلائی (کارشناسی ارشد مدیریت مالی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شانديز، مشهد)

حوزه فعالیت، اهداف، راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه حاضر با رویکرد علمی تخصصی و در راستای توسعه دانش حسابداری و حسابداری منتشر می‌شود. حوزه موضوعی مجله، حسابداری و حسابداری با تأکید بر بهره‌بری از فناوری‌های نوین است که پس از داوری تخصصی، تأیید سردبیر و هیأت تحریریه و با توجه به ساختار تعریف‌شده در این راهنما، چاپ می‌شود. از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود در تهیه و تنظیم مقالات خود، نکات زیر را رعایت فرمایند:

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2010

اندازه کاغذ A4 :

حاشیه‌ها (بالا، پایین، چپ و راست): ۴ سانتی‌متر

فونت عنوان مقاله 14 B Titr :

فونت متن: فارسی 13 B Zar و انگلیسی 10 Times New Roman

فونت در جدول و نمودار: فارسی 10 B Zar و انگلیسی 9 Times New Roman

تعداد صفحات نباید از ۲۴ صفحه در همین فرمت بیش‌تر باشد.

برای واژه‌ها و نام‌های خارجی، در حد امکان از معادل‌های فارسی مصطلح و مصوب استفاده کنید.

در صورت نیاز به درج زیرنویس، همه موارد فارسی به صورت راست‌چین با قلم BMitra و

اندازه 10pt و زیرنویس‌های لاتین به صورت چپ‌چین با قلم Times New Roman اندازه 9pt.

نوشته شوند.

لطفاً توجه فرمایید منابع خارجی داخل متن به فارسی نوشته شوند؛ ولی در بخش فهرست منابع به

انگلیسی نوشته شوند.

۴ ♦ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین ♦.....

در فهرست منابع، ابتدا منابع فارسی به ترتیب حروف الفبا فارسی (B Zar 12) و سپس منابع انگلیسی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (Times New Roman 11) نوشته شوند.

ضمناً منابع به صورت زیر نگارش شوند:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان کتاب، محل انتشار، نام ناشر

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات.

اگر مقاله یا کتاب بیش از یک نویسنده داشت بین اسامی نویسندگان ویرگول (،) گذاشته شود.

نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را در سایت نشریه:

به آدرس accnewtechsj.ut.ac.ir بارگذاری کنند.

فهرست مطالب

۹.....	بررسی تاثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران
۳۹.....	بررسی رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
۶۹.....	ارتباط بین زیانگریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار با عملکرد شرکت
۱۰۵.....	پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از افشای گزارش حسابرسی
۱۳۱.....	بررسی تاثیر ابعاد توسعه پایدار بر سودآوری
۱۵۵.....	بررسی رابطه بین جنسیت مدیران و سنگرگیری مدیریتی

مقدمه

با نام و یاد خدا، سخن را آغاز می‌کنیم که یاد او سرآغاز همه امور است. نخست مراتب قدردانی را به پیشگاه جامعه حسابداری تقدیم می‌کنیم که تاکنون با حمایت خویش مسئولین فصلنامه را در ارائه خدمت یاری کرده‌اند و جامعه‌ای صمیمی، پویا و با دستاوردهای علمی بی‌نظیر را تشکیل داده‌اند.

پیشرفت روزافزون دانش بشری، لزوم ارائه نتایج به روز و جدید حاصل از پژوهش‌های اخیر را ایجاب می‌کند که نشریات در این زمینه نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. شتابی که امروزه بر محیط علمی مستولی است، مانع از سکون و سکوت محققان می‌شود و نشریات علمی که محل انتشار این دستاوردهای علمی است، باید بتوانند پویایی و نشاط خود را حفظ کنند تا با این جریان همراستا باشند و بتوانند به اعتلای جامعه علمی کمک کنند. جا دارد در این جا از صبر و بردباری نویسندگان در طول فرایند داوری، بازبینی و چاپ این شماره تشکر کنیم. همچنین از مشاور علمی نشریه و هیات داوران نهایت تشکر و قدردانی را داریم که با کمک و حمایت خود این فصلنامه را یاری کردند.

امروز با کمک این عزیزان و توجه شما خوانندگان محترم، موفق به چاپ شماره سوم این فصلنامه شدیم و امیدواریم بتوانیم نقش خود را در پیشرفت علم حسابداری به خوبی ایفا کنیم و در حد توان به در این زمینه فعالیت کنیم.

مسئولین فصلنامه

بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران



لیلا حسینی^۱

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد حرفه‌ای حسابداران انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش حسابداران شهر اراک می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۶۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. به منظور سنجش هوش اخلاقی، از پرسشنامه لنیک و کیل (۲۰۰۵)؛ برای سنجش اخلاق حرفه‌ای، از پرسشنامه کادوزیر (۲۰۰۲) و برای سنجش عملکرد اخلاقی، از پرسشنامه موسوی و همکاران (۱۳۹۸) استفاده شده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری و اعمال نظر متخصصان استفاده گردیده است. جهت تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای متغیر هوش اخلاقی ۰.۷۳۳؛ برای متغیر اخلاق حرفه‌ای ۰.۷۸۷؛ و برای متغیر عملکرد اخلاقی ۰.۷۹۸ به دست آمد که این مقادیر جهت تأیید پایایی پرسشنامه قابل قبول است. از نرم افزار SPSS و آزمون رگرسیون خطی برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت دارد. در

۱. کارشناس حسابداری.

مورد تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران نتایج نشان داد که تمامی مؤلفه‌های هوش اخلاقی (درستکاری، دلسوزی، پاسخ‌گویی، و بخشش) بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر دارد که در میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه درستکاری بالاترین مقدار بتا و بیشترین میزان تأثیر را دارد.

واژه‌گان کلیدی: هوش اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای، عملکرد اخلاقی.

مقدمه

رعایت اخلاق در حسابداری، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در سال‌های اخیر شاهد رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگی بوده‌ایم. مقصر اصلی در بروز بحران‌های مالی سراسر دنیا حسابداران شناخته شده‌اند که وظیفه گزارشگری خود را به نحو صحیح انجام نداده‌اند. گزارشگری نادرست صورت‌های مالی سازمان‌ها ناشی از نبود توانایی علمی آن‌ها نبوده، بلکه به دلیل خلأ ناشی از نبود اخلاق حرفه‌ای در میان فعالان حرفه عنوان شده است. بر همین اساس بود که لو و همکاران (۲۰۰۸) معتقد بودند "تربیت انسان‌ها تنها از بعد علمی بدون توجه به ابعاد اخلاقی، تهدید آفرین برای جامعه می‌باشد و افزایش در قوانین برای جلوگیری از حساب‌سازی‌ها و اختلاس‌ها لازم است، ولی کافی نیست" (خلیل پور، مهدی؛ یحیی کامیابی؛ سید علی نبوی چاشمی، ۱۳۹۸).

حرفه حسابداری همانند سایر افراد و حرفه‌های فعال در جامعه به رعایت اخلاق عمومی جامعه و آیین رفتار حرفه‌ای خود ملزم هستند. عدم رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای، می‌تواند موجب تضعیف فرهنگ و اخلاق کار و در نتیجه تضعیف حرفه حسابداری شود. اخلاق حرفه‌ای حاوی نظام ارزشی و باورهای جمعی صاحبان یک حرفه است که بر چگونگی رفتار، اعمال و مسئولیت‌های اعضای آن حرفه در مقابل جامعه، در مقابل یکدیگر و در مقابل اشخاصی که از خدمات شاغلان آن حرفه استفاده می‌کنند، نظارت دارد (خلیل پور، مهدی؛ یحیی کامیابی؛ سید علی نبوی چاشمی، ۱۳۹۸).

حسابداران حرفه‌ای معمولاً با موقعیت‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند که به قضاوت‌های اخلاقی با اهمیتی نیاز دارد. حسابداران با فرصت‌های کاری زیادی مواجه می‌شوند که اگر در آن

فرصت ها رفتار غیر اخلاقی داشته باشند، می توانند منافع شخصی بسیاری کسب کنند. هر رفتار غیر اخلاقی در حسابداری به زیان در نظام های اقتصادی منجر می شود.

حسابداری یک فن و عمل است که برای کمک به افراد در ردیابی اثر معاملات اقتصادی آنها تدوین شده است. هدف اصلی و اساسی آن ارائه اطلاعات درباره امور اقتصادی یک شخص یا سازمان در قالب صورت ها و گزارش های مالی می باشد. این اطلاعات برای تصمیم گیری مدیران، مالکان، دولت، عرضه کنندگان کالا و کارکنان شرکت مورد استفاده قرار می گیرد. تمرکز واحدهای تجاری برای به حداکثر رسانیدن سود، مقابله با چالش های رقابتی، تأکید بر نتایج کوتاه مدت و ارائه خدمات متنوع حسابداری، حسابداران را در محیطی مملو از تضاد قرار داده که به پیامدهای غیر اخلاقی برای آنها منجر گردیده است. حسابداران نیز باید برای تحصیل مهارت های قضاوت اخلاقی، تعهد شخصی داشته باشند. مؤسسات حسابداری باید قبل از قبول مشتری برای خدمات حسابداری برای او، محیط اخلاقی وی را ارزیابی کنند. لازم است این مؤسسات تعهد مشتری های فعلی و بالقوه خود را نسبت به انجام عملیات اخلاقی بسنجند (ابراهیمی، بهنام و نخعی، کریم، ۱۳۹۶).

اهمیت عملکرد اخلاقی حسابداران و تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه ای بر آن، انگیزه اصلی این پژوهش است. بررسی های انجام شده نشان داده است که هوش اخلاقی و اخلاق حرفه ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر دارد. به طور کلی هدف از اجرای این پژوهش، بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران است.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم هوش اخلاقی

اخیراً اصطلاح جدیدی با عنوان «هوش اخلاقی» توسط بوربا (۲۰۰۵) در روان شناسی وارد شده است. وی هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۱۳

اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. هوش اخلاقی به معنای توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است. هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن، شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست. آنچه ما برای انجام دادن کارهای درست به آن نیاز داریم، همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم. در هر بخش از زندگی به بهترین اطلاعات قابل دسترس می‌رسیم، خطرهای را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به پیامدهای آن خوش بین هستیم. افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را انجام می‌دهند (رحیمی، حمید؛ مدنی، سید احمد و محمدیان، آسیه، ۱۳۹۴).

بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی فهمیدن درست از خطا به معنای داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار به شیوه درست و پسندیده تعریف می‌کند. وی در کتاب ساختن هوش اخلاقی به هفت فضیلت اساسی توجه می‌کند و برای آموزش این فضیلت‌های اساسی به جهت انجام دادن آنچه درست است و استقامت (پایداری) در برابر هر فشاری که ممکن است رفتارها و عادت‌های درست آنها را به مبارزه بطلبد، مراحل را نیز در نظر می‌گیرد. همدلی: شناسایی احساسات انسان‌ها؛ وجدان: دانستن راه صحیح و درست و عمل به آن؛ خودکنترلی: تنظیم تفکرات و اعمال خود؛ مهربانی: توجه به نیازها و احساسات دیگران؛ بردباری و تحمل: احترام گذاشتن به شان و حقوق همه افراد، حتی افرادی که عقاید و رفتارشان با ما مخالف است؛ بی‌طرفی (انصاف): انتخاب‌های عاقلانه و عمل به شیوه منصفانه است (رژه، ناهید، رفعتی، شیوا، احمدی وش، طه محمد، دواتی، علی، ۱۳۹۳)

ناروائز (۲۰۱۰)، هوش اخلاقی با احساسات و عقل گره خورده و رفتارهای اخلاقی به احساسات یکپارچه، شهود و استدلال وابسته است. هوش اخلاقی به معنای توجه به زندگی و

طبیعت رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباط آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است و به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شویم بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست. آنچه ما برای انجام دادن کارهای درست بدان نیاز داریم، همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم، در هر بخشی از زندگی به بهترین اطلاعات قابل دسترس می‌رسیم، خطرهای را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به پیامدهای آن خوش بین هستیم افراد با هوش اخلاقی بالا کار درست را انجام می‌دهند اعمال آنها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی دارند و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند می‌دهند (جهانیان، رمضان، ساعی ارسی، ایرج، طیبیا، مونا، ۱۳۹۲).

لنیک و کیل (۲۰۰۵)، هوش اخلاقی را توانایی تشخیص درست از اشتباه می‌دانند که با اصول جهان سازگار است. به نظر آنان، ابعاد هوش اخلاقی عبارتند از: الف) درستکاری؛ یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه به آن باور داریم و آنچه به آن عمل می‌کنیم. انجام دادن آنچه می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه‌ای که با اصول و عقایدش سازگار باشد، عمل می‌کند. ب) مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد. ج) دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز در زمان نیاز با ما همدردی می‌کنند و مهربان خواهند بود. د) بخشش: آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباهات دیگران (رحیمی، حمید؛ مدنی، سید احمد و محمدیان، آسیه، ۱۳۹۴).

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۱۵

افرادی با هوش اخلاقی بالا همیشه کارهایشان را با اصول اخلاقی پیوند می‌زنند که این خود باعث افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر افراد و بهبود کارایی فردی و گروهی می‌شود (شیدائی ماسوله، مریم و شیدائی ماسوله، الهام، ۱۳۹۵).

مفهوم اخلاق حرفه‌ای

امروزه رشد پر شتاب علم و ظهور فناوری‌های جدید از یکسو و از هم گسیختگی مبانی سنتی اخلاق در جوامع از سوی دیگر، اهمیت اخلاق حرفه‌ای را دو چندان کرده است. مقصود از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند. بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف به مجازات‌های قانونی دچار شوند. از آن لحاظ عمده‌تر ین دغدغه مدیران کارآمد در سطوح مختلف سازمان، چگونگی نهادینه کردن اخلاق حرفه‌ای نیروی انسانی است (شیرازیان، بهاره، عبدالمهی، زهرا، پور شافعی، هادی، ۲۰۱۷).

اخلاق حرفه‌ای، مجموعه از اصول و استانداردهای سلول بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند. در حقیقت، اخلاق حرفه‌ای فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن محقق کردن این امر است که در سازمان چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه کرد. اخلاق حرفه‌ای را مسئولیت‌های اخلاقی سازمان تعریف می‌کنیم که شامل همه اضلاع و ابعاد سازمان می‌شود و اخلاقیات شغلی را هم در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر، اخلاق حرفه‌ای مسئولیت‌های اخلاقی سازمان در قبال محیط مستقیم و غیرمستقیم است و بر اصل حق مردم استوار است و اعتقاد دارد «محیط حق دارد و سازمان وظیفه» اخلاق حرفه‌ای، رفتار ارتباطی سازمان با محیط بر اساس حقوق و تعهدات و وظایف است. (کلانتری، مهدی، شفیعی، فاطمه، ذوالفقاری زعفرانی، رشید، ۱۳۹۷)

در تعریف دیگری از اخلاق حرفه‌ای آمده که اخلاق یک شغل و حرفه معین، قانونی است که به وسیله آن افعال را منظم می‌کند و استانداردهایی برای افرادش قرار می‌دهد. طبق تعریف مذکور، می‌توان در مشاغل و حرفه‌های مختلف با تعیین و تدوین آیین نامه‌های اخلاقی و محدوده مسائل اخلاقی هر حرفه را با توجه به منافع و مقررات حاکم بر حرفه مورد نظر، راه را برای پیشبرد اهداف تعیین شده در آن حرفه هموارتر کرد. همچنین اخلاق حرفه‌ای را (رشته‌ای علم اخلاقی دانسته‌اند که روابط شغلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد (شیرازیان، بهاره، عبدالحی، زهرا، پور شافعی، هادی، ۲۰۱۷).

اخلاق عبارت است از مطالعه معیارهای رفتار و قضاوت اخلاقی. اخلاق مفهومی از رفتار صحیح و غلط است که اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن اعمال ما را تعریف می‌کند (Yusoff et al, 2011).

کادوزیر درباره ویژگی‌های افرادی که اخلاق حرفه‌ای دارند موارد زیر را بیان می‌کند: مسئولیت‌پذیری: در این مورد فرد پاسخگوست و مسئولیت تصمیم‌ها و پیامدهای آن را می‌پذیرد؛ سرمشق دیگران است؛ حساس و اخلاق‌مند است؛ به درستکاری و خوشنامی در کارش اهمیت می‌دهد؛ برای ادای تمام مسئولیت‌های خویش کوشاست و مسئولیتی را که به عهده می‌گیرد، با تمام توان و خلوص نیت انجام می‌دهد. برتری‌جویی و رقابت طلبی در تمام موارد سعی می‌کند ممتاز باشد؛ اعتماد به نفس دارد؛ به مهارت بالایی در حرفه خود دست پیدا میکند؛ جدی و پرکار است؛ به موقعیت فعلی خود راضی نیست و از طرق شایسته دنبال ارتقای خود است؛ سعی نمی‌کند به هر طریقی در رقابت برنده باشد (حسین زاده، امین. ۱۳۹۵).

مبحث اخلاقیات سازمانی و حرفه‌ای امروزه نقش پراهمیتی را در جهان و حوزه سازمان یافته است (شفیع پور و همکاران، ۱۳۹۶). ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در افراد به حوزه فردی مربوط بوده؛ اما وقتی از حوزه فردی و شخصی به حوزه کسب و کار گام برمی‌داریم اخلاق کار و یا اخلاق شغلی به میان می‌آید، مانند اخلاق پزشکی، اخلاق معلمی و اخلاق مهندسی.

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۱۷

اصول اخلاق شایسته و کارآ از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک کارآست و این اصول موجب یک مؤسسه یا سازمان کارا می‌شود (محمدی پور، رحمت اله؛ محمدی، یادگار و قاسمی، فرنگیس، ۱۳۹۴).

مفهوم عملکرد اخلاقی حسابداران

امروزه با توجه به افزایش رقابت میان سازمان‌ها و در جهت توجه به تغییر و تحول سازمانی، افراد و سازمان‌ها به دنبال آن هستند که عملکرد موثرتری داشته باشند. عملکرد افراد در سازمان می‌تواند نقش عمده‌ای در موفقیت هر سازمان داشته باشند (درخشانمهر، آرش؛ سعید جبارزاده کنگرلویی؛ جمال بحری ثالث، ۱۳۹۷).

حسابداری یکی از حساس‌ترین شغل‌ها و فعالیت‌های عصر کنونی می‌باشد؛ زیرا هر جامعه برای رسیدن به اهداف خود، به ایجاد رفاه و امنیت مالی و اقتصادی برای زیر مجموعه خود نیازمند می‌باشد. علم حسابداری با داشتن خلیات و رفتارهای مناسب می‌تواند این جامعه را از انحراف مالی و زیان‌های سنگین نجات دهد. هنگامی که حسابدار وارد فعالیت خود می‌گردد، باید به بایدها و نبایدهای کار خود ایمان داشته باشد و همچنین با توجه به نوع فعالیت از پذیرش مسئولیت‌هایی که باعث فشار و یا تهدید بر نوع عملکرد وی می‌شود، خودداری و یا سعی کند عوامل تهدیدکننده را از محیط کار خود دور کند (محمدی پور، رحمت اله؛ محمدی، یادگار و قاسمی، فرنگیس، ۱۳۹۴).

اخلاق و رفتار اخلاقی بیشتر به اصول کلی نظیر صداقت، وفاداری، تعهد، رازداری، درستکاری و عدالت اشاره دارد. با این حال، دستورالعمل رفتار حرفه‌ای، یک مجموعه خاص از قوانین است که توسط هیئت استانداردهای حسابداری حرفه‌ای و اخلاقی تعیین می‌شود. اصول اخلاقی گویای تعهد اخلاقی و معنوی حسابداران حرفه‌ای است (موسوی کاشی، زهره و محسنی کبیر، زهره، ۱۳۹۸).

الگوی چهاربخشی رست از عملکرد اخلاقی شامل حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و عمل اخلاقی است (رست، ۱۹۸۳). جیمز رست و همکاران سعی کرده‌اند نگاه عمیقی به یادگیری و عملکرد اخلاقی انسان داشته باشند و مبادی آن را شناسایی کنند. ابتدا رست سعی کرد فرایندهای روان شناختی دخیل در رفتار اخلاقی را مورد بررسی قرار دهد و به این نتیجه رسید که تحقق و بروز رفتار اخلاقی دست کم مستلزم تغییرات مثبت در چهار فرایند روان شناختی حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و عمل اخلاقی است (وجدانی، فاطمه و حیدری، سمیرا، ۱۳۹۸).

مؤلفه اول، فرایندی است که جریان شناختی در مورد فهم، ارزیابی و تفسیر را شامل می‌شود. مؤلفه دوم زمانی شروع می‌شود که شخص باید درباره اینکه کدام عمل اخلاقی درست یا نادرست است، به قضاوت و انتخاب قادر باشد. این مؤلفه به «استدلال اخلاقی» معروف است. مؤلفه سوم آن است که فرد باید برای ارزش‌های اخلاقی مورد پذیرش خود اولویت قایل شود. این مؤلفه را «انگیزه اخلاقی» نامیده است؛ چرا که برای نیل به اهداف این ارزش‌ها هستند که که موجب انگیزه در افراد و هدایت رفتار او می‌شود. و مؤلفه چهارم، نیز شخصیت اخلاقی را تشکیل می‌دهد (عسگری، زهرا، ۱۳۹۶).

اخلاق، ضرورت و لازمه جامعه سالم است و به علت کارکردهای و پیامدهای مثبت فردی، سازمان و اجتماعی آن است که همواره توجه دانشمندان، مرییان و مدیران سازمان‌ها را بر انگیخته است تا برای حفظ و ارتقای سطح آن کوشش کنند. با توجه به ماهیت حرفه حسابداری، حسابداران و سابرسان در یک موقعیت خاص اعتباری قرار گرفته و افکار عمومی به عنوان افرادی قابل اطمینان و امین شناخته شده‌اند. این تعبیر، به نقش بسیار حساس حسابداران در جامعه اشاره دارد؛ زیرا حسابداران با توجه تعهدات حرفه خویش، نسبت به سهامداران، اعتباردهندگان، کارگران و کارمندان، تامین‌کنندگان، دولت، حرفه حسابداری و جامعه مسئولیت دارند. حسابداران و حسابرسان متعهد هستند که بر اساس عینیت و درستی و

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۱۹

در جهت منافع و رفاه عموم فعالیت کنند. موج رسوایی‌های اخیر حسابداری به اعتبار حرفه (براتی، سعید؛ لرستانی، علیرضا و سمیعی، امید، ۱۳۹۵).

پیشینه پژوهش (داخلی)

اسماعیل خوشبخت و امیرحسین تائبی نقندری و حدیث زینلهدف پژوهشی برای بررسی تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارش‌گری مالی با تأکید بر نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای حسابداران در ایران انجام دادند. اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از طریق پرسشنامه انجام شد. بدین منظور ۴۰۰ پرسشنامه در بین اعضای کارشناسان رسمی دادگستری حسابداری و حسابرسی در کل ایران توزیع شد. در نهایت ۳۱۲ فقره آن قابل قبول برای تجزیه و تحلیل واقع گردید. برای بررسی فرضیات از مدلسازی معادالت ساختاری SEM و برای تحلیل از نرم افزار آموس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد و بر اخلاق حرفه‌ای حسابداران تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد. همچنین، دینداری موجب می‌گردد حسابداران از سطح اخلاقی بالاتری برخوردار باشند و این سطح اخلاقی بالاتر عاملی مؤثر در کاهش تقلب در گزارشگری مالی توسط حسابداران است که نشان می‌دهد اخلاق حرفه‌ای حسابداران، رابطه بین دینداری آنها و تقلب^۰های گزارشگری را توضیح می‌دهد (خوشبخت، اسماعیل و تائبی نقندری، امیرحسین و حدیث، زینلهدف، ۱۴۰۱).

رضا جلالی کاسب و حیدر خالد علی معاویه در پژوهش خود بیان کردند که اخلاق، مجموعه اصول و ارزش‌ها است. اخلاق الگوی ارتباطی میان افراد با رعایت حقوق افراد است. در واقع، اخلاق مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد را مشخص می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی است. بنابراین، اخلاقیات با ارزش‌ها ارتباط تنگاتنگی دارند. در واقع اخلاق و رفتار انسان‌ها، ابزاری است که ارزش‌ها را به عمل تبدیل می‌کند. اخلاق یعنی اصول معنوی و ارزش‌هایی که بر رفتار شخص یا گروه، حاکم است

و تعیین می‌کند که کار درست چیست و کار نادرست کدام است. با این حال، برخی دیگر از مسائل مانند اصول و ارزش‌های اخلاقی (مانند دلسوزی، ارزش قائل شدن برای دیگران و غیره) به گونه‌ای نیست که بتوان تعریف واضح و روشنی از آن‌ها ارائه کرد، لذا معمولاً این موارد در قوانین جایگاهی ندارند (جلالی کاسب، رضا؛ حیدر خالد علی معاویه، ۱۴۰۰).

موسوی کاشی و محسنی کبیر (۱۳۹۸)، پژوهشی با هدف بررسی تأثیر ابعاد سکوت سازمانی بر عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حساب‌برسان انجام دادند. پژوهش، توصیفی پیمایشی و نمونه آماری پژوهش را ۳۶۳ نفر از حساب‌برسان شاغل در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه ساختار یافته و محقق ساخته جمع‌آوری گردید و سپس با استفاده از نرم افزار PLS2 و روش مدلسازی معادلات ساختاری به تحلیل و آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که میانگین سکوت سازمانی در جامعه حسابداران رسمی از سازمان حسابرسی بیشتر است. سکوت تدافعی تأثیر معناداری در کاهش عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حساب‌برسان در هر دو بخش خصوصی و دولتی دارد. تأثیر سکوت نوع دوستی بر افزایش عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حساب‌برسان معنادار، و اثر سکوت مطیع بر عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حساب‌برسان، معنادار نمی‌باشد. بین ویژگی‌های فردی - سازمانی و عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حساب‌برسان تأثیر مثبت و معناداری وجود دارد و میزان این تأثیر بر عملکرد حرفه‌ای قوی‌تر و بیشتر است. از بین ویژگی‌های فردی - سازمانی، سابقه کاری بیشترین تأثیر مثبت و معنادار را بر عملکرد اخلاقی و حرفه‌ای حساب‌برسان دارد (موسوی کاشی، زهره و محسنی کبیر، زهره، ۱۳۹۸).

درخشانمهر و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با هدف شناسایی نقش تعدیل‌گر اخلاق حرفه‌ای در رابطه بین رهبری اخلاقی و عملکرد حساب‌برسان مستقل انجام داده‌اند. پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۶ انجام شده و جامعه آماری این پژوهش کلیه حساب‌برسان شاغل در کلیه مؤسسات حسابرسی پذیرفته شده در جامعه حسابداران رسمی ایران هستند؛ که از این تعداد

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۲۱

۱۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه‌های رهبری اخلاقی، عملکرد و اخلاق حرفه‌ای، جمع‌آوری شده و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. برای تأیید روایی پرسشنامه‌ها از دیدگاه خبرگان حرفه و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده که نتایج حاکی از تأیید پرسشنامه‌ها می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری و الگوریتم حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. نتایج آزمون نشان‌دهنده تأیید نقش تعدیلگری اخلاق حرفه‌ای بر رابطه بین رهبری اخلاقی و عملکرد حسابرسان مستقل می‌باشد (درخشانمهر، آرش؛ سعید جبارزاده کنگرلونی؛ جمال بحری ثالث ۱۳۹۷).

مرادی و زکی زاده (۱۳۹۳)، پژوهشی با هدف بررسی تأثیر مدیریت اخلاقی، عملکرد حسابرسی داخلی و گرایش‌های اخلاقی بر تصمیم‌گزارشگری مالی انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، حسابداران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مستقر در استان فارس و حسابداران شرکت‌های فعال در شهرک صنعتی شیراز است و بین این دو گروه مقایسه صورت گرفته است. از تعداد ۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دفتر آن‌ها در استان فارس مستقر بوده است، تعداد ۱۶۷ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده، و در گروه دوم تعداد ۲۵۵ پرسش‌نامه جمع‌آوری و تحلیل گردیده است. در تحقیق حاضر، از روش توصیفی - و برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های تحلیل کوواریانس، واریماکس و تست سوبل استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیریت اخلاقی و عملکرد حسابرسی داخلی با هم تعامل دارند و بر انجام عمل غیراخلاقی تأثیر می‌گذارند (مرادی، جواد و زکی زاده، زهرا، ۱۳۹۳).

ابراهیم پور (۱۳۹۲)، پژوهشی با هدف تأثیرپذیری عملکرد وظیفه‌ای از اخلاق کاری انجام داده است. تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. داده‌ها از طریق فنون آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین اخلاق کاری با هشت متغیر و عملکرد وظیفه‌ای با هفت

متغیر با ضریب ۰/۴۶۴ و در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. براساس یافته های تحقیق، پیشنهادهایی برای افزایش عملکرد وظیفه ای در سازمان بر پایه اخلاق کاری ارائه گردید (ابراهیم پور، حبیب، ۱۳۹۲).

رویایی و بیات (۱۳۹۰)، پژوهشی انجام دادند که هدف آن اثر آموزش های اخلاقی و همچنین تأثیر انگیزش اخلاقی بر روی رفتار اخلاقی دانشجویان حسابداری بوده است. همچنین بررسی دلایل تصمیم های غیر اخلاقی دانشجویان و مطالعه تصمیم گیری اخلاقی آنها در شرایط مختلف نیز از اهداف این مقاله می باشد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که دانشجویان در دو سطح فردی و سازمانی دارای رفتار اخلاقی تقریباً مشابهی هستند. همچنین بین انگیزش اخلاقی و تصمیم گیری در موقعیت های فردی رابطه معناداری مشاهده نشد؛ ولی بین ایجاد انگیزش اخلاقی و تصمیم گیری مرتبط با سازمان و محیط کار رابطه معنادار قوی مشاهده گردید. به علاوه، نتایج این مقاله از نصیحت کردن و ارائه الگوهای اخلاقی برای افزایش انگیزه اخلاقی نزد دانشجویان حسابداری حمایت می کند (رویایی، رمضانعلی و بیات، علی، ۱۳۹۰).

جباری و رحمانی (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان سنجش ملاحظات اخلاقی در حسابداری انجام دادند. در انجام این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. برای این منظور متون و مقالات متعددی مطالعه و خلاصه ای از آنها ارائه شده است. با توجه به نتایج بررسی تحقیقات پیشین، پیشنهاد می شود برای تقویت ابعاد اخلاقی مختلف دانشجویان حسابداری آنها را از طریق آموزش با مباحث اخلاقی آشناتر کرد. لذا برای افزایش حساسیت اخلاقی، نیت اخلاقی و جهت گیری اخلاقی حسابداران و حسابرسان لازم است بر آموزش مداوم و مستمر اخلاق حرفه ای تأکید گردد (جباری، حسین و رحمانی، حلیمه ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش (خارجی)

الزویر در پژوهشی بیان کرد بیشتر دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با فرار مالیاتی مبارزه کرده و آن را کاهش دهند. در این زمینه یک دو راهی در مورد اینکه آیا سیاست‌ها باید رفتار اخلاقی شرکت‌ها (یک مؤسسه غیر رسمی) را تشویق کند یا استانداردهای حسابرسی (یک نهاد رسمی) را تقویت کند، ایجاد می‌شود. در این مطالعه، ما شواهد جدید در سطح جهانی در مورد تأثیرات این دو عامل بر فرار مالیاتی ارائه می‌کنیم. به طور کلی، حتی اگر استانداردهای حسابرسی قوی بتواند فرار مالیاتی را کاهش دهند، با این حال رفتار اخلاقی شرکت‌ها از نظر آماری تأثیر قوی‌تری در دستیابی به این هدف دارد. این نتایج پس از کنترل درون زایی و دوره‌های زمانی مختلف (قبل، حین و بعد از بحران مالی جهانی اخیر) همچنان برقرار است. به طور خاص، رفتار اخلاقی شرکت‌ها برای کشورهایی با درآمد کم و متوسط و با سطح پایین و بالایی از حمایت از سرمایه‌گذاران و و با کارایی پایین هیئت مدیره‌های شرکت، مؤثر است، با این حال، رفتارهای اخلاقی و استانداردهای حسابرسی برای کشورهای با درآمد بالا و کشورهایی با سطح متوسط حمایت از سرمایه‌گذاران و هیئت مدیره‌های شرکت‌هایی با کارایی متوسط و بالا، دارای اثر متقابل هستند. بنابراین، این مطالعه بینش مفیدی برای سازمان‌ها و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند (ali، uyar، Benkraiem، Ramzi، ۲۰۲۱).

اوراکا، گروه حسابداری آذربایک اونورا (۲۰۱۵) در تحقیقی با موضوع اخلاق حرفه‌ای نوشت: این مطالعه تأثیر اخلاق حسابداری حرفه‌ای در تضمین کیفیت در حسابرسی را ارزیابی می‌کند. داده‌های تحقیق از منابع اصلی و ثانویه جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده با میانگین نمره و انحراف معیار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سه فرضیه تدوین شده با استفاده از آزمون آماری Z-Test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس این تحلیل، این مطالعه نشان داد که تضمین کیفیت در حسابرسی باعث افزایش اعتماد به نفس سرمایه‌گذاران نسبت به اعتبار حساب‌های حسابرسی شده و اخلاق حرفه‌ای استقلال در تضمین کیفیت تأثیر

معناداری دارد. از این رو، اخلاق حرفه‌ای در تضمین کیفیت در حسابرسی نیز ضروری است. مستقل از حسابرسان را تقویت کنید. برهمین اساس، محقق توصیه می‌کند که حسابداران حرفه‌ای قبل از اعزام به این رشته، وظیفه خود را آموزش داده و آموزش القایی را در مورد اصول انجام یک تمرین حسابرسی با کیفیت به حسابرسان جدید ارائه کنند (Oraka, Azubike, Onuora, ۲۰۱۵).

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی ۱. هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیات فرعی

فرضیه فرعی ۱-۱. درستکاری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲. دلسوزی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۳. پاسخ‌گویی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۱-۴. بخشش بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه اصلی ۲. اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیات فرعی

فرضیه فرعی ۲-۱. مسئولیت‌پذیری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲. صادق بودن بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۳. عدالت و انصاف بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۴. وفاداری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۵. برتری‌جویی و رقابت طلبی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۶. احترام به دیگران بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۲۵

فرضیه فرعی ۲-۷. همدردی با دیگران بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۲-۸. رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش حسابداران شهر اراک می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۶۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. به منظور سنجش هوش اخلاقی از پرسشنامه لنینیک و کیل (۲۰۰۵)؛ برای سنجش اخلاق حرفه‌ای از پرسشنامه کادوزیر (۲۰۰۲) و برای سنجش عملکرد اخلاقی از پرسشنامه موسوی و همکاران (۱۳۹۸) استفاده شده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری و اعمال نظر متخصصان استفاده گردیده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای متغیر هوش اخلاقی ۰.۷۳۳؛ برای متغیر اخلاق حرفه‌ای ۰.۷۸۷؛ و برای متغیر عملکرد اخلاقی ۰.۷۹۸ به دست آمد که این مقادیر برای تأیید پایایی پرسشنامه قابل قبول است. برای آزمون فرضیات پژوهش از نرم افزار SPSS و آزمون رگرسیون خطی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات پژوهش، آورده شده است.

آزمون فرضیه اصلی ۱

فرضیه اصلی ۱: هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

به منظور تأثیر هوش اخلاقی (متغیر مستقل) بر عملکرد اخلاقی (متغیر وابسته) از آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج این آزمون در ذیل ارائه شده است:

جدول ۱. آماره تعیین رگرسیون بین متغیر هوش اخلاقی و عملکرد اخلاقی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تبیین تصحیح شده	خطای معیار	آماره دوربین واتسون
۰.۶۵۳	۰.۴۲۷	۰.۴۱۷	۳.۱۹۹۱	۱.۸۵۸

مقدار R شدت همبستگی بین متغیرها را نشان می دهد که برابر است با ۰.۶۵۳. همان طور که از مقدار R نمایان است، بین متغیرها همبستگی خوبی وجود دارد. مقدار ضریب تبیین (R^2) نشان می دهد که چه مقدار از متغیر وابسته می تواند توسط متغیرهای مستقل تبیین شود. همان طور که در جدول بالا مشاهده می گردد، مقدار ضریب تبیین ۰.۴۲۷ است که نشان می دهد ۴۳ درصد از تغییرات عملکرد اخلاقی از متغیر مستقل (هوش اخلاقی) تأثیر می پذیرد.

یکی از مفروضاتی که در رگرسیون موردنظر است، استقلال خطاها از یکدیگر است. به منظور بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده می شود. چنانچه این آماره در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار گیرد، می توان نتیجه گرفت بین خطاها استقلال وجود دارد. با توجه به اینکه آماره دوربین واتسن برابر با (۱/۸۵۸) به دست آمده که این مقدار در بازه (۲/۵ و ۱/۵) قرار دارد. بنابراین، شرط استقلال خطاها رعایت شده و می توان از آزمون رگرسیون خطی برای آزمون فرضیه استفاده نمود. به عبارت دیگر، شاخص ها نشان می دهند که مدل از کفایت لازم برخوردار است.

جدول ۲: جدول تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۴.۴۱۷	۱	۴.۴۱۷	۴۳.۱۵۹	۰.۰۰۰
باقیمانده	۵.۹۳۶	۵۸	۰.۱۰۲		
کل	۱۰.۳۵۳	۵۹			

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۲۷

نتایج جدول تحلیل واریانس (جدول ۲) نشان می‌دهد که سطح معناداری آماره $F(۰/۰۰۰)$ می‌باشد و این مقدار از $(۰/۰۵)$ کمتر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه خطی بین متغیرهای مطرح شده در مدل وجود دارد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون گام به گام برای سنجش تأثیر متغیر هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی

متغیر	ضریب‌های غیراستاندارد		ضریب‌های استاندارد	آماره T	سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta		
مقدار ثابت	۱.۳۵۳	۰.۳۷۷		۳.۵۸۶	۰.۰۰۱
هوش اخلاقی	۰.۶۵۸	۰.۱۰۰	۰.۶۵۳	۶.۵۷۰	۰.۰۰۰

در جدول ۳ اثر هوش اخلاقی به عنوان متغیر مستقل بر عملکرد اخلاقی به عنوان یک متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول مذکور نشان داده شده است، با توجه به اینکه $p\text{-Value}$ برای این اثر برابر است با $۰/۰۰۰$ و این مقدار از $۰/۰۵$ کوچک‌تر می‌باشد، اثر معنادار و مثبت هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی در سطح معناداری $۰/۹۵$ را می‌توان نتیجه گرفت و در نتیجه فرضیه H_0 رد می‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود که ضریب بتا برای این اثر برابر است با $\beta = ۰/۶۵۳$.

مدل رگرسیونی حاصل از تأثیر هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی عبارت است از:

$$(\text{هوش اخلاقی}) = ۱/۳۵۳ + ۰/۶۵۸ \times (\text{عملکرد اخلاقی})$$

آزمون فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۱

جدول ۴. آزمون فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۱

نتیجه	سطح معناداری	ضریب تعیین	مقدار T	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد		فرضیات پژوهش
					خطای استاندارد	بتا	
تأیید فرضیه	۰.۰۰۰	۰.۲۹۴	۴.۹۱۱	۰.۴۵۲	۰.۰۹۲	۰.۵۴۲	فرضیه فرعی ۱- ۱. درستکاری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.
تأیید فرضیه	۰.۰۰۰	۰.۲۷۶	۴.۷۰۷	۰.۳۹۲	۰.۰۸ ۳	۰.۵۲۶	فرضیه فرعی ۱-۲. دلسوزی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.
تأیید فرضیه	۰.۰۰۱	۰.۱۸۸	۳.۶۶۱	۰.۳۱۹	۰.۰۸ ۷	۰.۴۳۳	فرضیه فرعی ۱-۳. پاسخ گویی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.
تأیید فرضیه	۰.۰۰۲	۰.۱۵۸	۳.۲۹۴	۰.۲۴۲	۰.۰۷ ۴	۰.۳۹۷	فرضیه فرعی ۱-۴. بخشش بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۲۹

با توجه به نتایج جدول ۴ می‌توان گفت که هر چقدر بتا و T بزرگ‌تر و سطح معناداری کوچک‌تر باشد، نشان از آن است که متغیرهای مستقل تأثیر شدید تری بر متغیر وابسته دارند. در مورد تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی، با توجه به نتایج، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه درستکاری بالاترین مقدار بتا را دارد. بنابراین، این مؤلفه بیشترین تأثیر را بر عملکرد اخلاقی حسابداران دارد و در ادامه مؤلفه‌های دلسوزی، پاسخ‌گویی، و بخشش به ترتیب بیشترین مقدار بتا و بیشترین تأثیر را بر عملکرد اخلاقی حسابداران دارند. فرضیه اصلی ۲. اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد. به منظور تأثیر اخلاق حرفه‌ای (متغیر مستقل) بر عملکرد اخلاقی (متغیر وابسته) از آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج این آزمون در ذیل ارائه شده است:

جدول ۵. آماره تعیین رگرسیون بین متغیر اخلاق حرفه‌ای و عملکرد اخلاقی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تبیین تصحیح شده	خطای معیار	آماره دوربین واتسون
۰.۴۷۴	۰.۲۲۴	۰.۲۱۱	۰.۳۷۲۰۹	۱.۶۱۶

مقدار R شدت همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد که برابر است با ۰.۴۷۴. همان‌طور که از مقدار R نمایان است، بین متغیرها همبستگی خوبی وجود دارد. مقدار ضریب تبیین (R^2) نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل تبیین شود. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌گردد، مقدار ضریب تبیین ۰.۲۲۴ است که نشان می‌دهد ۲۲ درصد از تغییرات عملکرد اخلاقی از متغیر مستقل (اخلاق حرفه‌ای) تأثیر می‌پذیرد.

یکی از مفروضاتی که در رگرسیون موردنظر است، استقلال خطاها از یکدیگر است. به منظور بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. چنانچه این آماره در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار گیرد، می‌توان نتیجه گرفت بین خطاها استقلال وجود دارد. با توجه به اینکه

۳۰ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین ♦.....

آماره دورین واتسن برابر با (۱/۶۱۶) به دست آمده که این مقدار در بازه (۲/۵ و ۱/۵) قرار دارد، بنابراین، شرط استقلال خطاها رعایت شده و می توان از آزمون رگرسیون خطی برای آزمون فرضیه استفاده کرد. به عبارت دیگر، شاخص ها نشان می دهند که مدل از کفایت لازم برخوردار است.

جدول ۶. جدول تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۲.۳۲۲	۱	۲.۳۲۲	۱۶.۷۷۳	۰.۰۰۰
باقی مانده	۸.۰۳۰	۵۸	۰.۱۳۸		
کل	۱۰.۳۵۳	۵۹			

نتایج جدول تحلیل واریانس (جدول ۶) نشان می دهد که سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) می باشد و این مقدار از (۰/۰۵) کمتر است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که رابطه خطی بین متغیرهای مطرح شده در مدل وجود دارد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون گام به گام برای سنجش تأثیر متغیر اخلاق حرفه ای بر عملکرد اخلاقی

متغیر	ضریب های غیر استاندارد		ضریب های استاندارد	آماره T	سطح معناداری
	B	Std. Error			
مقدار ثابت	۲.۰۲۶	۰.۴۴۰		۴.۶۰۴	۰.۰۰۰
اخلاق حرفه ای	۰.۴۳۴	۰.۱۰۶	۰.۴۷۴	۴.۰۹۶	۰.۰۰۰

در جدول ۷ اثر اخلاق حرفه ای به عنوان متغیر مستقل بر روی عملکرد اخلاقی به عنوان یک متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است. همان طور که در جدول مذکور نشان داده شده است، با توجه به اینکه p-Value برای این اثر برابر است با ۰/۰۰۰ و این مقدار از ۰/۰۵

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۳۱

کوچک‌تر می‌باشد، اثر معنادار و مثبت اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی در سطح معناداری ۰/۹۵ را می‌توان نتیجه گرفت و در نتیجه فرضیه H_0 رد می‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود که ضریب بتا برای این اثر برابر است با $\beta = 0/474$.

مدل رگرسیونی حاصل از تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی عبارت است از:

$$(\text{اخلاق حرفه‌ای}) = 2/026 + 0/434 (\text{عملکرد اخلاقی})$$

آزمون فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۲

جدول ۸. آزمون فرضیات فرعی مربوط به فرضیه اصلی ۲

نتیجه	سطح معناداری	ضریب تعیین	مقدار T	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد		فرضیات پژوهش
					خطای استاندارد	بتا	
تأیید فرضیه	۰.۰۰۹	۰.۱۱۰	۲.۶۸۳	۰.۲۰۵	۰.۰۷۶	۰.۳۳۲	فرضیه فرعی ۱-۲. مسئولیت‌پذیری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
تأیید فرضیه	۰.۰۰۶	۰.۱۲۵	۲.۸۷۷	۰.۲۰۰	۰.۰۷۰	۰.۳۵۳	فرضیه فرعی ۲-۲. صادق بودن بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
تأیید فرضیه	۰.۰۰۲	۰.۱۵۲	۳.۲۲۹	۰.۱۶۷	۰.۰۵۲	۰.۳۹۰	فرضیه فرعی ۳-۲. عدالت و انصاف بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
رد فرضیه	۰.۱۲۷	۰.۰۴۰	۱.۵۴۸	۰.۱۱۸	۰.۰۷۶	۰.۱۹۹	فرضیه فرعی ۴-۲. وفاداری بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
رد فرضیه	۰.۲۸۵	۰.۰۲۰	۱.۰۷۹	۰.۰۷۴	۰.۰۶۸	۰.۱۴۰	فرضیه فرعی ۵-۲. برتری

							جویی و رقابت طلبی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
تأیید فرضیه	۰.۰۴۱	۰.۰۷۰	۲.۰۸۶	۰.۱۳۰	۰.۰۶۲	۰.۲۶۴	فرضیه فرعی ۲-۶. احترام به دیگران بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
تأیید فرضیه	۰.۰۳۱	۰.۰۷۸	۲.۲۱۴	۰.۱۸۷	۰.۰۸۴	۰.۲۷۹	فرضیه فرعی ۲-۷. همدردی با دیگران بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد
تأیید فرضیه	۰.۰۳۲	۰.۰۷۷	۲.۱۹۸	۰.۱۵۲	۰.۰۶۹	۰.۲۷۷	فرضیه فرعی ۲-۸. رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت و معنادار دارد

با توجه به نتایج جدول ۸ می‌توان گفت که هر چقدر بتا و T بزرگتر و سطح معناداری

کوچک‌تر باشد، نشان از آن است که متغیرهای مستقل تأثیر شدید تری بر متغیر وابسته دارند.

در مورد تأثیر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی با توجه به نتایج می‌توان نتیجه

گرفت که مؤلفه عدالت و انصاف بالاترین مقدار بتا را دارد. بنابراین، این مؤلفه بیشترین تأثیر را

بر عملکرد اخلاقی حسابداران دارد و در ادامه مؤلفه‌های صادق بودن، مسئولیت‌پذیری،

همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، احترام به دیگران

به ترتیب بیشترین مقدار بتا و بیشترین تأثیر را بر عملکرد اخلاقی حسابداران دارند.

از بین مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای، دو مؤلفه وفاداری؛ و برتری جویی و رقابت طلبی بر

عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر ندارد؛ چون سطح معناداری آزمون حاصل از تأثیر این دو

♦..... بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران ◇ ۳۳

متغیر بر عملکرد اخلاقی حسابداران بیشتر از ۰.۰۵ به دست آمده و این دو فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار نگرفتند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران بود. نتایج پژوهش نشان داد که هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر مثبت دارد. در مورد تأثیر مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر عملکرد اخلاقی حسابداران نتایج نشان داد که تمامی مؤلفه‌های هوش اخلاقی (درستکاری، دلسوزی، پاسخ‌گویی، و بخشش) بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر دارد که در میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه درستکاری بالاترین مقدار بتا و بیشترین میزان تأثیر را دارد.

نتایج پژوهش همچنین تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران را تأیید کرده است. در مورد تأثیر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران مؤلفه‌های عدالت و انصاف، صادق بودن، مسئولیت‌پذیری، همدردی با دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، احترام به دیگران بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیر داشته است که مؤلفه عدالت و انصاف بالاترین مقدار بتا و بیشترین میزان تأثیر را بر عملکرد اخلاقی حسابداران داشته است.

پژوهش ابراهیم پور (۱۳۹۲)، نشان داد که عملکرد وظیفه‌ای از اخلاق کاری تأثیر می‌پذیرد. نتایج پژوهش مرادی و زکی زاده (۱۳۹۳) نیز نشان داد که گرایش‌های اخلاقی افراد بر تصمیم‌های گزارشگری مالی اخلاقی توسط آنان و جلوگیری از اعمال غیراخلاقی، مؤثر است. در پژوهش حاضر نیز نتایج نشان داد که اخلاقیات می‌تواند بر عملکرد اخلاقی حسابداران تأثیرگذار باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین این پژوهش‌ها همخوانی وجود دارد.

نتایج پژوهش درخشانمهر و همکاران (۱۳۹۷)، نشان‌دهنده تأیید نقش تعدیلگری اخلاق حرفه‌ای بر رابطه بین رهبری اخلاقی و عملکرد حساب‌برسان مستقل می‌باشد. و نتایج نشان داد که اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد حسابداران تأثیر دارد. نتایج پژوهش حاضر نیز تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد اخلاقی حسابداران را تأیید کرده است. در نتیجه بین این دو پژوهش همخوانی وجود دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، مبنی بر تأثیر هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر عملکرد اخلاقی آنان، پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها و شرکت‌ها به تقویت هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای در حسابداران از طریق راهکارهای زیر بپردازد:

واکنش سازمان و شرکت نسبت به رفتارهای غیراخلاقی در حسابداران؛

تقویت رفتارهای رفتارهای اخلاقی حسابداران و پاداش به آنها؛

برگزاری کارگاه‌های تقویت هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای برای حسابداران؛

گسترش ارزش‌های اخلاقی در سازمان و شرکت؛

معرفی حسابداران با هوش اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای بالا؛

اهمیت دادن به اخلاق حرفه‌ای در شغل.

منابع

۱. ابراهیم پور، حبیب. (۱۳۹۲). "تأثیرپذیری عملکرد وظیفه‌ای از اخلاق کاری (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه محقق اردبیلی)،" پژوهش‌های مدیریت عمومی، دوره ۶، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۲، ص ۸۳-۱۰۱.
۲. ابراهیمی، بهنام و نخعی، کریم، (۱۳۹۶)، "نقش اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد حسابداران"، اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین در علوم و تکنولوژی، قرچک.
۳. براتی، سعید؛ لرستانی، علیرضا و سمیعی، امید (۱۳۹۵). "اهمیت اخلاق حرفه‌ای در حسابداری و مطالعات در حوزه اخلاقیات"، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد پویا، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا)، زمان: ۱۳۹۵، دوره ۱.
۴. جباری، حسین و رحمانی، حلیمه. (۱۳۸۹). "سنجش ملاحظات اخلاقی در حسابداری"، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۵، شماره ۴-۳، از ص ۴۷-۵۶.
۵. جهانیان، رمضان، ساعی ارسی، ایرج، طیبیا، مونا، (۱۳۹۲)، "وضعیت هوش اخلاقی و ابعاد و مؤلفه‌های آن در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه خوارزمی)" فصلنامه علوم رفتاری، نشریه پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری، پیاپی ۱۵، (بهار ۹۲).
۶. حسین زاده، امین. (۱۳۹۵). "بررسی مدیریت اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌های آموزشی"، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، مؤسسه مدیران ایده پرداز کارین.

۷. خلیل پور، مهدی؛ یحیی کامیابی؛ سید علی نبوی چاشمی، (۱۳۹۸). "تأثیر رویکردهای اخلاقی حسابداران بر کیفیت اطلاعات حسابداری با نقش تعدیل‌کنندگی اندازه و اهرم مالی شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ص ۹۱ - ۱۱۸.
۸. درخشانمهر، آرش؛ سعید جبارزاده کنگرلوئی؛ جمال بحری ثالث. (۱۳۹۷). "تحلیل رابطه رهبری اخلاقی و عملکرد حسابرسان مستقل با نقش تعدیل‌کننده اخلاق حرفه‌ای"، مجله مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، ص ۱۴۹ - ۱۵۸.
۹. رحیمی، حمید؛ مدنی، سید احمد و محمدیان، آسیه (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه کاشان)"، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال پنجم، شماره اول، ص ۱۰۱ - ۱۲۵.
۱۰. رژه، ناهید، رفعتی، شیوا، احمدی وش، طه محمد، دواتی، علی، (۱۳۹۳)، "هوش اخلاقی دانشجویان پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران"، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۹۳.
۱۱. رویایی، رمضانعلی و بیات، علی. (۱۳۹۰). "آموزش اخلاق در حسابداری: بررسی تأثیر انگیزش اخلاقی بر روی رفتار اخلاقی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، بهار ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۹؛ از ص ۷۴ - ۸۷.
۱۲. شیدائی ماسوله، مریم و شیدائی ماسوله، الهام. (۱۳۹۵). "مقایسه هوش اخلاقی در دو گروه کاربران شبکه‌های مجازی اجتماعی و غیر کاربران"، فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، سال نهم، شماره ۳، پیاپی ۳۰.
۱۳. شیرازیان، بهاره، عبدلهی، زهرا، پور شافعی، هادی (۲۰۱۷)، "اهمیت و ضرورت اخلاق حرفه‌ای در سازمان و نقش مدیران تحقیقات جدید ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی"، کنفرانس تقسیمات بین المللی دانشگاه مرکزی شیراز، ۱۸/ may / 2017.

۱۴. شفیعی پور، سیده فاطمه؛ زارع زیدی، علیرضا و متانی، مهرداد. (۱۳۹۶). "نقش اخلاق حرفه‌ای مدیران در موفقیت سازمان‌ها"، دو ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، سال دوم- شماره پنج.
۱۵. عسگری، زهرا (۱۳۹۶). "تحلیل نظریات رشد اخلاقی"، فصلنامه تحول و تربیت، شماره ۱.
۱۶. کلانتری، مهدی، شفیقی، فاطمه، ذوالفقاری زعفرانی، رشید، (۱۳۹۷)، "تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد شغلی با توجه به نقش میانجی دین داری در کار (مورد مطالعه: معلمان آموزش و پرورش استان همدان)"، پژوهش در نظام‌های آموزشی / ویژه نامه / بهار ۱۳۹۷.
۱۷. موسوی کاشی، زهره و محسنی کبیر، زهره (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر ابعاد سکوت سازمانی بر عملکرد حرفه‌ای و اخلاقی حسابرسان"، حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۴، شماره ۷؛ از ص ۱۳۵ - ۱۸۰.
۱۸. محمدی پور، رحمت اله؛ محمدی، یادگار و قاسمی، فرنگیس. (۱۳۹۴). "بررسی اخلاق در حسابداری و عوامل تأثیرگذار بر آن"، کنفرانس بین المللی مدیریت و مهندسی صنایع، مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا، زمان: ۱۳۹۴، دوره ۲.
۱۹. مرادی، جواد و زکی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳). "بررسی نقش مدیریت اخلاقی، عملکرد حسابرسی داخلی و گرایش‌های اخلاقی بر عملکرد حسابداری و گزارشگری مالی"، دانش حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۴۱-۱۶۳.
۲۰. وجدانی، فاطمه و حیدری، سمیرا (۱۳۹۸). "بررسی ظرفیت تأثیرگذاری بازی‌های رایانه‌ای خشن بر عملکرد اخلاقی کاربران"، براساس مدل رست - ناروائز، راهبرد فرهنگ، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ص ۱۳۳-۱۶۴.
۲۱. خوشبخت، اسماعیل و تائبی نقندری، امیرحسین و حدیث، زینلهدف، ۱۴۰۱، دینداری، اخلاق حرفه‌ای حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی دوره ۱۴ / شماره ۱ (پیاپی ۵۳) / بهار ۱۴۰۱، ص ۲۲۳ - ۲۵۳.

۲۲. جلالی کاسب، رضا، علی معاویه، حیدر خالق، اخلاق حرفه‌ای در حسابرسی، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری « زمستان ۱۴۰۰، دوره جدید - شماره ۵۳، ص ۲۸۳ - ۲۹۳.

23. Cadozier, V, The moral profession: A study of moral development and professional ethics, Retrieved from proquest.com, 2002.
24. Lennick, D., & Kiel, F.K., (2005). Moral intelligence. Pearson Education, Inc. Prentice Hall. ISBN 0-13-149050-8. P. 1-7.
25. Yusoff, Z. Z.M.; Salleh, W.A. ; Zakaria, Z. (2011). The Influence of Personal and Organizational Factors on Ethical Decision Making Intentions among Managers, International Journal of Business and Management, Vol. 6, No. 9, P.260-270.
26. raka, Azubike Onuora, Department of Accountancy, Nnamdi Azikiwe University, P. M.B. 5025. Awka, The Impact of Professional Accounting Ethics in Quality Assurance in Audit, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences , August 2015, Vol. 5, No. 8
27. Ramzi ,Benkraiem, uyar ,ali 2021, journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, ,10380

بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر استراتژی کسب و کار

□□□

میلاذ اسدی^۱؛ جعفر نه‌ری اقدام^۲؛ اسمعیل شکیب شیران^۳

چکیده

«قابلیت مقایسه صورت‌های مالی»، یکی از ویژگی‌های کیفی ارائه‌گزارشگری مالی است که موجب افزایش کیفیت افشا می‌شود و می‌تواند بر ضریب واکنش سودهای آتی تأثیرگذار باشد. بر اساس چارچوب مفهومی مشترک هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی؛ قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی ارتقادهنده کیفیت به شمار می‌رود. این تحقیق به دنبال، بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر استراتژی کسب و کار شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور، از اطلاعات ۱۳۳ شرکت موردپذیرش در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ مورد بررسی قرارگرفته شده است. همچنین بررسی هر یک از فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره و از داده‌های پانلی استفاده

۱. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

۲. گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

۳. گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

گردید. نتایج آزمون فرضیه تحقیق، گویای این است که استراتژی تهاجمی بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مستقیم دارد؛ لیکن استراتژی تدافعی بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معکوس دارد.

واژگان کلیدی: جبهه گیری مدیریتی، قابلیت مقایسه صورت های مالی، استراتژی کسب و کار.

۱. مقدمه

«قابلیت مقایسه»، یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌کند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی کنند و ارزیابی منطقی‌تری از فرصت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری یا اعطای وام به‌عمل آورند. اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تا آن‌جاست که در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی گزارش‌شده، ذکر شده است و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران نیز بیان شده است که اگر اطلاعات مربوط و قابل اتکا باشد، مفیدبودن آن در صورت مقایسه و فهم‌پذیر نبودن دچار محدودیت خواهد بود. با توجه به موضوع تحقیق و بیان مختصری از آن، در ادامه به کسب و تشریح عناوینی همچون بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق و همچنین سؤالات تحقیق که در موضوع تحقیق تدوین گردیده شده‌اند پرداخته خواهد شد، سپس بایان اهداف علمی و کاربردی تحقیق، به تبیین فرضیه‌های تحقیق قدم گذاشته و به تعریف متغیرهای تحقیق پرداخته خواهد شد.

۲. بیان مسئله

هیئت استانداردهای بین‌المللی مالی بیان می‌کند که قابلیت مقایسه در گزارشگری مالی دلیل اصلی برای ایجاد استانداردهای حسابداری است و بر قابلیت مقایسه به‌صورت محوری در متون حسابداری و به‌طور مشخص متون تحلیل صورت‌های مالی تأکید شده است. تقدم قابلیت مقایسه به عنوان یک ویژگی کیفی حسابداری اهمیت آن در ادراک عواملی روشن می‌کند که موجب افزایش این ویژگی می‌شود. بنابراین اگر سیستم حسابداری یک شرکت و

نتایج آن، قابلیت مقایسه بالایی داشته باشد. مکانیسمی برای کاهش انگیزه مدیران برای رفتار فرصت طلبانه و جانب دارانه خواهد بود (چئن و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

همچنین اساس دیدگاه بروز رفتارهای جبهه گیرانه از جانب مدیران که برخلاف دیدگاه اطلاع رسانی، نسبت به شرکت ها این است که مدیران رویکردی بدبینانه را در پیش گرفته و مدیران از فرصت ها و انعطاف پذیری که حسابداری و گزارشگری مالی در اختیار آنان قرار می دهد؛ سوء استفاده و جانب دارانه کرده، بر اساس این اختیارات و با به کارگیری اختیارات خود سعی در پنهان کردن حقایق از دید سهامداران و سرمایه گذاران می کنند. بر اساس این دیدگاه هدف مدیران شرکت ها از این کار بیشتر کردن رفاه و ثروت خویش به هزینه سرمایه گذاران و سهامداران است. دیدگاه رفتارهای جبهه گیرانه مدیران دارای محتوای فراوانی است با تئوری نمایندگی و فرضیه پاداش که در مجموعه تئوری های اثباتی طرح گردیده است (کلونین و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

تحقیقات تجربی در چارچوب ادبیات مالی رفتاری نیز نشان می دهد که عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیری های رفتاری نقش محوری در فرایند تصمیم گیری مدیران دارند؛ از جمله این سوگیری ها می تواند کیفیت گزارشگری به ویژه قابلیت مقایسه صورت های مالی را تحت تأثیر قرار دهد، جبهه گیری مدیران می باشد. از آن جا که مدیریت واحد تجاری مسئول تهیه و ارائه صورت های مالی می باشد، می تواند در گزارشگری مالی (انتخاب رویه های حسابداری) اعمال نظر کند. علاوه بر این، در مبنای تعهدی حسابداری، لزوم شناسایی درآمد و هزینه ها همراه با دریافت و پرداخت وجه نبوده و در محاسبه سود نیز از پیش بینی ها و استفاده می شود (لیببی و همکاران^۳، ۲۰۱۲).

1.Chen, C

2.Cullinan, C

3.Libby, R

در دهه‌های اخیر، با جدا شدن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی، مدیران به‌عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. باگذشت زمان این رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را به وجود آورده که به آن تضاد نمایندگی گفته می‌شود؛ یعنی این امکان بالقوه به وجود می‌آید که مدیران تصمیماتی را اتخاذ کنند که در جهت منافع خودشان و عکس منافع سهامداران باشد. از جمله عوامل شکل‌دهی تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران انگیزه‌های شخصی مدیران می‌باشد (ایلیاسیانی و زانگ^۱، ۲۰۱۶).

با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خود می‌باشند. از آن‌جا که تابع مطلوبیت مدیران با مالکان یکسان نیست؛ بین آن‌ها تضاد منافع به وجود آمده، که با شکل‌گیری رابطه نمایندگی و به‌واسطه وجود تضاد منافع، هزینه نمایندگی ایجاد می‌شود. باید توجه داشت که افراد در جامعه به‌طور ذاتی درصدد افزایش منافع شخصی خود بوده و مدیران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و علاقه‌مندند در جهت حداکثرکردن منافع شخصی، رفاه اجتماعی و تثبیت موقعیت شغلی خود، تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهامداران و سایر افراد ذینفع ارائه کنند. مشکل این‌جاست که در برخی موارد الزاماً افزایش ثروت مدیران در جهت افزایش منافع سایر ذینفعان، از جمله سهامداران نیست. در حقیقت این امر، گویای عدم همسویی میان منافع مدیران و سایر گروه‌های ذینفع در واحد تجاری بوده و موجب تغییر رفتار مدیران و جبهه‌گیری‌های مدیریتی می‌شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

مدیران با رفتارهای نامتعارف و سوگیرانه می‌توانند با برآوردی بیش از واقع از توانایی خود در تأثیرگذاری بر سود شرکت و دست‌کم گرفتن اتفاقات غیر مترقبه مانند نوسانات در چرخه کسب‌وکار، به احتمال فراوان، پیش‌بینی سود بیش از حد خوش‌بینانه منتشر کنند که غالباً به عدم

تحقق سود پیش بینی شده این مدیران منجر می شود. در نتیجه آنان سعی می کنند با استفاده از اقلام تعهدی سود گزارش شده را بیش از واقع نشان دهند. همچنین مدیریت کوتاه بین، با گرایش به اهداف کوتاه مدت و حرکت برای برآورده کردن آنان، با تغییر در روش های عملیاتی به طور مستقیم، فرایند تجاری و سود اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد که اگر سرمایه گذاران از تورم سود آگاه باشند؛ احتمالاً اطلاعات سود را بی ارزش خواهند دانست بنابراین سوگیری های رفتاری می تواند به کاهش کیفیت گزارشگری مالی مخصوصاً ویژگی قابلیت مقایسه صورت های مالی منجر شود (لیبی و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

حال در این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال می باشیم که بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه رابطه معناداری وجود دارد؟ انتظار است که نتایج و یافته های تحقیق بتواند برای پاسخ به چالش اصلی تحقیق که ذکر شد، قدم برداشته و موجب شفاف سازی موضوع گردد.

۳. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

علت تمرکز این تحقیق بر ویژگی قابلیت مقایسه تأکید بسیاری از تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری بر اهمیت این ویژگی در تعیین کیفیت صورت های مالی است. در حقیقت، تحلیل های صورت گرفته بر صورت های مالی همگی بر اهمیت مقایسه نسبت های صورت های مالی شرکت ها با یکدیگر در ارزیابی عملکرد آن شرکت ها تأکید دارند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که استفاده کنندگان گزارش های مالی باید بتوانند گزارش های مالی یک واحد گزارشگر را طی زمان و واحدهای گزارشگر مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند. بدین ترتیب ضرورت دارد آثار معاملات و سایر رویدادهای مشابه در داخل واحد گزارشگر و در طول زمان برای آن واحد گزارشگر با ثبات رویه، اندازه گیری و ارائه شود و بین واحدهای گزارشگر

1. Libby, R

♦..... بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ◇ ۴۵

مختلف نیز هماهنگی رویه در اندازه‌گیری و ارائه موضوعات مشابه رعایت گردد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، در جهت بیان اهمیت و ضرورت تحقیق در مورد مبحث جبهه‌گیری مدیران باید اشاره کرد که این جبهه‌گیری به تمام رفتارهایی که موجب حفظ شغل، افزایش آزادی تصمیم‌گیری و حفظ سود مشخصی است؛ مربوط می‌شود که نقش بسزایی در تصمیمات و اهداف شرکت ایفا می‌کند. مدیران برای تثبیت موقعیت خود از اختیارات خویش برای دستیابی به اهداف شخصی خود استفاده می‌کنند و به ارزش شرکت توجهی نمی‌کنند. آن‌ها موقعیت خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های خاص که ریسک کمی دارد، تثبیت می‌کنند و این‌گونه نشان می‌دهند که نقش با ارزشی برای منافع سهامداران دارند (لیبی و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

حالا با بیان مطالب مذکور و اهمیت نقش مدیران و رفتارهای مختص مدیران، نظیر جبهه‌گیری که نقش اساسی در تهیه صورت‌های مالی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ایفا می‌کند، نیاز به تحقیقی که بتواند بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را نمایان کند، ضروری به نظر رسیده و دارای اهمیت می‌باشد.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۹)، نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق، با استفاده از داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های رگرسیون چندگانه صورت گرفته است. افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به طور چشمگیری نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، کیفیت گزارشگری مالی (با دو شاخص اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت

1. Libby, R

افشا) میانجی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد نیست. نتایج به سنجه‌های جایگزین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد حساس نیستند و این نتایج با مقیاس‌های جایگزین نیز تأیید می‌شوند. افزون بر این، نتایج آزمون‌های اضافه نشان داد که اعتبار تجاری در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد، نقش میانجی ایفا نمی‌کند.

عبدالهی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به نقش‌های تعدیلی قابلیت اتکا و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. در این تحقیق نمونه‌گیری به روش حذفی صورت گرفت و تعداد ۵۸ شرکت از صنایع مختلف بازار بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ انتخاب شدند، در ادامه، پس از مطلوب بودن پیش‌آزمون‌های آماری (ضریب همبستگی، ثابت بودن واریانس جمله خطا، عدم خودهمبستگی جمله خطا، عدم هم خطی بین جملات توضیحی و نرمال بودن جمله خطا) و مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای تشخیص نوع رگرسیون استفاده شد. نتایج رگرسیون پانل با استفاده از اثرات تصادفی نشان داد: ۱. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر نگهداشت وجه نقد تأثیر معناداری دارد؛ ۲. قابلیت اتکا، رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد را تعدیل می‌کند؛ ۳. عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد را تعدیل نمی‌کند.

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر نگهداشت وجه نقد» انجام دادند. در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها، تعداد ۸۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ به روش غربالگری انتخاب‌شده و فرضیه‌ها، با استفاده از تحلیل رگرسیون داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفتند. البته از داده‌های سال‌های ۸۹ تا ۹۱ نیز برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی استفاده شده است. نتایج آزمون معناداری ضرایب بر اساس معادله‌های رگرسیون برازش شده، به‌طور خلاصه حاکی از عدم ارتباط معنادار بین قابلیت مقایسه

♦ بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ◇ ۴۷

صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد می‌باشد. از طرفی نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد سهامداران نهادی اثرات منفی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، نقش تعدیل‌گر سهامداران نهادی تأیید می‌گردد.

کیئوفینگ^۱ (۲۰۲۰)، در تحقیق به بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های چینی پرداخت. برای این منظور ۱۴۶ شرکت اطلاعات لازم را برای تجزیه و تحلیل دارا بودند. دوره زمانی این تحقیق سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ می‌باشد. مدل آماری به کار گرفته شده، مدل رگرسیون چند متغیره بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. وی به این نتیجه رسید که جبهه‌گیری مدیریتی تأثیر منفی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد.

چن و ژونگ^۲ (۲۰۱۹)، در تحقیقی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و قیمت‌گذاری اقلام تعهدی پرداختند. نمونه آماری تحقیق آنان شرکت‌های چینی با مشاهداتی بالغ بر ۲۳۱۵۸ در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ میلادی می‌باشد که برای این منظور با استفاده از داده‌های پانلی و تکنیک‌های تحلیلی نرم‌افزار اوپوز به این نتیجه رسیدند که هر چه میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر باشد، به مراتب کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و از طرفی قیمت‌گذاری اقلام تعهدی به واقع‌تر خواهد بود. جوزف^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر خدمات حسابرسی در شرکت‌های آمریکایی پرداخت. وی برای این منظور با بررسی ۲۱۱۵۲ سال شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ با استفاده از رگرسیون چند متغیر و روش حداقل مربعات تعمیم یافته به این نتیجه رسید که بین قابلیت مقایسه و حق الزحمه حسابرس رابطه مستقیم

1. Qifeng Wu

2. Chen a & Gong J

3. Joseph

وجود دارد و همچنین قابلیت مقایسه صورت های مالی نیز با اظهار نظر حسابرس رابطه مستقیم دارد.

دی منو و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر جبهه گیری مدیران بر مدیریت سود در شرکت های اسپانیایی پرداختند. نمونه نهایی تحقیق که مربوط به سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۱ را پوشش می دهد، شامل ۷۳۴۹ سال شرکت، مربوط به ۹۵۸ شرکت می باشد که آنان با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره به این نتیجه رسیدند که جبهه گیری مدیران بر مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی تأثیر مستقیم دارد و همچنین جبهه گیری مدیران بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و واقعی با ارزش شرکت اثر منفی داشته و شدت رابطه را کاهش می دهد.

۴. فرضیه های تحقیق

با در نظر گرفتن چارچوب علمی به دست آمده می توان برای این تحقیق فرضیه اصلی زیر را مطرح کرد:

فرضیه اصلی

۱. استراتژی تهاجمی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.
۲. استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

۵. روش اجرای تحقیق

این تحقیق، از بعد «رویکرد انجام تحقیق» از نوع خردگرایانه، از بعد «هدف» از نوع تحقیقات کاربردی، از بعد «ماهیت تحقیق» از نوع تحقیقات مروری، از نوع «ماهیت داده ها» از نوع تحقیقات کمی، از لحاظ «روش شناخت تحقیق» از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی، از بعد «نوع استدلال» از نوع قیاسی و استقرایی، از بعد «زمان» جزو تحقیقات گذشته نگر، از بعد «طول مدت زمان انجام تحقیق» از نوع تحقیقات ترکیبی و از لحاظ «روش جمع آوری اطلاعات» از نوع تحقیقات کتابخانه ای و میدانی (اسناد کاوی) و همچنین از بعد «روش تحلیل داده ها» از نوع تحقیقات تحلیل محتوا مبتنی بر روش های آماری می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ می باشند. نمونه آماری تحقیق مذکور، با استفاده از نمونه گیری غربالگری طبقه بندی خواهد شد. بدین منظور آن دسته از شرکت های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند، به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می شوند: با توجه به شرایط (نظیر قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشند؛ سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفندماه هر سال باشد. شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند. شرکت های تحت بررسی جزء شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه گری مالی نباشند. اطلاعات و داده های آن ها در دسترس باشد.) نمونه نهایی شامل ۱۳۳ شرکت انتخاب شد. روش های مربوط به گردآوری اطلاعات در این تحقیق شامل مبانی نظری بر اساس تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی و جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات واقعی مربوط به متغیرهای مورد نظر از طریق گزارش های سازمان بورس اوراق بهادار، سایت های معتبر در این زمینه، مشاهده اسناد و مدارک و همچنین با مراجعه به منابع کتابخانه ای شامل کتاب ها، ماهنامه ها، انتشارات مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، مقالات است. مطالب و اطلاعات در ابتدا با استفاده از جستجوی کتابخانه ای و

اینترنت جمع آوری می شوند. در مرحله بعد، داده های مربوط به جامعه آماری با استفاده از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به صورت میدانی جمع آوری می گردد. تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام می شود. در بخش آمار توصیفی از شاخص های مرکزی میانگین و میانه و شاخص پراکندگی انحراف معیار استفاده خواهد شد. و در بخش آمار استنباطی از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی استفاده می شود. انگیزه اصلی در ترکیب داده های مقطعی و سری زمانی، فراهم کردن استنباط و پیش بینی کارا تر می باشد. برای تحلیل داده های ترکیبی دو روش وجود دارد: بدین گونه که یا می بایست داده های شرکت های مختلف طی فصول مختلف همگن در نظر گرفته شوند که در این حالت داده ها باهم تلفیق می شوند؛ یا این که داده ها به صورت تابلویی مورد استفاده قرار گیرند. برای تعیین نوع روش به کارگیری داده های ترکیبی، از آزمون F لیمر استفاده می شود. اگر نتیجه آزمون F لیمر نشان دهد که ضرایب اثر مقطعی و اثر زمانی معنادار نیست؛ می توان تمام داده ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون کلاسیک، پارامترها را تخمین زد. در غیر این صورت، داده ها را باید به صورت تابلویی در نظر گرفت. برای تعیین نوع مدل داده های ترکیبی (مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده می شود. بدین صورت که اگر بین جزء خطا و متغیر مستقل همبستگی وجود نداشته باشد، مدل اثرات تصادفی مناسب است. در صورتی که بین آن دو همبستگی وجود داشته باشد، مدل اثرات ثابت مناسب به نظر می رسد. برای تعیین معنادار بودن مدل رگرسیون و پارامترهای حاصل از تخمین مدل رگرسیون، به ترتیب از آماره های F و t استفاده می شود. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها و استخراج نتایج تحقیق، از نرم افزارهای Excel و Eviews.9 استفاده می گردد.

۷. متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل

جبهه‌گیری مستقل: برای اندازه‌گیری جبهه‌گیری مدیریتی طبق تحقیقات دی منو و همکاران^۱ (2017) از سه شاخص دوره تصدی، مالکیت مدیریتی و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد به شرح زیر استفاده خواهد شد:

دوره تصدی مدیریت: از تعداد سال‌های مدیریت یک مدیر در شرکت مربوط حاصل می‌گردد. در این تحقیق اگر مدیریت بیش از سه سال متوالی در طول دروه زمانی تحقیق مدیریت شرکت را عهده‌دار باشد، عدد متغیر ۱ بوده و در غیر این صورت، عدد مربوط صفر خواهد بود.

مالکیت مدیریتی: بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط مدیریت و اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد. در این تحقیق اگر ۵۰٪ به بالای سهام شرکت در تملک مدیران و اعضای هیئت‌مدیره باشد، عدد متغیر مزبور یک و در غیر این صورت، عدد مربوط صفر لحاظ می‌گردد.

سرمایه‌گذاری بیشتر از حد: برای اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری بیشتر از حد استفاده از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$INVESTMENT_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 NEG_{i,t-1} + \alpha_2 REVGRW_{i,t-1} + \alpha_3 NEG_{i,t-1} \times REVGRW_{i,t-1} +$$

$$\varepsilon_{i,t}$$

در این مدل $INVESTMENT_{i,t}$: (سرمایه‌گذاری کل): نسبت افزایش خالص در دارایی مشهود و نامشهود بر دارایی‌های کل $NEG_{i,t-1}$: (رشد منفی فروش): اگر رشد فروش شرکت در سال $t-1$ - منفی باشد؛ برابر ۱ و در غیر این صورت صفر می‌باشد، $REVGRW_{i,t-1}$: (رشد فروش): درصد فروش شرکت از سال $t-2$ - به سال $t-1$ -.

بر اساس این رویکرد، سرمایه‌گذاری کل تابعی از رشد منفی فروش و فرصت‌های رشد است. از طریق جایگذاری رقم محاسبه‌شده بابت سرمایه‌گذاری کل در مدل پسماندهای این مدل محاسبه می‌شود. باقی‌مانده مثبت مدل نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری بیشتر از حد می‌باشد که در این صورت، متغیر سرمایه‌گذاری بیش از حد مدیران عدد یک خواهد گرفت و در غیر این صورت (باقی‌مانده صفر و منفی) عدد صفر اختیار خواهد کرد.

شایان ذکر است که در این تحقیق، متغیر جبهه‌گیری مدیریتی یک متغیر مجازی می‌باشد؛ بدین صورت که اگر شرکتی در سال مورد بررسی دارای حداقل دو معیار از سه معیار مذکور باشد، شرکت دارای رفتارهای جبهه‌گیرانه مدیریتی بوده و متغیر جبهه‌گیری مدیریتی عدد ۱ محسوب می‌شود و در غیر این صورت، عدد متغیر مربوط صفر خواهد بود.

متغیر وابسته

متغیر مستقل تحقیق قابلیت مقایسه است که برای اندازه‌گیری آن در تحقیق حاضر، برای هر مشاهده سال - شرکت، از معیار ارائه شده از سوی دی فرانکو و همکاران^۱ (۲۰۱۱) استفاده شده است. قابل ذکر است که از این معیار در تحقیقات؛ سون (۲۰۱۶)، وانگ^۲ (۲۰۱۴) و مهرورز و مرفوع^۳ (۱۳۹۵) استفاده شده است. شیوه اندازه‌گیری به صورت زیر می‌باشد: ابتدا برای هر مشاهده سال - شرکت، مدل زیر با استفاده از داده‌های ۱۲ فصل اخیر برآورد می‌شود:

$$\text{Earnings}_{it} = \alpha_i + \beta_i \text{Return}_{it} + \varepsilon_{it}$$

Earnings: سود خالص فصلی تعدیل‌شده با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره؛

Return: بازده سهام فصلی

ضرایب برآورد شده α_i و β_i تابع حسابداری شرکت i را نشان می‌دهد. نزدیک بودن توابع حسابداری بین دو شرکت، قابلیت مقایسه بین این دو شرکت را نشان می‌دهد. حال برای اندازه‌گیری

1. De Franco, G

2. Wang, C

♦ بررسی رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی ◇ ۵۳

فاصله بین توابع حسابداری برآوردی شرکت های i و j (برای هر ترکیب ممکن شرکت های i و j در صنعت مربوط) سود پیش بینی شده دو شرکت با استفاده از مدل های زیر برآورد می شوند:

$$E(\text{Earnings})_{iit} = \alpha_i + \beta_i \text{Return}_{it}$$

$$E(\text{Earnings})_{ijt} = \alpha_j + \beta_j \text{Return}_{jt}$$

$Earnings_{iit}$: سود پیش بینی شده شرکت با توجه به تابع شرکت i و بازده شرکت i ؛

$Earnings_{ijt}$: سود پیش بینی شده شرکت با توجه به تابع شرکت j و بازده شرکت j ؛

سپس قابلیت مقایسه صورت های مالی بین دو شرکت i و j با استفاده از مدل زیر محاسبه می شود:

$$E(\text{Earnings}_{iit}) - E(\text{Earnings}_{ijt}) \parallel \text{CompAcct}_{ijt} = -\frac{1}{12} * \sum_{t=11}$$

CompAcct_{ijt} : قابلیت مقایسه صورت های مالی بین دو شرکت i و j می باشد و مقدار بیشتر

آن نشان دهنده قابلیت مقایسه بیشتر می باشد.

متغیر تعدیلی

استراتژی کسب و کار به عنوان متغیر تعدیلی به عنوان عامل تعیین کننده اهداف بلندمدت و کوتاه مدت سازمان برای پذیرش منابع لازم برای دستیابی به اهداف سازمانی و همچنین به برنامه ها، الگوها، موقعیت ها و رویکردهای شرکت اشاره دارد. برای طبقه بندی استراتژی های کسب و کار هر شرکت از رتبه ترکیبی استفاده می شود که با استفاده از نسبت تحقیق و توسعه به فروش، نسبت هزینه تحقیق و توسعه در تعداد کارمندان، نسبت کارکنان به فروش و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری به دست می آید و با محاسبه میانگین آن ها طیفی از اعداد به دست می آید که شرکت ها را به دو دسته تهاجمی و تدافعی تقسیم می شوند (مداح و شاهی، ۱۳۹۰). در این تحقیق مطابق با تحقیقات؛ ژانگ^۱ (۲۰۱۶)، نورول هوک^۲ (۲۰۱۳)، تنانی و محب خواه (۱۳۹۳) و مداح و شاهی (۱۳۹۰) از روش امتیازدهی (ترکیبی) برای سنجش نوع استراتژی

1. R. Zhang

۲. Nurul Houqe

کسب و کار شرکت ها استفاده می شود، بدین صورت که برای به دست آوردن امتیازات ترکیبی از پنج نسبت نرخ رشد فروش، هزینه تبلیغات به کل فروش، تعداد کارمندان به فروش، ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری آن و نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها استفاده می شود. سیستم امتیازدهی بدین صورت است که ابتدا شرکت ها را بر اساس چهار نسبت اول به ترتیب از بالا به پایین در پنج گروه تقسیم می کنیم. بدین نحو که شرکتی که در بالاترین پنجگ قرار دارد، امتیاز 5 و شرکتی که در پایین ترین پنجگ قرار می گیرد، امتیاز 1 را کسب می کند و بقیه شرکت ها متناسب با پنجگ مربوط امتیازدهی می شوند. سپس شرکت ها را بر اساس نسبت آخر به پنج گروه تقسیم می کنیم. این بار شرکتی که در بالاترین پنجگ قرار می گیرد، امتیاز 1 و شرکتی که در پایین ترین پنجگ قرار دارد امتیاز 5 را کسب می کند و بقیه شرکت ها متناسب با پنجگ مربوط امتیازدهی می شوند. در مرحله آخر، امتیازات به دست آمده از دو مرحله مذکور را با یکدیگر جمع می کنیم تا امتیاز نهایی هر شرکت به دست آید. دامنه امتیازات ترکیب (مجموع پنج نسبت مذکور) هر شرکت طی یک سال بین 5 تا 25 خواهد شد. شرکت هایی که مجموع امتیازشان در بازه 5 تا 15 باشد، به عنوان شرکت های تدافعی و شرکت هایی که مجموع امتیازشان در بازه 15 تا 25 باشد به عنوان شرکت های تهاجمی تعیین می گردند.

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی (LEV): نسبت بدهی ها به دارایی ها شرکت؛
اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی جمع دارایی های شرکت؛
بازده دارایی (RoA): برای سودآوری شرکت مورد استفاده قرار می گیرد. سودآوری از تقسیم سود قبل از کسر مالیات بر کل دارایی به دست می آید؛
گزارش حسابرس (audit): گزارش های حسابرسی به چهار شکل مقبول، مشروط، مردود و عدم نظر اظهار نظر تقسیم می شود. در این تحقیق اگر گزارش حسابرس درباره های صورت مالی

♦..... بررسی رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی ◇ ۵۵

شرکت از نوع مقبول باشد عدد «یک» به آن نسبت داده و در غیر این صورت، «صفر» برای آن در نظر می گیریم.

۸. تجزیه تحلیل داده های تحقیق

۸-۱. آمار توصیفی

در جدول ۱ آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. هدف از گردآوری و بیان آمار توصیفی طبقه بندی و پردازش داده ها برای درک بیشتر و همچنین بیانی آماری از اعداد و ارقام متغیرها می باشد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	میانه	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	کشیدگی	چولگی
قابلیت مقایسه صورت های مالی	۱۱۹۷	۰.۰۱- ۰.۰۰۰۸	۰	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰۱- ۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۰۳۸- ۰.۰۰۰۰	۵۹.۰۸ ۰.۰۰۰۰	۷.۰۰۰۷- ۰.۰۰۰۰
ریسک سرمایه گذاری بیش از حد (جبهه گیری مدیریتی)	۱۱۹۷	۰.۰۱۹ ۰.۰۰۰۱	۰	۱.۱۴	۹.۰۶۷	۵.۰۶۸- ۰.۰۰۰۰	۳۳.۰۸ ۰.۰۰۰۰	۴.۰۱۲ ۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	۱۱۹۷	۰.۰۵۸ ۰.۰۰۵۶	۰	۰.۰۲۲	۰.۰۸۹	۰.۰۲۱ ۰.۰۰۰۰	۶.۳۷ ۰.۰۰۰۰	۰.۰۵۶ ۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	۱۱۹۷	۶.۲۸ ۰.۰۲۲	۶	۰.۰۶۶	۹.۱۸	۴.۰۳۷ ۰.۰۰۰۰	۳.۴۷ ۰.۰۰۰۰	۰.۰۴۶ ۰.۰۰۰۰
بازده دارایی	۱۱۹۷	۰.۰۵۸ ۰.۰۰۵۷	۰	۰.۰۲۳	۲.۰۴۳	۰.۰۰۱ ۰.۰۰۰۰	۹.۸۳ ۰.۰۰۰۰	۱.۰۱۸ ۰.۰۰۰۰

جدول آمار توصیفی متغیرهای کیفی تحقیق

متغیر	ارزش	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
دوره تصدی مدیران (جبهه گیری مدیریتی)	۰	۲۱۳	۱۸	۱۸
	۱	۹۸۴	۸۲	۱۰۰
	جمع	۱۱۹۷	۱۰۰	-
مالکیت مدیریتی (جبهه گیری دیریتی)	۰	۸۱۵	۶۸	۶۸
	۱	۳۸۲	۳۲	۱۰۰
	جمع	۱۱۹۷	۱۰۰	-
گزارش حسابرس	۰	۱۱۴۰	۹۵	۹۵
	۱	۵۷	۵	۱۰۰
	جمع	۱۱۹۷	۱۰۰	-

۸-۳-۲. آزمون همسانی واریانس

نتایج آزمون F لیمر

اولین آزمون تشخیصی در داده های مقطع عرضی، سری زمانی، آزمون F- لیمر است. در روش پانل دیتا برای اینکه تعیین کنیم تخمین مدل از روش داده های تلفیقی (pool) یا داده های تابلویی (panel) صورت بگیرد، از آزمون F- لیمر استفاده شده است. تفاوت روش رگرسیون pool و panel در این است که pool برای همه شرکت ها دارای یک عرض از مبدا است؛ اما در روش panel به ازای هر مقطع که در این جا شرکت است می تواند یک عرض از مبدا به ما بدهد.

جدول ۵. مفروضات کلاسیک رگرسیون

معادله مربوط به	F لیمر محاسباتی	P_value
فرضیه ۱	۱.۶۷	۰.۰۰۰
فرضیه ۲	۱.۶۹	۰.۰۰۰

♦..... بررسی رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی ◇ ۵۷

از آنجایی که سطح معناداری برای فرضیه تحقیق که در این جدول با P_value نمایش داده می شود، از ۰.۰۵ کمتر شده است و در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل آن تایید می شود؛ یعنی فرضیه امکان وجود داده های تلفیقی به نفع داده های تابلویی رد می شود.

نتایج آزمون هاسمن

بعد از مشخص شدن نوع مدل داده ها، باید مشخص شود که از کدام روش اثرات ثابت و یا روش اثرات تصادفی برای تخمین استفاده شود. بنابراین، برای تشخیص این موضوع از آزمون هاسمن استفاده می شود.

جدول ۶. نتایج آزمون هاسمن

معادله مربوط به	مقدار آماره کای دو	P_value
فرضیه ۱	۲.۵۳	۰.۰۰۴
فرضیه ۲	۳.۹۳	۰.۰۰۵

از آنجایی که سطح معناداری در این جدول که با P_value نمایش داده می شود، در فرضیه، از ۰.۰۵ کمتر شده است، در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل آن تایید می شود. روش مناسب برآورد مدل، اثرات ثابت می باشد.

۴-۸. برآورد روش مدل تحقیق

مدل فرضیه ۱

$$\alpha + \beta_1 MM_{it} + \beta_2 Offensive\ strategy_{it} + \beta_3 (MM_{it} * Comparability_{it} + Offensive\ strategy_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 audit_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه ۲

$$\alpha + \beta_1 MM_{it} + \beta_2 Defensive\ Strategy_{it} + \beta_3 (MM_{it} * Comparability_{it} + Defensive\ Strategy_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 audit_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \varepsilon_{it}$$

MM_{it} : جبهه گیری مدیریت (متغیر مستقل)؛

Comparability: قابلیت مقایسه صورت های مالی (متغیر وابسته)؛

Offensive strategy: استراتژی تهاجمی (متغیر تعدیلی)؛

Defensive Strategy: استراتژی تدافعی (متغیر تعدیلی)؛

LEV_{it} : اهرم مالی (متغیر کنترلی)؛

$Size_{it}$: اندازه شرکت (متغیر کنترلی)؛

$audit_{it}$: گزارش حسابرسی (متغیر کنترلی)؛

Roa_{it} : بازده دارایی (متغیر کنترلی)؛

α : مقدار ثابت؛

$\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$: ضرایب متغیرها؛

ε : جزئی خطای مدل رگرسیونی (باقی مانده مدل).

مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر می باشد:

۵-۸. بررسی فرضیه تحقیق

استراتژی تهاجمی کسب و کار، بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

برای استراتژی تهاجمی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد، فرض H_0 و H_1 به صورت زیر تدوین شده است:

H_0 = استراتژی تهاجمی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی تأثیر معناداری ندارد.

H_1 = استراتژی تهاجمی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی تأثیر معناداری دارد.

♦ بررسی رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی ◇ ۵۹

نتایج برازش مدل در جدول ۸ ارائه شده است.

$$\alpha + \beta_1 MM_{it} + \beta_2 Offensive\ strategy_{it} + \beta_3 (MM_{it} * Comparability_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 audit_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۸. نتایج برازش مدل با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی						
رابطه	سطح معناداری	ضریب تورم واریانس	خطای استاندارد	آماره t	ضریب	متغیر های مستقل
معنادار	۰.۰۰۰	۱.۰۱	۰.۰۴	۶.۵ ۹	-۰.۳۱	جبهه‌گیری مدیریتی
معنادار	۰.۰۲۱	۱.۱۵	۰.۰۹	۱.۹۵	۰.۱۸	استراتژی تهاجمی
معنادار	۰.۰۰۸	۱.۶۲	۰.۰۴	۲.۰ ۸	۰.۰۱۲	(جبهه‌گیری * تهاجمی)
بی معنا	۰.۱۹۰	۱.۵۷	۰.۱۰	۱.۳۱ -	-۰.۱۳	اهرم مالی
معنادار	۰.۰۰۰	۱.۱۵	۰.۰۵	۳.۸ ۲	۰.۱۹	اندازه شرکت
معنادار	۰.۰۰۰	۱.۱۰	۰.۰۷	۴.۹ -۳	-۰.۳۵	بازده دارایی
معنادار	۰.۰۲۰	۱.۰۶	۰.۰۳	۲.۳ ۲	۰.۰۷	گزارش حسابرس
۰.۳۷	ضریب تعیین					
۰.۳۵	ضریب تعیین تعدیل شده مدل					
۱۱۷۷۴.۷	F			آماره Breusch Pagan		
۰.۰۰۰	سطح معناداری					
۱.۹۴	آماره Durbin-Watson					
۳۷۲.۶	آماره F جدول					
۰.۰۰۰	سطح معناداری					

یکی از مفروضات رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقی مانده ها است. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس ها از آزمون بریوش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک تر از ۰.۰۵ می باشد (۰.۰۰۰) فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این مطالعه برای رفع مشکل در برآورد مدل از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. همچنین در این مطالعه برای آزمون همبسته نبودن باقی مانده ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل رگرسیون می باشد و خود همبستگی نامیده می شود؛ از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ بوده، می توان نتیجه گرفت باقی مانده ها از هم مستقل می باشند. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱.۹۴ می گردد. ضریب تعیین مدل (۰/۳۷) معرف قدرت توضیح کنندگی مدل برآورد شده می باشد. با افزایش مشاهدات و همچنین با افزایش متغیرهای مستقل میزان ضریب تعیین افزایش می یابد و این افزایش ممکن است کاذب باشد. ضریب تعیین تعدیل شده (۰.۳۵)، نشان دهنده تأثیر واقعی متغیرهای مستقل مدل بر وابسته است. در بررسی معناداری ضرایب با توجه به جدول ۸، از آن جایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر (جبهه گیری - تهاجمی) (۰.۰۰۸) از ۰.۰۵ کوچک تر می باشد، در نتیجه وجود تأثیر معناداری این متغیر بر قابلیت مقایسه پذیری صورت های مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۰.۹۵ رد نمی گردد. مثبت بودن ضریب متغیر جبهه گیری - تهاجمی (۰.۰۱)، نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم متغیر استراتژی تهاجمی کسب و کار بر رابطه بین جبهه گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در بررسی سطح معناداری متغیرهای کنترلی، اهرم مالی، اندازه شرکت ترتیب برابر با (۰.۰۵۰)، (۰.۱۹۰) می باشد که تأثیر متغیرهای کنترلی به جز متغیر کیو تو بین، اهرم مالی در سطح اطمینان ۰.۹۵

♦..... بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ◇ ۶۱

رد نمی‌گردد. مثبت بودن ضریب متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، میزان تأثیر مثبت این متغیرها بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد.

استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

برای بررسی استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد، فرض H_0 و H_1 به صورت زیر تدوین شده است:

H_0 = استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد.

H_1 = استراتژی تدافعی کسب و کار بر رابطه بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد.

نتایج برازش مدل در جدول ۹ ارائه شده است.

$$\alpha + \beta_1 MM_{it} + \beta_2 Defensive Strategy_{it} + \beta_3 (MM_{it} * Comparability_{it}$$

$$Defensive Strategy_{it}) + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 audit_{it} + \beta_7 Roa_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۹. نتایج برازش مدل با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیر وابسته: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی						
متغیر های مستقل	ضریب	آماره t	خطای استاندارد	ضریب تورم واریانس	سطح معناداری	رابطه
جبهه‌گیری مدیریتی	-۰.۰۶	۲.۶۲	۰.۰۲	۱.۰۰۵	۰.۰۰۸	معنادار
استراتژی تدافعی	-۰.۲۴	۱.۸۷	۰.۰۹	۱.۷۱	۰.۰۰۱	معنادار
(جبهه‌گیری *تدافعی)	-۰.۱۷	۳.۰۱	۰.۰۵	۱.۰۸	۰.۰۰۶	معنادار
اهرم مالی	-۰.۱۰	-۱.۱۰	۰.۰۹	۱.۳۵	۰.۲۶۸	بی معنا
اندازه شرکت	۰.۲۴	۴.۹۸	۰.۰۴	۱.۱۵	۰.۰۰۰	معنادار
بازده دارایی	-۰.۵۵	-۸.۱۲	۰.۰۶	۱.۰۹	۰.۰۰۰	معنادار
گزارش حسابرس	۰.۰۷	۲.۰۹	۰.۰۳	۱.۰۵	۰.۰۳۶	معنادار
ضریب تعیین						۰.۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده مدل						۰.۴۱
آماره Breusch Pagan			F		۱۱۵۲۷.۱	
			سطح معناداری		۰.۰۰۰	
آماره		Durbin-Watson			۱.۹۶	
آماره F جدول		۲۰۷.۵				
سطح معناداری					۰.۰۰۰	

منبع: یافته های تحقیق

یکی از مفروضات رگرسیون کلاسیک، همسانی واریانس باقی مانده ها است. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس ها از آزمون بریوش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که از ۰.۰۵ کوچک تر می باشد (۰.۰۰۰) فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این مطالعه، برای رفع مشکل در برآورد مدل از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. همچنین در این مطالعه برای آزمون همبسته نبودن باقی مانده ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل رگرسیون می باشد و خود همبستگی نامیده می شود، از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون مابین ۱.۵ و ۲.۵ بوده، می توان نتیجه گرفت باقی مانده ها از هم مستقل می باشند. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱.۹۶ می گردد. ضریب تعیین مدل (۰/۴۶) معرف قدرت توضیح کنندگی مدل برآورد شده می باشد. با افزایش مشاهدات و هم چنین با افزایش متغیرهای مستقل میزان ضریب تعیین افزایش می یابد و این افزایش ممکن است کاذب باشد. ضریب تعیین تعدیل شده (۰.۴۱)، نشان دهنده تأثیر واقعی متغیرهای مستقل مدل بر وابسته است. در بررسی معناداری ضرایب با توجه به جدول ۹، از آن جای که احتمال آماره t برای ضریب متغیر جبهه گیری *تدافعی (۰.۰۰۶) از ۰.۰۵ کوچک تر می باشد، وجود تأثیر معناداری این متغیر بر قابلیت مقایسه پذیری صورت های مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۰.۹۵ رد نمی گردد. منفی بودن ضریب متغیر جبهه گیری *تدافعی (۰.۱۷-)، نشان دهنده میزان تأثیر منفی این متغیر بر رابطه بین جبهه گیری مدیریت و قابلیت مقایسه پذیری صورت های مالی شرکت ها می باشد. در بررسی سطح معناداری متغیرهای کنترلی اهرم مالی، اندازه شرکت، به ترتیب برابر با (۰.۲۶۸)، (۰.۰۰۰)، که تأثیر متغیرهای کنترلی، به جز متغیر اهرم مالی در سطح اطمینان ۰.۹۵ رد نمی گردد. مثبت بودن ضریب متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، (۰.۲۴)، نشان دهنده میزان تأثیر مثبت این متغیرها بر قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت ها می باشد.

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق

رمز موفقیت هر واحد تجاری، در گرو هدایت مطلوب آن است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد راز جاودانگی شرکت‌های معروف و خوش‌نام در برخورداری آن‌ها از هیئت مدیره کارا و مؤثر نهفته است. هیئت مدیره واحد تجاری قاب آن محسوب می‌شود. پس باید همواره سالم و شاداب باشد و خوب تغذیه شود. بنابراین، بروز نشانه‌های خستگی کمبود انرژی و بی‌علاقگی و ضعف عمومی در عملکرد هیئت مدیره، دقت فوری و مراقبت ویژه‌ای را می‌طلبد. حال با بیانات مذکور، در این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین جبهه‌گیری مدیریتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این نتایج حاکی از تئوری نمایندگی می‌باشد که تئوری نمایندگی مدیران به حداکثرسازی ثروت سهامداران تمایلی ندارند. مدیران برای تثبیت موقعیت خود از اختیارات خویش برای دستیابی به اهداف شخصی خود استفاده می‌کنند و به ارزش شرکت توجهی نمی‌کنند. آن‌ها موقعیت خود را از طرف سرمایه‌گذاری‌های خاص که ریسک کمی دارد، تثبیت می‌کنند و این گونه نشان می‌دهند که نقش بها ارزشی برای منافع سهامداران دارند.

در حقیقت جبهه‌گیری مدیران که در جهت تضاد منافع مدیران حاصل می‌گردد، کاهش کیفیت گزارشگری مالی و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیر در برداشته و تأثیرات انتخاب نامطلوب، خطر اخلاقی و عدم اطمینان و شراکت ریسک از مهم‌ترین مشکلات جبهه‌گیری مدیریت و رفتار فرصت طلبانه آن‌ها می‌باشد که باعث هزینه‌های نمایندگی می‌شود. این هزینه‌ها مجموع هزینه‌های نظارت بر سرپرستی مدیران، هزینه‌های التزام برای جلوگیری از آسیب زدن به منافع سهامداران و هزینه‌های باقی مانده در نظر گرفته می‌شوند.

هزینه‌های باقی‌مانده^۱ تفاوت بین عملیات واقعی مدیر و عملیات مورد انتظار از او به دلیل ناهمسو بودن منافع دو طرف است که با وجود تحمل هزینه‌های نظارت و التزام همچنان وجود دارد. از طرفی علاوه بر این، ممکن است شرکت‌های پیرو استراتژی پیشگام، یعنی تهاجمی، به دلیل درگیری در بازار کالا با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی مواجه شده و به مراتب از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کمتری برخوردار باشند.

مطالعات انجام‌گرفته درباره قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نشان می‌دهد که این ویژگی کیفی می‌تواند هزینه‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را برای تجزیه و تحلیل کاهش دهد و کیفیت اطلاعات مالی منتشر شده را افزایش دهد. در این بین رفتار مدیریت، نظیر فرصت طلب و جبهه‌گیری مدیریتی تأثیر منفی بر این ویژگی کیفی اطلاعات دارد که این نتیجه در تحقیق کیئوفینگ^۲ (۲۰۲۰) که در تحقیق به بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های چینی پرداخت شده، بود همسو می‌باشد. با توجه به نتایج و دست‌آوردهای تحقیق حاضر می‌توان پیشنهادی کاربردی زیر را متصور شد:

- طبق فرضیه تحقیق بین جبهه‌گیری مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به سازمان بورس اوراق بهادار و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز پیشنهاد می‌شود با تدوین مقررات، الزامات و استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه‌تری در خصوص الزام شرکت به ارائه اطلاعات حسابداری و صورت‌های مالی قابل مقایسه با سایر شرکت‌ها، زمینه اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و احتمال جبهه‌گیری مدیریت در گزارشگری مالی را محدود کنند.

1. Qifeng Wu

2. Qifeng Wu

پژوهش حاضر نیز به‌عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنا نیست. در این زمینه، محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است:

۱. نظر به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه استفاده شد. عواملی چون تعدیلات سنواتی و برخی از بندهای شرط مندرج در گزارش‌های حسابرسی، از جمله عوامل مؤثر بر اقلام صورت‌های مالی؛ است. اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات لازم، در پژوهش حاضر تعدیلی بابت این اقلام انجام نشد و از این لحاظ، یکی از تنگناها و محدودیت‌های تحقیقه شمار می‌رود.

۲. در مورد چگونگی اندازه‌گیری متغیر جبهه‌گیری مدیریت، بایستی مسایل مربوط به معیارهای اندازه‌گیری نظیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل که از سال ۹۳ منع قانونی شده است، مورد نقد بررسی قرار گیرد؛ چرا که در تحقیقات خارجی غالباً این متغیر به عنوان اصلی ترین معیار جبهه‌گیری مدیریت محسوب می‌گردد.

منابع

۱. ابراهیم پور، مصطفی؛ اکبری، محسن و یوسفی پیشکناری، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر نگهداشت وجه نقد، کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در حسابداری، مدیریت اقتصاد و بانکداری، تهران، شرکت همایش آروین البرز، تابستان ۹۷.
۲. عباسی، ابراهیم؛ کاظم عطار، سیاوش و عباس نژاد حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین جبهه‌گیری مدیریت و مدیریت نقدینگی، کنفرانس جامع علوم مدیریت و حسابداری، تهران، دبیرخانه کنفرانس جامع علوم مدیریت و حسابداری، بهار ۹۵.
۳. عبداللهی، احمد، مومنی، ابوالفضل و شهابی، مجتبی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سطح نگهداشت وجه نقد با توجه به نقش‌های تعدیلی قابلیت اتکا و عدم تقارن اطلاعاتی، اولین کنفرانس حسابداری و حسابرسی، ۱۹-۳۶.
۴. مهرورز فاطمه و مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی، فصلنامه علمی تحقیقی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۵(۴۹)، ۸۳-۱۱۰.
۵. مهربان پور، محمدرضا، فرجی، امید و سجادی‌پور، رضا. (۱۳۹۹). نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۴(۸)، ۱۳۴-۱۵۲.
- 6.Chen a & Gong J.Jianxin.(2019). Accounting comparability, financial reporting quality, and the pricing of accruals. *Advances in Accounting*. /doi.org/10.1016/j.adiac.2019.03.003
- 7.Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164-202.

8. Cullinan, C.P., Mahoney, L. and Roush, P.B. (2019), "Entrenchment vs long-term benefits: classified boards and CSR", *Journal of Global Responsibility*, Vol. 10 No. 1, pp. 69-86.
9. Di Meola, F. & Juan Manuel G. L and Jordi A. S. (2017). Managerial entrenchment and earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*. 0278-4254/ © 2017 Elsevier Inc. 5 (12), 186-202.
10. De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895-931.
11. Elyasiani, E., & Zhang, L. (2016). CEO entrenchment and corporate liquidity management. *Journal of Banking & Finance*, 54(21), 115-128
12. Joseph H. Zhang. (2018). Accounting Comparability, Audit Effort, and Audit Outcomes. *Contemporary Accounting Research* 35(1):245-276
13. Libby, R., & Rennekamp, K. (2012). Self-serving attribution bias, overconfidence, and the issuance of management forecasts. *Journal of Accounting Research*, 50(1), 197-231.
14. Qifeng Wu. (2020). Managerial Entrenchment And Financial Reporting Comparability. *Theses & Dissertations*. https://scholarworks.utep.edu/open_etd/3062
15. Sohn, B.C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *J. Account. Public Policy* (2016), <http://dx.doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2016.06.003>
16. Wang, C. (2014). Accounting Standards Harmonization and Financial Statement Comparability: Evidence from Transnational Information Transfer. *Journal of Accounting Research*, (in press).

ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت

□ □ □

مسعود بختیاری^۱؛ سید عباس برهانی^۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر، ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی است. داده‌ها مربوط به ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ و با استفاده از نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۲ تجزیه و تحلیل شده است. روش گردآوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین می‌باشد و همچنین فرضیه‌ها بر اساس آزمون رگرسیون خطی چند متغیره، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج آزمون فرضیه‌ها، بین زیان‌گریزی و عملکرد شرکت (نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mbakhtiari1363@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

s.borhani@hotmail.com

همچنین بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و عملکرد شرکت (نسبت بازده حقوق صاحبان سهام) رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ ولی بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و عملکرد شرکت (نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت) رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌گان کلیدی: زیان‌گریزی، اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار، عملکرد شرکت، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت.

۱. بیان مسئله

سرمایه‌گذاری را می‌توان یکی از ارکان اساسی اقتصاد هر کشوری دانست. تردیدی نیست که افزایش تولید به عنوان یکی از نخستین گام‌های فرایند توسعه، مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری خواهد بود. بیش اطمینانی یا اعتماد بیش از حد به خود را می‌توان اعتقادی بی اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف کرد. مفهوم بیش اطمینانی در مجموعه وسیعی از آزمایش‌های روان‌شناسانه از نوع شناختی در نظر گرفته شده است که نشان می‌دهد افراد هم درباره توانایی‌هایشان در پیش‌بینی و هم درباره دقت اطلاعات شان، برآوردی بیش از اندازه دارند. همچنین در تخمین احتمالات ضعیف عمل می‌کنند و اغلب رویدادهایی با احتمال وقوع بسیار کم را صد در صد حتمی می‌دانند. به طور خلاصه می‌توان گفت این گونه افراد خود را از آنچه در واقعیت هستند، باهوش‌تر می‌پندارند و بر این باورند که اطلاعات بهتری در اختیار دارند. برای مثال، هنگام تصمیم‌گیری به منظور سرمایه‌گذاری در شرکتی خاص، اغلب انتظار زیان را نادیده می‌گیرند و اگر شرکت عملکرد ضعیفی داشته باشد، احساس تعجب یا نارضایتی می‌کنند (پمپین، ۲۰۰۶). اطمینان بیش از حد سرمایه‌گذاران در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعاتی در اختیار دارند که بازده بازار و نوسانات بازده بازار را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم انداز مثبتی از شرکت دارند (مالمندیر و تیت،

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۷۱

(۲۰۰۵). اطمینان بیش از حد سرمایه‌گذاران در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات بهتری نسبت به دیگران در اختیار دارند. دقت اطلاعات خود و به تبع آن بازده بازار را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند (بومن، ۲۰۱۴).

دی بونت و تالر (۱۹۹۵) این‌گونه استدلال می‌کنند که عامل کلیدی رفتاری مورد نیاز برای درک پازل معامله، اطمینان بیش از حد می‌باشد. سرمایه‌گذاران دارای اطمینان بیش از حد صحت توانایی‌های ارزیابی خود را بیش از حد برآورده می‌کنند؛ چرا که آنها صحت اطلاعات محرمانه خود را بیش از حد برآورد محققان تئوری و کاربردهای قابل آزمون می‌دانند. در ابتدا سرمایه‌گذاران عموماً نسبت به صحت اطلاعات خصوصی خود اطمینان بیش از حد دارند و همچنین و اعتماد بیش از حد یک نوع جانبداری فردی می‌باشد که باعث می‌شود میزان اطمینان بیش از حد متناسب با بازده‌های بازار متفاوت باشد (دی واس، لادرزولتو، ۲۰۰۸). همچنین اطمینان بیش از حد سرمایه‌گذار محرکی برای چگونگی معاملات سرمایه‌گذار است (تمایل برای فروش سریع حاوی برنده و حفظ بازنده برای مدت طولانی)؛ چرا که اطمینان بیش از حد باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در شرایط سود و زیان، معاملات غیرعادی داشته باشند (دهار و ژو، ۲۰۰۲)؛ هر چند اطمینان بیش از حد به طور کل بر بازار سهام تأثیر می‌گذارد. در مقابل اطمینان بیش از حد می‌تواند هر دو طرف معامله مورد نظر (خرید یا فروش) را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از مطالعات وجود ارتباط بین عملکرد شرکت و بازده معوق را بازارهای توسعه‌یافته پیش‌بینی کرده‌اند؛ اما شواهد اندکی در مورد بازارهای نوظهور وجود دارد (گریفن، نرردی و شولز، ۲۰۰۷). به علاوه، در مقایسه با بازارهای توسعه‌یافته، بازارهای نوظهور به طور قابل ملاحظه‌ای نقدینگی کمتری دارند. این کمبود نقدینگی می‌تواند نقش حائز اهمیت در تعیین ارتباط بین بازده‌های سهام و عملکرد ایفا نماید و می‌تواند یافته‌های پیشین بازارهای توسعه‌یافته را تغییر دهد.

پیستاسالاسی و گوناسکار، (۲۰۰۶)، علاوه بر آن شواهد قوی کشف شد که تعصب و اعتماد بیش از حد، بر تمامی تصمیم‌های عاقلانه غالب می‌باشد و از این رو سرمایه‌گذاران تمایل به اعتماد به نفس بیشتر از زیان‌گریزی بیشتری برخوردار می‌باشند. فرضیه بازارهای کارآمد براساس نظریه عقلانی سرمایه‌گذاران است که فرض بر کامل بودن است. درمن (۲۰۰۱) به بررسی میزان اعتماد بیش از اندازه در میان مردان و هم زنان براساس یک نمونه ۲۲۰.۰۰۰ خانواده پرداخت و کشف کرد که اعتماد بیش از اندازه یک سرمایه‌گذار مرد از زن بیشتر می‌باشد. مردان از زنان با اعتماد به نفس تر هستند. هو هونگ (۲۰۰۹)، بیان کردند که دو نوع از سرمایه‌گذاران در بازار مالی حاضر هستند: اولی و مربوط به سرمایه‌گذارانی که به اطلاعات خصوصی دسترسی دارند و به آن اهمیت می‌دهند و شاید تابع اعتماد بیش از اندازه باشند. دوم به سرمایه‌گذارانی که به اطلاعات عمومی دسترسی دارند و به آن اهمیت می‌دهند و به صورت عقلانی تصمیم‌گیری می‌کنند. دی بوفت و تاهلر (۱۹۸۵)، در میان اولین محققانی می‌باشد که بیان کرد اعتماد بیش از اندازه بر روی قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد. سولت راستیت من (۱۹۸۸) و کلارک راستیت من (۱۹۹۸)، تعیین کردند که تمایل سرمایه‌گذار می‌تواند به عنوان یک عامل با اهمیت در معاملات سهام قرار گیرد. آنها ثابت کردند که بین تمایلات سرمایه‌گذار و عملکرد بازار سهام رابطه ناکافی وجود دارد. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی و تعیین تأثیرگذاری زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و دیگران بر عملکرد می‌باشد.

۲. فرضیه‌های تحقیق

گاهی ممکن است سرمایه‌گذار در خلال معامله یک سهم به خصوص، سود به دست آورده باشد. در چنین مواردی معمولاً سرمایه‌گذار می‌خواهد سود را از دست ندهد. لذا با کمترین تغییر در قیمت سهام اقدام به فروش آن می‌کنند یا شاید حتی برای اجتناب از زیان بیشتر، در

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۷۳

زمانی که قیمت سهم سقوط کرده باشد، با بهایی کمتر از قیمت خرید خود، به فروش اقدام کند. در چنین مواردی گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری تابع زیان‌گریزی می‌باشد.

کانمن و تورونکی (۱۹۷۹)، بیان کردند که زیان‌گریزی به عنوان یک تعصب روان‌شناسی در نظر گرفته می‌شود که بدینی سرمایه‌گذاران را نسبت به سهم را انعکاس می‌دهد. اهمیت این تعصب می‌تواند تأثیر با اهمیتی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در مدیریت و فروش اوراق بهادار داشته باشد. در زمانی که سرمایه‌گذاران خیلی به زیان حساس می‌باشند و از زیان‌گریزی بیش از حد دچار باشند، همین امر باعث دور شدن آنها از زیان می‌شود و در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری آنها تأثیر معناداری می‌گذارد. رفائل و همکاران (۲۰۱۲)، تئوری‌های مختلفی در ارتباط بین تصمیم‌گیری توسط سرمایه‌گذار بیان کردند. آنها روی مدل‌های نرمال در اینکه کدام سرمایه‌گذار بر اساس ضوابط خاص، عملکرد را افزایش می‌دهند انجام دادند و بیان کردند که زیان‌گریزی سرمایه‌گذاران بر عملکرد آنها تأثیرگذار می‌باشد. بنارتزی و تاهار (۱۹۹۵) بیان کردند که احساس سرمایه‌گذار از زیان‌گریزی آنها بیشتر تبعیت دارد و تأثیرپذیر می‌باشد. زیان‌گریزی سرمایه‌گذاران باعث شک بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری در شرکت می‌گردد و قدرت را برای جذب سرمایه‌گذار از دست می‌دهند. تیلور و جانسون (۱۹۹۰)، نشان دادند که میزان زیان‌گریزی سرمایه‌گذاران قبل از هر چیز به نتایج گذشته بستگی دارد. به زمانی که سرمایه‌گذار در گذشته در موقعیت‌های مختلف سود یا زیان قرار گرفته است. زیان‌گریزی به سرمایه‌گذاران برای فروش سهام آنان به دلیل ترس از دست دادن منافع خود انگیزهای مضاعف می‌دهد (السبرگ، ۱۹۶۱). نتایج شو (۲۰۱۰)، نشان داد که هم سهام و هم وجه نقد به طور مثبت با حالت سرمایه‌گذار مرتبط است و مواقعی که ارزش و قیمت دارایی آنان بالاتر باشد، می‌تواند، وضعیت بهتری به همراه داشته باشند (هافمن و همکاران، ۲۰۱۲). تئوری نشان می‌دهد که تعصب در سرمایه‌گذاری و همچنین زیان‌گریزی در تصمیم‌گیری راهبردهای سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری معناداری می‌گذارد. تمایل سرمایه‌گذار و عملکرد شرکت، به

عنوان دو فاکتوری در نظر گرفته می‌شوند که ممکن است ارتباط معناداری با هم داشته باشد. بنابراین، تعصب زیان‌گریزی می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد. با توجه به مبانی نظری بالا، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد.

• فرضیه اول: بین زیان‌گریزی و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

• فرضیه فرعی اول: بین زیان‌گریزی و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

• فرضیه فرعی دوم: بین زیان‌گریزی و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

✓ فرضیه دوم: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

• فرضیه فرعی اول: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

• فرضیه فرعی دوم: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی است. در روش همبستگی به بررسی میزان تغییرات متغیر وابسته بر اثر دستکاری متغیر مستقل، از طریق محاسبه ضریب همبستگی پرداخته می‌شود. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. مبانی نظری پژوهش از کتاب‌ها، مجلات و سایت‌های تخصصی

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۷۵

فارسی و لاتین گردآوری شده است و داده‌های مالی مورد نیاز با مراجعه به سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران، صورت‌های مالی شرکت‌ها و همچنین با استفاده از نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین گردآوری شده است. در ابتدا از آزمون شاپیروویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده می‌گردد و سپس برای اطمینان از عدم وابستگی نمونه‌ها به یکدیگر و تصادفی بودن آن‌ها از آزمون والد ریچ استفاده می‌گردد. در این تحقیق از روش رگرسیون چندمتغیره به عنوان روش آماری استفاده می‌شود. در روش رگرسیون، هدف اصلی بررسی ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل در تحقیق است. همچنین تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص‌های مرکزی، از جمله میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار چولگی و کشیدگی چولگی شروع خواهد شد در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. در موارد استفاده از داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین روش‌های پانل و پولینگ از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش‌های تأثیرات ثابت و تأثیرات تصادفی انجام می‌شود و پس از آن داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار EXCEL بعد از اصلاحات و طبقه‌بندی لازم بر اساس متغیرهای مورد بررسی وارد نرم‌افزار stata نسخه ۱۲ شده و تجزیه و تحلیل‌های نهایی انجام خواهد شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرکت‌هایی از جامعه آماری یاد شده، انتخاب می‌شوند که:

پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد؛

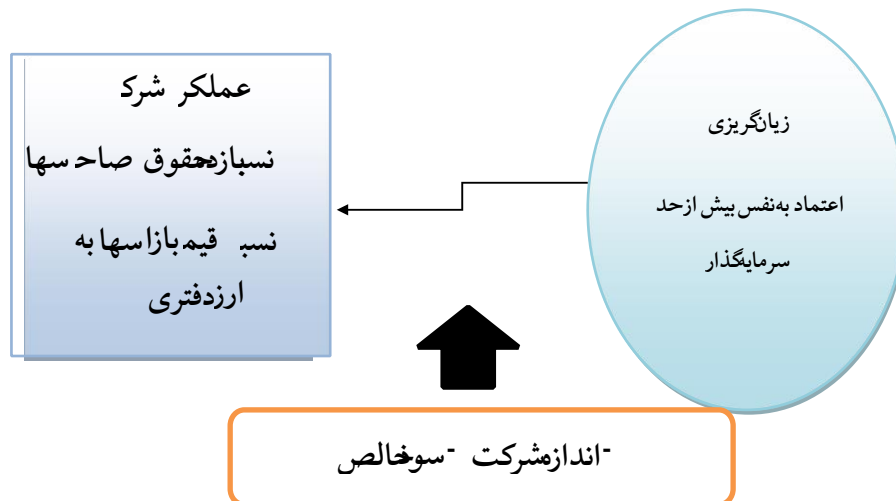
از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، در بورس حضور داشته باشند؛

شرکت بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، تغییر سال مالی نداشته باشد؛

شرکت نباید در گروه واسطه‌گری مالی باشد (بانک‌ها، نهادها، سرمایه‌گذاری‌ها و...)

اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد.

۴. مدل مفهومی پژوهش



منبع: با توجه به تحقیق احمد و بودینیا (۲۰۱۸)

۵. مبانی نظری پژوهش

در من (۲۰۰۱) به بررسی میزان اعتماد بیش از اندازه در میان مردان و هم زنان براساس یک نمونه ۲۲۰.۰۰۰ خانواده پرداخت و به این نتیجه دست یافت که اعتماد به نفس بیش از اندازه یک سرمایه گذار مرد از زن بیشتر می باشد.

هوهونگ (۲۰۰۹)، بیان کردند که دو نوع از سرمایه گذاران در بازار مالی حاضر هستند: گروه اول، سرمایه گذارانی هستند که به اطلاعات خصوصی دسترسی دارند و به آن اهمیت می دهند و شاید تابع اعتماد بیش از اندازه باشند؛ دوم به سرمایه گذارانی که به اطلاعات عمومی دسترسی دارند و به آن اهمیت می دهند و به صورت عقلانی تصمیم گیری می کنند. دی بوفت و تاهل (۱۹۸۵)، در میان اولین محققانی بود که بیان کرد اعتماد بیش از اندازه بر قیمت ها تأثیر می گذارد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۷۷

سولت راستیت من (۱۹۸۸) و کلارک راستیت من (۱۹۹۸)، تعیین کردند که تمایل سرمایه‌گذار می‌تواند به عنوان یک عامل با اهمیت در تجارت و مبادلات سهام قرار گیرد. همچنین احمد و بودینیا (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و دیگران بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی پرداختند. هدف این پژوهش بررسی ارتباط دو متغیر زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت می‌باشد. این پژوهش بر ۶۷۷۷ افراد شرکت‌های خدماتی و صنعتی بیمه شده آمریکایی در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ می‌باشد. و با رگرسیون حداقل مربعات معمولی در دو مدل تحاب اطلاعات روی آزمایش آن فرضیه که فرمول شده برای مطالعه استفاده شده بود. نتایج این پژوهش بیانگر این می‌باشد که زیان‌گریزی و همچنین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد اقتصادی شرکت‌ها دارد. زمانی که سرمایه‌گذاران خیلی به زیان حساس هستند؛ آنها همیشه دنبال اجتناب آن هستند که به طور کامل بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. رفائل و همکاران (۲۰۱۲)، از تئوری چشم انداز برای فهمیدن تصمیم‌گیری توسط سرمایه‌گذار استفاده کردند. آنها روی مدل‌های نرمال در اینکه کدام سرمایه‌گذار بر اساس ضوابط خاص عملکرد چند منظوره را پیشینه می‌کند، متکی شده‌اند. در کاربردهای اخیر، تئوری چشم‌انداز و در اصلاح خطر حق. بنارتزی و تاهار (۱۹۹۵)، یک شکاف مهم بین برگشت سهام و اوراق بهادار نشان داده‌اند. نشان داده است که فاصله ارزیابی بر احساس سرمایه‌گذار از زیان‌گریزی تأثیر دارد. هر چه ارزیابی فاصله باریک‌تر و محدودتر است، زیان‌گریزی بیشتری تأیید شده است و بیشتر اوراق بهادار قدرت را برای جذب سرمایه‌گذار از دست می‌دهند. باربریس و همکاران (۲۰۰۱)، مطالعه کردند زیان‌گریزی در یک مدل مبتنی بر مصرف برای ارزیابی بهره‌مندی مالی به گونه‌ای است که توسط تئوری چشم‌انداز نشان داده شده است. تیلور و جانسون (۱۹۹۰)، نشان دادند که درجه زیان‌گریزی به نتایج گذشته بستگی دارد؛ زمانی که تقریباً سرمایه‌گذار، در سود و زیان است. زیان‌گریزی به سرمایه‌گذاران برای فروش سهام اوراق

آنان به دلیل اینکه آنها، ترس از دست دادن منافع خود را دارند، انگیزه‌ای مضاعف می‌دهد (السبرگ، ۱۹۶۱). نتایج شو (۲۰۱۰)، نشان داد که هم سهام و هم اسکناس به طور مثبت با حالت سرمایه‌گذار مرتبط است؛ مواقعی که ارزش و قیمت دارایی آنان بالاتر باشد، می‌تواند حال بهتری را به همراه داشته باشند. دی بونت و تالر (۱۹۹۵)، این‌گونه استدلال می‌کنند که عامل کلیدی رفتاری مورد نیاز برای درک پازل معامله اطمینان بیش از حد می‌باشد. سرمایه‌گذاران دارای اطمینان بیش از حد صحت توانایی‌های ارزیابی خود را بیش از حد برآورد می‌کنند؛ چرا که آنها صحت اطلاعات محرمانه خود را بیش از حد برآورد محققان تنوری و کاربردهای قابل آزمون را براساس دو فرض توسعه دادند. در ابتدا، سرمایه‌گذاران عموماً نسبت به صحت اطلاعات خصوصی خود اطمینان بیش از حد دارند و نیز توزیع فردی جانبدارانه باعث می‌شود که میزان اطمینان بیش از حد متناسب با بازده‌های بازار متفاوت باشد. روش مناسب آشکاری برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد وجود ندارد (دی واس، لادرزولتو، ۲۰۰۸). توضیح برخی از رویدادهای مشاهده شده در بازارهای اوراق بهادار، از جمله سطوح بالای حجم معامله برای اقتصاددانان امری چالش برانگیز است. غالب‌ترین توضیح موجود، برای حجم بالای معامله اطمینان بیش از حد است. بازده‌های بالای بازار سرمایه‌گذاران را مطمئن می‌کند و در نتیجه این سرمایه‌گذاران معاملات بیشتری را انجام می‌دهند.

اطمینان بیش از حد به دو دلیل با اثر وضعی تفاوت دارد. در ابتدا، اثر وضعی به رفتار سرمایه‌گذار نسبت به یک سهام خاص در پرتفوی خود برمی‌گردد (دهار و ژو، ۲۰۰۲). هر چند که اطمینان بیش از حد به طور کل بر بازار سهام تأثیر می‌گذارد. دوم، اثر وضعی صرفاً انگیزه برای یک طرف معامله را توضیح می‌دهد. در مقابل اطمینان بیش از حد می‌تواند هر دو طرف معامله مورد نظر را توضیح دهد. بسیاری از مطالعات وجود ارتباط بین حجم معاملات اخیر و بازده معوق را بازارهای توسعه‌یافته پیش‌بینی کرده‌اند؛ اما شواهد اندکی در مورد بازارهای نوظهور وجود دارد (گریفن، نرردی و شولز، ۲۰۰۷). به علاوه در مقایسه با بازارهای توسعه‌یافته، بازارهای

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۷۹

نوظهور بطور قابل ملاحظه‌ای کوچک‌ترند و نقدینگی کمتری دارند. این کمبود نقدینگی می‌تواند نقش حائز اهمیتی در تعیین ارتباط بین بازده‌های سهام و حجم معامله ایفا کند و می‌تواند یافته‌های پیشین بازارهای توسعه‌یافته را تغییر دهد (بیستاسالاسی و گوناسکار، ۲۰۰۶).

۶. پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

شهابی راد و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی ارائه مدلی به منظور شناسایی تأثیر هوش معنوی بر هوش هیجانی و نقش آن در کنترل سوگیری‌های رفتاری (مبتنی بر خطای هاله‌ای) و نقش آن بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران پرداختند. جهت دستیابی به هدف تحقیق، به روش تصادفی ۳۰۰ نفر از سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز از طریق توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به دست آمده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش آمار استنباطی به روش ضریب همبستگی پیرسون و آزمون معادلات ساختاری استفاده گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS و نمودارها توسط نرم‌افزار EXCEL ترسیم و حل معادلات ساختاری توسط نرم‌افزار AMOS بوده است.

با توجه به بارهای عاملی در مدل پژوهش، از بین شاخص‌های متغیرهای هوش معنوی و هوش هیجانی، به ترتیب در متغیر هوش معنوی، شاخص اعتقاد به ظرفیت‌های مذهبی در تصمیم‌گیری با ضریب عاملی ۰/۸۱، آرامش قلبی در تصمیم‌گیری ۰/۶۷، تبدیل شکست به فرصت ۰/۴۰، خودجوش بودن و شهامت ۰/۳۶، دارای بیشترین تأثیر و در متغیر هوش هیجانی به ترتیب شاخص کنترل احساسات با ضریب عاملی ۰/۷۴، کنترل فشار و استرس ۰/۶۴، کنترل هیجانات ۰/۵۹، تنظیم ارتباطات بیرونی ۰/۳۵، بیشترین تأثیر و در متغیر خطای هاله‌ای به ترتیب متغیر تقلب شرکت‌ها با ضریب عاملی ۰/۸۸، افول رتبه افشا ۰/۵۵، بیشترین تأثیر را دارا

هستند و هوش معنوی به میزان ۰/۲۵ بر هوش هیجانی، هوش هیجانی در کنترل خطاهای ادراکی ۰/۶۲ و در نهایت میزان تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری ۰/۲۵ می‌باشد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای تعیین میزان اعتماد بیش از حد مدیران از پنج معیار شامل سرمایه‌گذاری بیش از حد، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، خالص جریان‌های نقدی، سیاست تقسم سود و نسبت مخارج سرمایه استفاده شده است. بدین منظور، یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۹۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شده است. نتایج نشان می‌دهد از میان معیارهای انتخابی برای اعتماد بیش از حد مدیریتی، سرمایه‌گذاری بیش از حد، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، خالص جریان‌های نقدی، سیاست تقسم سود و نسبت مخارج سرمایه تأثیر مثبت معناداری بر خطر سقوط آتی قیمت سهام دارند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد، معیار اصلی اعتماد بیش از حد مدیریتی تأثیر مثبت معناداری بر خطر سقوط آتی قیمت سهام دارد.

طلعتی و طلعتی (۱۳۹۷)، به بررسی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و سرمایه‌گذاری بیش از حد با تأکید بر استقلال هیئت مدیره پرداختند. اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و خوش‌بینی بیش از حدشان موجب می‌شود سرمایه‌گذاری بیش از حد اقدام کنند و سرمایه‌گذاری بیش از حد موجب بالا رفتن بدهی واحد اقتصادی می‌گردد. از طرفی هیئت مدیره هرچقدر مستقل‌تر بوده و اعضای غیرموظف بیشتری داشته باشد، اثرگذاری بیشتری بر روی رفتار مدیران و بیش سرمایه‌گذاری آنها دارد. این پژوهش به بررسی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و سرمایه‌گذاری بیش از حد با تأکید بر استقلال هیئت مدیره در شرکت‌های

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۸۱

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی، یک تحقیق توصیفی و همبستگی از نوع علی (پس‌رویدادی) می‌باشد. کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دلیل اینکه صورت‌های مالی آنها هم قابل دسترس هستند و هم حسابرسی شده، به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۳۳ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی ۷ ساله، بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و برای اجرای آزمون فرضیات داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌ها و نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده سپس در نرم‌افزار اکسل محاسبات اولیه انجام شده و برای آزمون فرضیه‌ها در نرم‌افزار استاتا نسخه ۱۴ از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود بیش اعتمادی مدیران باعث افزایش سرمایه‌گذاری بیش از حد نمی‌شود؛ ولی تعامل بیش اعتمادی مدیران و استقلال هیئت مدیره بر بیش سرمایه‌گذاری تأثیر منفی و معناداری دارد.

حامدی و صراف (۱۳۹۶)، به بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر با عملکرد مالی و اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون بوده و جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد (شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۴ در بورس فعال بودند). روش نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند و سیستماتیک می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از اطلاعات اولیه شرکت‌ها بوده است؛ یعنی اطلاعات و داده‌های موردنیاز تحقیق کلاً از روش کتابخانه‌ای، با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مطالعه صورت‌های مالی اساسی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران در طی سال

۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ به دست آمده‌اند. علاوه بر مطالعه صورت‌های مالی اساسی، اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی از سایت اطلاعاتی بورس مورد استفاده قرار گرفته است. یافته تحقیقی حاکی از این بود که بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و بازده سهام رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت و ارزش افزوده بازار رابطه معنادار وجود ندارد.

پورکناری و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر حباب قیمتی و تمایلات زیان‌گریزی سهامداران بر ارزش غیر بنیادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. تحقیق حاضر از منظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، نوعی تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر بر مبنای طبقه‌بندی تحقیقات بر اساس روش و ماهیت، تحقیقی همبستگی محسوب می‌گردد. انجام تحقیق در چارچوب استدلال‌ات قیاسی - استقرایی است. در این تحقیق برآورد و تخمین‌های آماری مدل‌ها و تأثیر چندگانه کلیه متغیرها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Eviews5 صورت می‌گیرد و روش تخمین مدل‌ها، ترکیب داده‌های مقطعی سری زمانی پانل دیتا می‌باشد و برای تأثیر چندگانه کلیه متغیرها بر ارزش غیر بنیادی از رگرسیون چندگانه استفاده شد تا تأثیر متغیرهای مستقل بر روی وابسته را به طور همزمان نشان دهد. در این زمینه با یک مدل اقتصاد سنجی با استفاده از داده‌های مقطعی - سری زمانی پانل تأثیر حباب قیمتی، تمایلات زیان‌گریزی و رفتار عناصر بازار سهام بورس را بر ارزش غیر بنیادی مانند قیمت بازار، ارزش بنیادی را در ۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ۳ ساله از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گیرد و تأثیر سه متغیر حباب قیمتی، تمایلات زیان‌گریزی و رفتار عناصر بازار سهام بورس بر ارزش غیر بنیادی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که میزان تأثیر هر سه متغیر توضیحی با ارزش غیر بنیادی در شرکت‌های پذیرفته شده

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۸۳

در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنیدار و مثبتی دارد و در میان متغیرهای توضیحی حباب قیمتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای را داشته است.

موسوی و بابایی (۱۳۹۶)، به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد بر رفتار سرمایه‌گذاران، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. اطمینان بیش از حد در پایه‌ای‌ترین حالت خود، می‌تواند به عنوان اطمینان بی‌پشتوانه در استدلال‌ها، قضاوت‌ها و توانایی‌های شناختی تعریف شود. هدف این تحقیق بررسی آثار این سوگیری مهم بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران است. در این پژوهش ضمن اندازه‌گیری جنبه‌های مختلف اطمینان بیش از حد سرمایه‌گذاران (برآورد غلط، توهم کنترل، خوش‌بینی نسبت به آینده، اثر بهتر از متوسط، پیش‌بینی نوسانات آتی)، ارتباط آن با حجم معاملات، دفعات سفارش و بازده افراد حقیقی آزمون شده است. نتایج تحلیل پرسشنامه و معیارهای عملکرد معاملات معامله‌گران حقیقی نشان می‌دهد که میان دفعات سفارش فرد و اطمینان بیش از حد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ضریب همبستگی ۰.۷۴۷ وجود دارد. همچنین بین حجم سفارشات فرد و اطمینان بیش از حد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ضریب همبستگی ۰.۶۹۵ وجود دارد. ارتباط میان اطمینان بیش از حد و بازده در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نگرفت.

قنبرلو و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر هوش معنوی را بر سوگیری رفتاری زیان‌گریزی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق ابتدا مفاهیم و جزییات هوش معنوی مورد مطالعه قرار گرفته است و سپس در مورد سوگیری رفتاری زیان‌گریزی که یکی از سوگیری‌های رفتاری در سرمایه‌گذاران بازار بورس است، پژوهش انجام شده است. در این تحقیق که از نوع توصیفی پیمایشی و همبستگی بین متغیرها است، از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات و برای اثبات هوش معنوی در سرمایه‌گذاران از پرسشنامه استاندارد کینگ و برای شناسایی سوگیری رفتاری در سرمایه‌گذاران جامعه نمونه از پرسشنامه محقق ساخته بهره برداری شده است. روش انتخاب نمونه در این پژوهش از نوع انتخاب هدفمند و در دسترس

است. علت به کارگیری این گونه روش، نامشخص بودن جامعه هدف می‌باشد. در این تحقیق تورش رفتاری زیان‌گریزی به عنوان متغیر مستقل و هوش معنوی به عنوان متغیر وابسته انتخاب شده است. بعد از جمع‌آوری اطلاعات از ۳۱۰ نفر سرمایه‌گذار بازار بورس که به عنوان جامعه هدف پاسخگوی سوالات پرسشنامه بوده‌اند، با تحلیل آماری به وسیله نرم‌افزار SPSS و Lisrel ارتباط بین هوش معنوی و سوگیری زیان‌گریزی رابطه معناداری شناسایی شده و در نتیجه فرضیه تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد به اثبات رسیده است.

جلیلوند و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، شواهد اولیه و بینش آینده پرداختند. در این مطالعه شواهد مقدماتی از تمرکز بر رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران در قالب برنامه جامع مطالعاتی در سال ۱۳۹۳ فراهم شده است. با استفاده از روش مبتنی بر نظرسنجی، ۵۶۱ نفر از سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران به نمایندگی از سرمایه‌گذاران فردی، کارشناسان صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری، کارشناسان مؤسسه‌های تامین مالی سرمایه، کارشناسان و متخصصان مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاران بورس اوراق بهادار انتخاب شدند. این پژوهش با رویکرد کمی و به کمک پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی و از نظر هدف کاربردی و از نظر زمانی تک مقطعی می‌باشد. نتایج آزمون داده‌ها بیان می‌کند که هر دو گروه از متغیرهای رفتاری و اقتصادی در تصمیمات سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران مؤثرند. عوامل رفتاری عبارتند از: احساسات، تعطیلات آخر هفته، جنسیت، سن، شخصیت و فرهنگ؛ عوامل اقتصادی (عقلایی) عبارتند از: سود آوری، نقدینگی و سایر عوامل عبارتند از: دانش سرمایه‌گذار، نام تجاری و بازاریابی.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۸۵

پیشینه خارجی

پایسرن و همکاران (۲۰۲۱)، عوامل مؤثر بر رفتار تجاری سرمایه‌گذاران خرد در بازار سهام تایلند را بررسی کردند. با استفاده از داده‌های نظرسنجی دقیق از ۴۹۱ سرمایه‌گذار، ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری را که به سوگیری سرمایه‌گذار منجر می‌شود، بررسی شد. نتایج نشان داد که سوگیری‌ها در بین سرمایه‌گذاران رایج است و مردان بیش از زنان اعتماد به نفس بیشتری دارند. علاوه بر این، آنها یافتند که سرمایه‌گذارانی که تجربه بیشتری در تجارت دارند، کمتر احتمال دارد که سهام خود را برای دوره‌های زمانی طولانی نگه دارند. این شواهد نشان می‌دهد که عوامل جمعیت‌شناختی برای تمایز بین سرمایه‌گذاران از نظر سطح سوگیری بیش اطمینانی که نشان می‌دهند، مفید است. این نتیجه تأیید می‌کند که عوامل جمعیت‌شناختی در تمایز و طبقه‌بندی سرمایه‌گذاران خرد نقش دارند و باید محققان آینده را تشویق کند که این عوامل را در تحقیقات خود در نظر بگیرند.

احمد و بودینیا (۲۰۱۸)، به بررسی ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و دیگران بر عملکرد شرکت‌های آمریکایی پرداختند. هدف این پژوهش بررسی ارتباط دو متغیر زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت می‌باشد. این پژوهش بر ۶۷۷۷ افراد شرکت‌های خدماتی و صنعتی بیمه شده آمریکایی در دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ می‌باشد؛ و با رگرسیون حداقل مربعات معمول در دو مدل تحاب اطلاعات روی آزمایش آن فرضیه که فرمول شده برای مطالعه استفاده شده بود. نتایج این پژوهش بیانگر این می‌باشد که زیان‌گریزی و همچنین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد اقتصادی شرکت‌ها دارد.

مرکل (۲۰۱۷)، به بررسی اعتماد به نفس کاذب در طول زمان، بینش، درک و بینش سرمایه‌گذاران پرداخت. اعتماد بیش از حد دکی از رایج‌ترین توضیحات روان‌شناسی برای رفتار سرمایه‌گذار است. مفهوم اعتماد بیش از حد در زمینه مربوط به جابه‌جایی سبد سهام، تنوع و

ریسک‌پذیری می‌باشد که موجب تجارت بیشتر و در نتیجه افزایش ریسک می‌شود. این پژوهش فرا اعتمادی را به سه نوع تعریف می‌کند: ۱) تخمین بیش از حد، اعتماد به نفس کاذب و دقت بیش از اندازه.

وانگ و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی سرمایه‌گذاری بیش از حد، عدم اطمینان نسبت به تورم و اطمینان بیش از حد مدیران با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های چینی مورد بررسی قرار گرفته است. شواهد تجری نشان‌دهنده این بوده که اطمینان کمتر نسبت به سرمایه‌گذاری بیش از حد را افزایش می‌دهد و اطمینان بیش از حد مدیریتی نیز این تأثیر را تشدید می‌کند. تجزیه و تحلیل‌های بیشتر نشان داد که سرمایه‌گذاری بیش از حد در واحدهای تجاری با مالکیت دولت اصولاً از اطمینان بیش از حد مدیران ناشی می‌شود و ارتباط منفی بین عدم اطمینان تورم و سرمایه‌گذاری بیش از حد به علت اطمینان بیش از حد مدیران است. به علاوه تأثیرهای نامتقارن از عدم اطمینان تورم بر سرمایه‌گذاری بیش از حد شرکت در طول چرخه‌های اقتصادی متفاوت مشاهده شد.

کنت و هرشلیفر (۲۰۱۵)، به بررسی سرمایه‌گذاران فرا اعتمادی، بازگشت پیش‌بینی پذیر و تجارت بیش از حد پرداختند. در چند دهه گذشته شاهد تغییر یک پارادایم کاملاً منطقی از بازارهای مالی بوده‌ایم که در آن، رفتار سرمایه‌گذار تحت تأثیر سوگیری‌های روان‌شناختی قرار می‌گیرد. به طور خاص بازارهای سرمایه، حجم بالای معاملات را نشان می‌دهد. افراد و مدیران به شدت تجارت می‌کنند، حتی با وجود ریسک بالا و بازده پایین. در این پژوهش به نقش اعتماد کاذب برای توضیح الگوی پیش‌بینی پذیری قیمت دارایی‌ها توجه شده است.

۷. متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

در این پژوهش متغیرهای مستقل زیان‌گریزی و اعتماد بیش از اندازه سرمایه‌گذاران می‌باشد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۸۷

زیان‌گریزی: برای اندازه‌گیری زیان‌گریزی با توجه به تحقیق احمد و بودینیا (۲۰۱۸)، از تغییر در درصد حجم معاملات استفاده می‌گردد.

تغییر در درصد حجم معاملات بازار: حجم معاملات عبارت است از تعداد معاملات خرید و فروش که در بازه زمانی مشخص انجام می‌شود. حجم معاملات می‌تواند به عنوان ابزار دیگری برای تشخیص آنچه در بازار اتفاق می‌افتد، و بویژه آنچه در الگوها اتفاق می‌افتد، به کار رود. همچنین حجم عبارت است از تعداد سهام و یا قراردادهایی که در یک دوره زمانی معین، معمولاً یک‌روزه، معامله می‌شوند. هر چه حجم بالاتر باشد، سهام فعال‌تر خواهد بود. حجم یکی از جنبه‌های مهم تحلیل فنی است؛ چون برای تأیید روندها و الگوهای نموداری به کار می‌رود. یک حرکت قیمت به سمت بالا و یا پایین با حجم نسبتاً بالا، در مقایسه با یک حرکت مشابه با حجم اندک، به عنوان یک حرکت قوی‌تر و مرتبط‌تر دیده می‌شود.

اطمینان بیش از اندازه سرمایه‌گذاران

برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از اندازه سرمایه‌گذاران با توجه به تحقیق احمد و بودینیا (۲۰۱۸) از روش زیر استفاده می‌گردد: برای محاسبه اطمینان بیش از اندازه سرمایه‌گذاران از میزان تغییرات درصد مالکیت سهامداران عمده در شرکت‌های سهامی استفاده می‌گردد که با توجه به تحقیق مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) به تأیید رسیده است.

متغیر وابسته

عملکرد شرکت می‌باشد که از دو متغیر نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری مورد اندازه‌گیری می‌باشد که به شرح زیر بیان می‌گردد:

بازده حقوق صاحبان سهام: میزان کارایی یک شرکت، در خلق سود خالص برای سهامداران را بررسی می‌کند. در واقع این نسبت بیان می‌کند که بنگاه اقتصادی به ازای هر یک واحد سرمایه‌گذاری سهامداران، به چه میزان سود خالص برای آنها کسب می‌کند. از میان پارامترهای

بنیادی یکی از مهم‌ترین نسبت‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام است. این نسبت گویای مدیریت شرکت در استفاده کارآ از پول سرمایه‌گذاران است. بازده حقوق صاحبان سهام نشان می‌دهد که مدیریت شرکت به افزایش ارزش شرکت به صورت قابل قبول قادر بوده است یا نه. بازده حقوق صاحبان سهام به صورت زیر محاسبه می‌شود:

ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام / سود خالص = بازده حقوق صاحبان سهام.

نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری

از این نسبت برای مقایسه ارزش بازار یک سهم با ارزش دفتری آن سهم استفاده می‌شود. پی/بی از طریق تقسیم قیمت بسته شدن روز یک سهم به ارزش دفتری سه ماهه (به سه ماهه) <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA> شرکت، به ازای هر سهم محاسبه می‌شود که همچنین به نسبت قیمت به سرمایه نیز معروف می‌باشد. مقدار پایین این نسبت می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که سهم زیر ارزش ذاتی قرار دارد؛ همچنین به این معنا می‌تواند باشد که مشکل بنیادی در شرکت وجود دارد.

نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری

نسبت قیمت سهام بازاری شرکت به ارزش دفتری سهام شرکت معیار جدیدی به دست می‌دهد که بر اساس آن دریافت سهام چند برابر ارزش دفتری آن مورد معامله قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت

برای سنجش اندازه شرکت از معیارهای متفاوتی از قبیل ارزش بازار، فروش و مجموع دارایی‌های شرکت و همچنین تعداد کارکنان شرکت استفاده می‌شود. استفاده از ارزش بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و به دلیل وجود شرایط تورمی اقتصاد ایران و نامربوط بودن ارقام دارایی‌ها بر اساس ارزش‌های تاریخی، دارای مزیت است. با وجود

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۸۹

این، به دلیل وجود وقفه‌های معاملاتی طولانی مدت یا اندک بودن حجم مبادلات انجام شده بر روی سهام بسیاری از شرکت‌های مورد بررسی، کاربرد معیار مذکور از قابلیت اتکای کافی برخوردار نمی‌باشد و در صورت انتخاب این معیار به عنوان شاخص اندازه شرکت، لازم است محدودیت دیگری برای انتخاب نمونه اضافه شود که این موضوع، کاهش تعداد اعضای نمونه و در نتیجه کاهش تعمیم‌پذیری پژوهش را در پی خواهد داشت. افزون بر این، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که بورس اوراق بهادار تهران حتی در سطح ضعیف کارا نیست (نمازی، ۱۳۸۲). بنابراین، به احتمال قوی، قیمت‌ها منعکس‌کننده کلیه اطلاعات عمومی و حتی گذشته نمی‌باشد. در نتیجه، استفاده از معیار ارزش بازار به عنوان اندازه شرکت، از قابلیت اتکای کافی برخوردار نیست.

استفاده از معیار فروش نیز نسبت به معیار مجموع دارایی‌ها مزیت دارد؛ زیرا رقم فروش نسبت به مجموع دارایی‌ها مربوط است و معمولاً با افزایش تورم، فروش نیز افزایش می‌یابد؛ ولی مبلغ دارایی‌های قبلاً تحصیل شده، تغییر نمی‌کند. اگر چه مجموع کل دارایی‌ها شاخص مناسبی برای اندازه شرکت محسوب می‌شود؛ اما با توجه به میزان تورم در ایران به نظر می‌رسد مجموع فروش سالانه شرکت شاخص مناسب‌تری برای اندازه شرکت باشد. افزون بر این، معیار فروش در پژوهش‌های متعددی از قبیل کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۹) نیز به عنوان اندازه شرکت در نظر گرفته شده است. بنابراین، در پژوهش حاضر، از لگاریتم طبیعی فروش برای سنجش اندازه شرکت استفاده می‌گردد. اطلاعات اندازه شرکت از صورت‌های مالی انتشار یافته شرکت‌های سهامی استخراج می‌گردد.

۸. مدل تحقیق

در این پژوهش بر مبنای مدل زیر نقش هریک از متغیرها (ارتباط ارزشی هریک از متغیرهای مزبور) مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به تحقیق احمد و بودینیا (۲۰۱۸)، مدل های رگرسیونی برای آزمون فرضیه ها به شرح زیر بیان می گردند.

مدل اول برای فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی اول و فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی دوم تحقیق مدل:

$$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 LA_{it} + \beta_2 OC_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_5 NE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن β_0 ، عرض از مبدا؛ ROE_{it} ، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام i در سال t ؛ LA_{it} ؛ زیان گریزی i در سال t ؛ OC_{it} ، اطمینان بیش از اندازه سرمایه گذاران i در سال t ؛ $SIZE_{it}$ ، اندازه شرکت i در سال t ؛ NE_{it} ، سود خالص شرکت i در سال t ؛

مدل دوم برای فرضیه های فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی اول و فرضیه فرعی دوم از فرضیه

اصلی دوم تحقیق:

$$PBVi_{it} = \beta_0 + \beta_1 LA_{it} + \beta_2 OC_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_5 NE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن β_0 ، عرض از مبدا؛ $PBVi_{it}$ ، نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری سهام شرکت i در سال t ؛ LA_{it} ؛ زیان گریزی i در سال t ؛ OC_{it} ، اطمینان بیش از اندازه سرمایه گذاران i در سال t ؛ $SIZE_{it}$ ، اندازه شرکت i در سال t ؛ NE_{it} ، سود خالص شرکت i در سال t ؛

۹. یافته های پژوهش

در روش های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی، نظیر شاخص های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده های تحقیق پرداخته شود، تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. جدول زیر شامل آمار توصیفی برای همه متغیرهای به کاررفته در تحقیق می باشد. داده های مورد نظر ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۹۱

مربوط است، که دوره‌های زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ را در بر گرفته است. در بخش اول مهم‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر دهی تحقیق ارائه شده است. از بین شاخص‌های مرکزی، میانگین و از شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار متغیره استفاده شده است. علاوه بر این، برای هر متغیر ماکزیمم و مینیمم ارائه شده است. این شاخص‌ها در جدول ۱ ارائه شده‌اند. ارقام این جدول به کمک نرم‌افزار Excel و stata نسخه ۱۲ محاسبه شده‌اند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی

متغیر	علامت اختصاری	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
نسبت قیمت به ارزش دفتری	PBV	۰.۳۶	۱۹.۰۸	۵.۶۷	۷.۶۹
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	-۰.۲۲	۰.۶۸	۰.۲۷	۰.۳۱
زیان‌گریزی	LA	۰.۰۱	۰.۱۹	۰.۱۱	۰.۰۶
اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار	OC	۰.۰۰۲	۰.۴۳	۰.۱۸	۰.۱۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۰.۵۰	۱۸.۵۴	۱۳.۶۷	۰.۴۵
سود خالص	NE	۰.۰۲	۱.۰۷	۰.۶۸	۰.۳۵

آزمون‌های فرضیه اول

آزمون F لیمر

آزمون F لیمر برای تعیین به کارگیری فرضیه آثار ثابت در مقابل تلفیق داده‌ها انجام گرفته و این آزمون مشخص کننده فرضیه اثرات ثابت یا فرضیه تلفیقی می‌باشد اگر سطح معناداری این آزمون کمتر از ۵ درصد باشد، گویای این است که از فرضیه اثرات ثابت و اگر بیشتر از ۵ درصد باشد از فرضیه تلفیقی استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است.

H_0 : فرضیه تلفیقی است.

H_1 : فرضیه اثرات ثابت است.

جدول ۲. آزمون F لیمر

فرضیه	آزمون آثار	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
	F	۳۱.۴۶	۰.۰۰۰	اثرات ثابت

نتایج این آزمون نشان می دهد که مقدار سطح معناداری فرضیه ها زیر ۵ درصد است. بنابراین، فرض H_0 (فرضیه تلفیقی) تأیید نمی شود.

آزمون هاسمن

آزمون هاسمن، برای تعیین استفاده از فرضیه اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی انجام می شود. آزمون هاسمن بر پایه وجود یا عدم ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل فرضیه شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، فرضیه اثر ثابت و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، فرضیه اثر تصادفی کاربرد خواهد داشت.

H_0 : فرضیه با اثرات تصادفی است؛

H_1 : فرضیه با اثرات ثابت است؛

جدول ۳. آزمون هاسمن

فرضیه	خلاصه آزمون	آماره کای اسکوتر	معناداری	نتیجه آزمون
	دوره تصادفی	۳۴.۳۷	۰.۰۰۰	فرضیه آثار ثابت

همان طور که از نتایج نگاره مشهود است، مقدار معناداری برای فرضیه تحقیق از ۵ درصد کمتر است. بنابراین، فرضیه یک آثار ثابت تأیید می شود. این موضوع به معنای عدم ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج از روش پنل دیتا برای آزمون فرضیه ها استفاده می گردد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت $\diamond 93$

آزمون فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی اول

H0: بین زیان‌گریزی و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود ندارد.

H1: بین زیان‌گریزی و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج جدول نشان‌دهنده بهینه بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. آماره $f(95.63)$ و سطح معناداری (0.000) مؤید معنادار بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده 0.49 می‌باشد. متغیر زیان‌گریزی به عنوان متغیر مستقل، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اندازه شرکت، سود خالص به عنوان متغیرهای کنترلی در تحقیق شناخته می‌شوند. متغیر زیان‌گریزی با توجه به سطح معناداری 0.007 با متغیر نسبت بازده حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معکوس دارد. بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سود خالص با نسبت بازده حقوق صاحبان سهام رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه بین زیان‌گریزی و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط منفی و معناداری دارد، فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی اول پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. مفهوم معناداری در همبستگی این است که آیا همبستگی به دست آمده بین دو متغیر را می‌توان شانس و تصادفی دانست یا واقعاً بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد بدست آمده معنادار است یا خیر، از خود عدد به دست آمده با اهمیت‌تر است. ضریب همبستگی را با R نشان می‌دهند. با به توان دو رساندن ضریب همبستگی، مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر به دست می‌آید. ضریب تعیین نشان می‌دهد که چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. این ضریب در رگرسیون کاربرد فراوانی دارد که بر اساس نتیجه این فرضیه ضریب تعیین این تحقیق 0.49 می‌باشد.

آزمون فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی دوم

H0: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام شرکت در شرکت های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود ندارد.

H1: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام شرکت در شرکت های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج جدول نشان دهنده بهینه بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. آماره 95.634 و سطح معناداری (0.000) مؤید معنادار بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده 0.49 می باشد. متغیر اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار به عنوان متغیر مستقل، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اندازه شرکت، سود خالص به عنوان متغیرهای کنترلی در تحقیق شناخته می شوند. متغیر اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار با توجه به سطح معناداری 0.143 با متغیر نسبت بازده حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معکوس دارد. بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سود خالص با نسبت بازده حقوق صاحبان سهام رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه گذار و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط منفی و معناداری دارد. فرضیه فرعی اول از فرضیه اصلی دوم پژوهش مورد تأیید واقع می شود. مفهوم معناداری در همبستگی این است که آیا همبستگی بدست آمده بین دو متغیر را می توان شانس و تصادفی دانست یا واقعاً بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد به دست آمده معنادار است یا خیر، از خود عدد به دست آمده با اهمیت تر است. ضریب همبستگی را با R نشان می دهند. با به توان دو رساندن ضریب همبستگی، مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر به دست می آید. ضریب تعیین نشان می دهد که چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می شود. این ضریب در رگرسیون کاربرد زیادی دارد. که بر اساس نتیجه این فرضیه ضریب تعیین این تحقیق 0.49 می باشد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۹۵

جدول ۴. آزمون مدل اول

$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 LA_{it} + \beta_2 OC_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 NE_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
زیان‌گریزی	LA	-۰.۱۰۹	-۲.۹۹	۰.۰۰۷
اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار	OC	-۰.۰۱۷	-۱.۵۲	۰.۱۴۳
اندازه شرکت	SIZE	۰.۱۵۳	۲.۶۹	۰.۰۱۸
سود خالص	NE	۰.۲۷	۳.۶۹	۰.۰۰۰
عرض از مبدا	β_1	-۰.۱۶	-۱.۴۲	۰.۱۶۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۹	آماره f	۹۵.۶۳
			سطح معناداری	۰.۰۰۰
آزمون دوربین واتسون		۲.۰۸		

آزمون‌های فرضیه دوم

آزمون F لیمر

آزمون F لیمر برای تعیین به کارگیری فرضیه آثار ثابت در مقابل تلفیق داده‌ها انجام گرفته و این آزمون مشخص‌کننده فرضیه اثرات ثابت یا فرضیه تلفیقی می‌باشد. اگر سطح معناداری این آزمون از ۵ درصد کمتر باشد، نمایانگر این است که از فرضیه اثرات ثابت و اگر از ۵ درصد بیشتر باشد از فرضیه تلفیقی استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است.

H0: فرضیه تلفیقی است؛

H1: فرضیه اثرات ثابت است.

جدول ۵. آزمون F لیمر

فرضیه	آزمون آثار	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
	F	۳۹.۳۴	۰.۰۰۰	اثرات ثابت

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که مقدار سطح معناداری فرضیه‌ها زیر ۵ درصد است. بنابراین، فرض H_0 (فرضیه تلفیقی) تأیید نمی‌شود.

آزمون هاسمن

آزمون هاسمن، برای تعیین استفاده از فرضیه اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی انجام می‌شود. آزمون هاسمن بر پایه وجود یا عدم ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل فرضیه شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، فرضیه اثر ثابت و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد، فرضیه اثر تصادفی کاربرد خواهد داشت.

H_0 : فرضیه با اثرات تصادفی است؛

H_1 : فرضیه با اثرات ثابت است.

جدول ۶. آزمون هاسمن

فرضیه	خلاصه آزمون	آماره کای اسکوتر	معناداری	نتیجه آزمون
	دوره تصادفی	۱۹.۲۵	۰.۰۰۰	فرضیه آثار ثابت

همان‌طور که از نتایج مشهود است، مقدار معناداری برای فرضیه تحقیق از ۵ درصد بیشتر است. بنابراین، فرضیه یک فرضیه آثار ثابت تأیید می‌شود. این موضوع به معنی عدم ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج، از روش پنل دیتا برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌گردد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۹۷

آزمون فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی اول

H0: بین بین زیان‌گریزی و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود ندارد.

H1: بین بین زیان‌گریزی و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج جدول نشان دهنده بهینه بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. آماره $f(۹۵.۶۳)$ و سطح معناداری (۰.۰۰۰) مؤید معنادار بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰.۴۹ می‌باشد. متغیر زیان‌گریزی به عنوان متغیر مستقل، نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اندازه شرکت، سود خالص به عنوان متغیرهای کنترلی در تحقیق شناخته می‌شوند. متغیر زیان‌گریزی با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۷ با نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت رابطه منفی و معناداری دارد. بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سود خالص با نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه زیان‌گریزی و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی دوم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. مفهوم معنی داری در همبستگی این است آیا همبستگی بدست آمده بین دو متغیر را می‌توان شانس و تصادفی دانست یا واقعا بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد بدست آمده معنی دار است یا خیر، از خود عدد بدست آمده با اهمیت‌تر است. ضریب همبستگی را با R نشان می‌دهند. با به توان دو رساندن ضریب همبستگی، مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر بدست می‌آید. ضریب تعیین نشان می‌دهد که چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. این ضریب در رگرسیون کاربرد زیادی دارد. که بر اساس نتیجه این فرضیه ضریب تعیین این تحقیق ۰.۴۹ می‌باشد.

آزمون فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی دوم

H0: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود ندارد.

H1: بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران ارتباط معناداری وجود دارد.

نتایج جدول نشان‌دهنده بهینه بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. آماره $t(95.63)$ و سطح معناداری (0.000) مؤید معنادار بودن فرضیه برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده 0.49 می‌باشد. متغیر بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار به عنوان متغیر مستقل، نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اندازه شرکت، سود خالص به عنوان متغیرهای کنترلی در تحقیق شناخته می‌شوند. متغیر بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با توجه به سطح معناداری (0.143) با نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت رابطه معناداری ندارد. بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، سود خالص با نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه بین بین اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار و نسبت قیمت بازار سهام به ارزش دفتری شرکت ارتباط معناداری وجود ندارد، فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی دوم پژوهش مورد تأیید واقع نمی‌شود. مفهوم معناداری در همبستگی این است که آیا همبستگی بدست آمده بین دو متغیر را می‌توان شانس و تصادفی دانست یا واقعاً بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد به دست آمده معنادار است یا خیر، از خود عدد به دست آمده با اهمیت تر است. ضریب همبستگی را با R نشان می‌دهند. با به توان دو رساندن ضریب همبستگی، مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر به دست می‌آید. ضریب تعیین نشان می‌دهد که چند درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. این ضریب در رگرسیون کاربرد زیادی دارد. که بر اساس نتیجه این فرضیه ضریب تعیین این تحقیق 0.49 می‌باشد.

♦..... ارتباط بین زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار با عملکرد شرکت ◇ ۹۹

جدول ۷. آزمون مدل دوم

$PBV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LA_{i,t} + \beta_2 OC_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 NE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
زیان‌گریزی	LA	-۰.۱۰۹	-۲.۹۹	۰.۰۰۷
اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار	OC	-۰.۰۱۷	-۱.۵۲	۰.۱۴۳
اندازه شرکت	SIZE	۰.۱۵۳	۲.۶۹	۰.۰۱۸
سود خالص	NE	۰.۲۷	۳.۶۹	۰.۰۰۰
عرض از مبدا	β_1	-۰.۱۶	-۱.۴۲	۰.۱۶۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۴۹	آماره f	۹۵.۶۳
			سطح معنی داری	۰.۰۰۰
آزمون دوربین واتسون		۲.۰۸		

۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیرگذاری زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر عملکرد پرداخته شده است. با توجه به اینکه عملکرد شرکت از دو روش استفاده شده است هر کدام از متغیرهای زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر هر دو روش عملکرد مورد آزمون قرار گرفتند که با توجه به آزمون‌های انجام شده نتایج بیانگر این می‌باشد که زیان‌گریزی و اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر هر دو روش عملکرد، یعنی نسبت بازده دارایی و نسبت کیوتوبین تأثیر منفی و معناداری دارد که با توجه به مطالعات گذشته مانند کانمن و تورونکی (۱۹۷۹)، زیان‌گریزی به عنوان یک تعصب بی‌جا برای سرمایه‌گذار دلیلی بر کاهش عملکرد آن شرکت می‌گردد.

با توجه به نتایج فرضیه اول، اینکه زیان‌گریزی بر عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تأثیر معناداری دارد. بنابراین، با توجه به تأثیر منفی زیان‌گریزی بر عملکرد شرکت، بر همین اساس به مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران برای سرمایه‌گذاری به تأثیر منفی زیان‌گریزی بر عملکرد شرکت توجه کنند. و بتواند معیاری مناسب برای تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در شرکت گردد. همچنین برای افزایش اطلاعات سود حسابداری برای مشارکت‌کننده در بازار سرمایه با ارزش است. همچنین با وجود زیان‌گریزی پایین می‌توان سرمایه‌گذاران را به سمت بازدهی بیشتر سوق داد و در نتیجه عملکرد شرکت افزایش می‌یابد، همچنین به سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در بورس پیشنهاد می‌گردد به تأثیر منفی و معنادار زیان‌گریزی بر عملکرد شرکت را در نظر بگیرند تا از این طریق بتواند به بازده مورد نظر خود دست یابند.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش، اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران تأثیر معناداری دارد. بنابراین، با توجه به تأثیر منفی اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر عملکرد شرکت، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در انتخاب سهام برای خرید و سرمایه‌گذاری به مسئله اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار که از طریق نوسانات بازده بازار محاسبه می‌گردد، توجه داشته باشند؛ چرا که با توجه به نتیجه فرضیه احتمال کاهش عملکرد شرکت در این شرکت‌های بیشتر می‌باشد. همچنین برای افزایش اطلاعات سود حسابداری برای مشارکت‌کننده در بازار سرمایه با ارزش است. تعیین تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر عملکرد شرکت از سوی تحلیل‌گران مالی و همچنین ارزیابی کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها توسط آنها، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و کارایی بازار سرمایه را بهبود بخشد. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که در زمینه استفاده از اطلاعات در امر تصمیم‌گیری به تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد سرمایه‌گذار بر عملکرد شرکت توجه داشته باشند.

منابع

۱. احمدی، محمدرمضان، قلمبر، محمد حسین، درسه، سید صابر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۹۳-۱۲۴.
۲. پورکناری، محمد علی، مصطفی؛ محراب ریسیان و فهیمه شمسی، ۸۲۹۱، تأثیر حباب قیمتی و تمایلات زیان‌گریزی سهامداران بر ارزش غیربنیادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *نشریه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*.
۳. جلیلوند، ابوالحسن، رستمی نوروزآباد، مجتبی، رحمانی، سامان. (۱۳۹۵). شواهد اخیر از رفتار سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران: شواهد اولیه و بینش آینده. *تحقیقات مالی* ۱۸(۱)، ۹۵-۱۲۵.
۴. حامدی، سحر و فاطمه صراف، ۱۳۹۶، ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر با عملکرد مالی و اقتصادی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی*، تهران، دانشگاه علامه مجلسی.
۵. شهابی راد، احتشام، فغانی ماکرانی، خسرو، ذبیحی، علی. (۱۴۰۱). ارائه مدلی به منظور شناسایی تأثیر هوش معنوی بر هوش هیجانی و نقش آن در کنترل سوگیری‌های رفتاری (مبتنی بر خطای هاله‌ای) و نقش آن بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۱(۴۲)، ۶۵۹-۶۸۳.
۶. طلعتی سابق، توحید و علی اکبر طلعتی سابق، ۱۳۹۷، بررسی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و سرمایه‌گذاری بیش از حد با تأکید بر استقلال هیئت مدیره، *دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، تهران.

۷. قنبرلو، فاطمه؛ محمد مرفوع و سعیده کاظم لو، ۸۲۹۲، تأثیر هوش معنوی بر تورش رفتاری زیان‌گریزی در سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی،
۸. موسوی، سیدمرتضی، آقابابائی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۶). تأثیر اطمینان بیش از حد بر رفتار سرمایه‌گذاران: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۰(۳۴)، ۲۵-۳۷.

۹. نمازی محمد، ۱۳۸۱، بررسی کاربردهای نظریه نمایندگی در حسابداری مدیریت، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱۳، ۱۱۷-۱۶۱.

10. Ahmed Bouteska, Boutheina Regaieg, (2018) "Loss aversion, overconfidence of investors and their impact on market performance evidence from the US stock markets", Journal of Economics, Finance and Administrative Science, <https://doi.org/10.1108/JEFAS-07-20170081>.
11. Bouwman, C. (2014). Managerial Optimism and Earnings Smoothing. Journal of Banking & Finance, 41: 283-303.
12. Barberis, N., Huang, M. and Santos, T. (2001), "Prospect theory and asset prices", Quarterly Journal of Economics, Vol. 116 No. 1, pp. 153.
13. Benartzi, S. and Thaler, R.H. (1995), "Myopic loss aversion and the equity premium puzzle", Quarterly Journal of Economics, Vol. 110 No. 1, pp. 73-92.
14. Clarke, R.G. and Statman, M. (1998), "Bullish or bearish?", Financial Analysts Journal, Vol. 54 No. 3, pp. 63-08
15. christofer,mercle(2017),financial overconfidence over time,Journal of banking and finance volume 84,november2017,page 68-.78
- 15- Chuang, W.I. & Lee, B. S. 2006, "An empirical evaluation of the overconfidence hypothesis", Journal of Banking and Finance, vol. 30, pp. 2489-5152

16. Dreman, D., Johnson, S., MacGregor, D. and Slovic, P. (2001), "A report on the march 2001 investor sentiment survey", *Journal of Psychology and Financial Markets*, Vol. 2 No. 3, pp. 126-431
17. De Bondt, W.F.M. and Thaler, R. (1985), "Does the stock market overreact?", *Journal of Finance*, Vol. 40 No. 3, pp. 793-805.
18. Daniel, Kent and David, Hirshleifer (2015), overconfident investors, predictable returns and excessive trading, *Journal of Economic Perspectives* 29(4), 61-88.
19. De Bondt, F.M. & Thaler, R.H. 1995, "Financial decision making in markets and firms: A behavioural perspective", in R. A. Jarrow, V. Maksimovic, and W.T. Ziemba, (ed.), *Handbooks in operations research and management science*, vol. 9, Finance, pp. 385-410
20. Deaves, R. Luders, E. & Luo, G. Y. 2008, "An experimental test of overconfidence and gender on trading activity", *Review of Finance*, ref 023V1.
21. Dhar, R. & Zhu, N. 2002, "Up close and personal: An individual level analysis of the disposition effect", *Yale School of Management Working paper*.
22. Ellsberg, D. (1961), "Risk, ambiguity, and the savage axioms", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 75 No. 4, pp. 643-669.
23. Griffin, J.M. Nardari, F. & Stulz, R.M. 2007, "Do investors trade more when stock have performed well? Evidence from 46 countries", *Review of Financial Studies*, vol. 20, no. 3, pp. 905-951.
24. Hoffmann, A., Post, T. and Pennings, J. (2012), "Individual investor perceptions and behavior during the financial crisis", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 37 No. 1, pp. 60-47
25. Ho, C. and Hung, C. (2009), "Investor sentiment as conditioning information in asset pricing", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 33 No. 5, pp. 892-309
26. Kahneman, D. and Tversky, A. (1979), "Prospect theory: an analysis of decision under risk", *Econometrica*, Vol. 47 No. 2, pp. 263-291.

27. Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *European Financial Management*, 11 (5): 649-659.
28. Paisarn, Wilaiporn; Chancharat, Nongnit; and Chancharat, Surachai, (2021), Factors Influencing Retail Investors' Trading Behaviour in the Thai Stock Market, *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 15(2).
29. Pompian, M. (2006). *Behavioral Finance and Wealth Management*, translated by: Ahmad Badri, Kayhan Publishing.
30. Pisedtasalasai, A. & Gunasekarage, A. 2006, "The casual and dynamic relationship between stock returns and trading volume: Evidence from emerging markets in South-East Asia", working paper (www.ssrn.com).
31. Rephael, A., Kandel, S. and Wohl, A. (2012), "Measuring investor sentiment with mutual fund flows", *Journal of Financial Economics*, Vol. 104 No. 2, pp. 363-382.
32. Solt, M.E. and Statman, M. (1988), "How useful is the sentiment index?", *Financial Analysts Journal*, Vol. 44 No. 5, pp. 45-56.
33. Shiller, R.J. (1998), "Human behavior and the efficiency of financial system", *Handbook of Macroeconomics*, Vol. 1 No. 20, pp. 1305-1431.
34. Shu, H. (2010), "Investor mood and financial markets", *Journal of Economic Behavior and Organization*, Vol. 76 No. 2, pp. 267-282.
35. Thaler, R.H. and Johnson, E.J. (1990), "Gambling with the house money and trying to break even: effects of prior outcomes on risky choice", *Management Science*, Vol. 36 No. 6, pp. 643-660.
36. Wang Yizhong a, Carl R. Chen b, Lifang Chen c, Ying Sophie
36. Huang (2016) "Overinvestment, inflation uncertainty, and managerial overconfidence: Firm level analysis of Chinese corporations" *North American Journal of Economics and Finance* 38 (2016) 54-69.

پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از افشای گزارش حسابرسی

□ □ □

فاطمه امامیان^۱؛ مهدی فغانی^۲

چکیده

با وجود علاقه روزافزون به مطالعه درباره ورشکستگی سازمان، اکثر تحقیقات گذشته از نسبت‌های مالی و روش تجزیه و تحلیل بنیادین برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها استفاده می‌کنند؛ اما از آن‌جا که امکان دستکاری این نسبت‌ها توسط مدیریت وجود دارد، مطالعه روش‌های دیگر ورشکستگی که مبتنی بر اطلاعات گزارش حسابرسی باشد، ضروری به نظر می‌رسد. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر افشای اطلاعات گزارش حسابرسی به پیش‌بینی ورشکستگی می‌باشد. با استفاده از یک نمونه ترکیبی از شرکت‌های ورشکسته و غیرورشکسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اطلاعات مورد نیاز از نمونه انتخابی شامل ۱۵۰ شرکت از ۲۶ صنعت برای دوره زمانی ۸ ساله، جمع‌آوری و مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفته است. نتایج برآورد کلی مدل اسپرینگیت، نشان داد که افشای گزارش حسابرسی به طور قابل توجهی توانایی پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها را دارد. همچنین افشای عوامل خارجی و داخلی ذکر شده در گزارش حسابرسی به ارزیابی پیش‌بینی ورشکستگی کمک می‌کند. بنابراین، مدیران، حساب‌رسان، تنظیم‌کنندگان و سایر استفاده‌کنندگان، می‌توانند گزارش حسابرسی را با عنوان ابزار مفیدی برای پیش‌بینی ورشکستگی در نظر بگیرند.

واژه‌گان کلیدی: پیش‌بینی، ورشکستگی، گزارش حسابرسی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.

۲. مدرس دانشگاه و مدیر گروه و دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان.

۱. مقدمه

شرکت ها با توجه به تغییرات تکنولوژی، شرایط اقتصادی و... ممکن است دچار ورشکستگی شوند. ارائه مدل های مختلف برای پیش بینی ورشکستگی از جمله موارد اهمیت یافتن این موضوع در مدیریت مالی است. سرمایه گذاران بنگاه های اقتصادی و مدیران شرکت ها علاقه مند هستند قبل از وقوع ورشکستگی از آن آگاهی یافته و برای پیشگیری برنامه ریزی و مدیریت کنند. مسئله در ماندگی مالی و ورشکستگی شرکت ها همواره مشکلی بغرنج و درخور تأمل برای بنگاه های اقتصادی بوده است. به دلیل اهمیت این موضوع اندیشمندان حسابداری و مالی در سراسر دنیا به فکر یافتن روش هایی برای پیش بینی ورشکستگی مالی شرکت ها هستند. وضع نامطلوب مالی شرکت باعث زیان برای قشرهای مختلف جامعه و به خصوص سرمایه گذاران می گردد. از آن جا که ورشکستگی هزینه های اقتصادی و اجتماعی سنگینی را بر جامعه تحمیل می کند، از دیدگاه کلان نیز مورد توجه و اهمیت قرار می گیرد.

وجود اطلاعات مالی قابل اتکا، یکی از لازمه های بشر برای پیشرفت و تولید علم است. هدف از تهیه و ارائه اطلاعات مالی و حسابداری، فراهم کردن مبنای تصمیم گیری مالی و اقتصادی است. از آن جا که حسابرسی جزء لاینفکی از فرآیند گزارشگری مالی است که با ایفای نقش اعتباردهی به گزارشگری مالی، اشخاص ذینفع را از چگونگی حفاظت از منافع آنها توسط بنگاه اقتصادی آگاه می سازد. بنابراین، حسابرسی یا نظارت مستقل، به دلیل تأثیری که می تواند بر فرآیند تصمیم گیری و همچنین بر ارزش شرکت ها داشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. (نیکخواه آزاد، ۱۳۹۰). گزارش حسابرسی می تواند یک نگاه اول هشدار ورشکستگی باشد؛ چون این سند استاندارد و برای کاربران در دسترس می باشد، آن معرف روش سریع و ساده برای مدیران برای پیش بینی سیگنال های اولیه ورشکستگی شرکت ها برای اجتناب از پیامدهای ورشکستگی می باشد. افشاگری ها در گزارش حسابرسی نظیر، نظرات در مورد ابهام تداوم فعالیت، بایستی به اطلاعات کلیدی پردازد که علت ها یا

♦.....پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از افشای گزارش حسابرسی ◇ ۱۰۷

سوابق رویداد ورشکستگی را شناسایی می‌کند. فرض می‌شود که حساب‌برسان مستقل بوده و وظیفه آنها ارائه اطلاعات گزارش حسابرسی با هر خطر و عدم اطمینان برای حیات شرکت می‌باشد. در این صورت محتوای گزارش‌ها حسابرسی شرکت‌های ورشکسته می‌تواند منبع خوبی برای پیش‌بینی و توضیح علل ورشکستگی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در نظر گرفته شود.

از طرفی استانداردهای حسابرسی مشخص می‌کنند که مسئولیت حساب‌برسان، ارزیابی عدم تداوم فعالیت می‌باشد (پدرروسا و لوپز^۱ - کورالز ۲۰۱۸). از اینرو، حساب‌برسان باید هر شواهدی را در طول فرایندهای حسابرسی در مورد خطر ورشکستگی اعلام کنند و گزارش‌های حسابرسی خود را در صورتی که خطر ورشکستگی بالا باشد تعدیل کنند (مک کی^۲ ۲۰۰۳). گزارش حسابرسی می‌تواند با عنوان هشدار اولیه شکست قریب الوقوع استفاده شود (کاسترلا، لوئیس و واکر^۳ ۲۰۰۰). دادگاه‌ها، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران به این سند به منظور ارزیابی شرکت‌ها در بحران مالی تکیه می‌کنند بنابراین، ذینفعان شرکت‌های ورشکسته باید از خطرهای تداوم فعالیت در زمان تصمیم‌گیری آگاه باشند (گیگر، راقوناندان و راما^۴ ۲۰۰۵). از آنجا که فرایند ورشکستگی ممکن است ۵-۶ سال طول بکشد؛ اما یک پدیده ناگهانی نیست (کورول^۵ ۲۰۱۳). بنابراین، حساب‌برسان می‌توانند سیگنال‌های هشدار اولیه بحران شرکت را شناسایی کرده، و کاربران گزارش حسابرسی می‌توانند برای واکنش نشان دادن در مراحل بعدی آماده شوند.

-
1. Pedrosa&lopez-corrales
 2. Mckee
 3. Casterella,Lewis&Walker
 - 4.Giger,Raghunandan&Rama
 - 5.Korol

با توجه به اهمیت مطالب عنوان شده، هدف اصلی این پژوهش تجزیه و تحلیل محتوای گزارش حسابرسی و تأثیر افشای صورت گرفته در گزارش حسابرسی برای کمک به پیش‌بینی ورشکستگی است که می‌تواند به سهامداران، بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان در ارزیابی این موضوع که آیا شرکت از لحاظ مالی در حال بهبود است یا در آینده با مشکلی مواجه و احتمالاً ورشکسته خواهد شد، کمک کند.

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق

ورشکستگی از مهم‌ترین مشکلات و معضلات شرکت‌هاست و در واقع با اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین هدف هر شرکتی که بقاست گره خورده است (چاریتو و تریجورجیس^۱، ۲۰۰۰). ورشکستگی می‌تواند طیف گسترده‌ای از گروه‌های ذینفع شامل افراد، سازمان‌ها و به طور کلی بخش عمده‌ای از جامعه را تحت شعاع خود قرار دهد. تعیین و تعریف دقیق این گروه‌های ذینفع کار دشواری است؛ اما می‌توان ادعا کرد که مدیریت، سرمایه‌گذاران، بستانکاران، رقبا و نهادهای قانونی بیش از سایرین تحت تأثیر ورشکستگی قرار می‌گیرند. در میان این پنج گروه نیز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، بیشتر از سایر ذینفعان در صورت ورشکستگی متضرر می‌شوند و بر این اساس تمایل بیشتری به پیش‌بینی ورشکستگی دارند (چاوا و جاروو^۲، ۲۰۰۴). ترس و زیان‌های ناشی از ورشکستگی، امر ارزیابی و پیش‌بینی آن را مهم کرده است. ورشکستگی شرکت‌ها، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم قابل توجهی بر سهامداران شرکت‌ها تحمیل می‌کند (وارنر^۳، ۱۹۷۷). بنابراین، نیاز برای پی بردن به ورشکستگی احتمالی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا به تصمیم‌گیری‌های مطلوب‌تری از جانب مدیران و سرمایه‌گذاران در جهت کاهش هزینه‌ها منجر

1.Charitou,A& Trigeorgis,I

2.Chava,S&Jarrow,R

3.Warner,J

می‌گردد (پرماچاندرا و همکاران^۱، ۲۰۰۹). پیش‌بینی ورشکستگی با ارائه هشدارهای لازم می‌تواند مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران را از نسبت به وقوع ورشکستگی هشیار کند و به تشخیص فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری از فرصت‌های نامطلوب سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران منجر گردد؛ اما همه این مطلوبیت‌ها در گرو تحلیل و پیش‌بینی به موقع ورشکستگی است (راوی کومار و راوی^۲، ۲۰۰۷).

در طول دهه‌های گذشته، محققان رشته‌های علوم اجتماعی، از جمله حسابداری، مالی، استراتژی و مطالعات سازمانی، به بررسی موضوع ورشکستگی و علل و نتایج آن پرداختند (لوکاسون^۳، ۲۰۱۶). با وجود تعدادی از مطالعات در زمینه علل ورشکستگی، یکپارچگی این جریان از تحقیق در رشته‌های علوم اجتماعی باید بهبود یابد (آمانکا-آمو^۴، ۲۰۱۶). مطالعات فراوانی در سطح جهانی برای پیش‌بینی ورشکستگی انجام شده است. در ایران هم مطالعاتی در این زمینه، از جمله پیش‌بینی ورشکستگی به کمک مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی و متغیرهای مالی صورت گرفته است. این، در حالی است که مطالعات نشان داده است در دوره وقوع مشکلات مالی، مدیران تلاش می‌کنند تا از تکنیک‌های حسابداری برای دستکاری سود به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان استفاده کنند. این تاکتیک‌ها سبب منحرف‌شدن کیفیت اطلاعات مالی و کاهش توانایی پیش‌بینی ورشکستگی می‌شود. نقش فرآیند حسابرسی شناسایی این چنین فعالیت‌هایی و افشای صحت و درستی صورت‌های مالی سالانه شرکت می‌باشد. در نتیجه افشای حسابرسی اطلاعات با ارزش اضافی را که در نسبت‌های مالی وجود ندارد، تحت پوشش قرار می‌دهد (چایلیا لینگ^۵،

1. Premachandra, I. et al

2. Ravikumar, P & Ravi, V

3. Lucason

4. Amankwah-Amoah

5. Chaiyya lea ling

(۲۰۰۷). در این جا استفاده از یک دیدگاه متفاوت مطرح می‌شود که دیدگاه حساب‌برسان از شرکت‌های ورشکسته است. گزارش حساب‌رسی می‌تواند یک نگاه اول هشدار ورشکستگی باشد؛ چون این سند استاندارد و برای کاربران در دسترس می‌باشد، آن معرف روش سریع و ساده برای مدیران برای پیش‌بینی سیگنال‌های اولیه ورشکستگی شرکت‌ها برای اجتناب از پیامدهای ورشکستگی می‌باشد. افشاگری‌ها در گزارش حساب‌رسی نظیر، نظرات در مورد ابهام تداوم فعالیت، بایستی به اطلاعات کلیدی پردازد که علت‌ها یا سوابق رویداد ورشکستگی را شناسایی می‌کند. فرض می‌شود که حساب‌برسان مستقل بوده و وظیفه آن‌ها ارائه اطلاعات گزارش حساب‌رسی با هر خطر و عدم اطمینان برای حیات شرکت می‌باشد، از طرفی استانداردهای حساب‌رسی مشخص می‌کنند که مسئولیت حساب‌برسان، ارزیابی عدم تداوم فعالیت می‌باشد (پدروسا و لویز^۱ - کورالز ۲۰۱۸). از این رو، حساب‌برسان باید هر شواهدی را در طول فرایندهای حساب‌رسی در مورد خطر ورشکستگی اعلام کنند و گزارش‌های حساب‌رسی خود را در صورتی که خطر ورشکستگی بالا باشد، تعدیل کنند (مک کی^۲ ۲۰۰۳). از آن جا که فرایند ورشکستگی ممکن است ۵-۶ سال طول بکشد؛ یک پدیده ناگهانی نیست (کورول^۳ ۲۰۱۳). بنابراین، حساب‌برسان می‌توانند سیگنال‌های هشدار اولیه بحران شرکت را شناسایی کرده، و کاربران گزارش حساب‌رسی می‌توانند برای واکنش نشان دادن در مراحل بعدی آماده شوند. در این صورت محتوای گزارش‌های حساب‌رسی شرکت‌های ورشکسته می‌تواند منبع خوبی برای پیش‌بینی و توضیح علل ورشکستگی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان در نظر گرفته شود (نورا مونوز - ایزکیوردو^۴، ۲۰۱۸).

1. Pedrosa&lopez-corrales

2. Mckee

3. Korol

4. Izquierdoa Nora Munoz

پیشینه خارجی

مطالعه	یافته‌ها
راگوناندان و سابرامانیام (۲۰۰۳)	متغیرهای صورت‌های مالی اغلب اهمیت کمتری نسبت به اطلاعات بازار در پیش‌بینی ورشکستگی‌ها دارند. حساب‌رسان می‌توانند عملکرد خودشان را از طریق افزایش وزن اطلاعات بازار بهبود ببخشند.
آلتمن و همکاران (۲۰۱۰)	شرکت‌های حسابرسی شده از شانس بالاتری نسبت به شرکت‌های حسابرسی نشده، برای شناسایی ورشکستگی‌ها دارا هستند.
ونپرس و چان (۲۰۱۴)	اختلاف بین شرکت‌های ورشکسته و موفق می‌تواند با استفاده از ترکیب نسبت‌های حسابداری و داده‌های حسابرسی شناسایی شوند.
لوپز کرالز و همکاران (۲۰۱۷)	بحران مالی که شرکت‌های اسپانیایی را تحت تأثیر قرار داده بود، اگر مورد توجه متخصصان حسابرسی قرار می‌گرفت، قابل پیش‌بینی بود.
نورامونوز و همکاران (۲۰۱۸)	گزارش حسابرسی به طور قابل توجهی علل شکست کسب و کار را بیان می‌کند و این یافته‌ها مطابق با نتایج مطالعاتی هستند که دیدگاه‌های جبری و ارادی را در بررسی ورشکستگی شرکت‌ها ادغام می‌کنند.
نورامونوز و همکاران (۲۰۱۹)	استفاده از گزارش حسابرسی برای تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی ورشکستگی مؤثر است؛ زیرا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی با کمک این روش نیازی به داشتن تخصص در زمینه‌های حسابداری و حسابرسی ندارند.

پیشینه داخلی

مطالعه	یافته‌ها
شوروزی (۱۳۹۰)	متغیرهای مالی به صورت توأم و اظهارنظر حسابرسان مستقل، هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره مالی آتی را دارند؛ اما اظهارنظر حسابرسان مستقل دارای برتری معناداری نسبت به متغیرهای مالی بود.
غیاثی‌نیا (۱۳۹۲)	از آن‌جا که امکان دستکاری نسبت‌های مالی توسط مدیریت وجود دارد، استفاده از مقیاس‌های حسابرسانی علاوه بر نسبت‌های مالی در پیش‌بینی ورشکستگی، ضروری به نظر می‌رسد.
اسدی (۱۳۹۴)	اظهارنظر حسابرسان مستقل و درصد تغییرات اقلام صورت جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره مالی آتی را دارند
میرزااحسینی‌نژاد (۱۳۹۴)	شرکت‌های ورشکسته از سه سال قبل از ورشکستگی، به طور معناداری احتمال وقوع بالاتری برای دریافت اظهارنظر غیرمقبول را تجربه می‌کنند.
متین و همکاران (۱۳۹۶)	میان برخی متغیرهای مالی و غیرمالی رابطه مستقیم و معناداری با احتمال ورشکستگی وجود دارد و برای برخی متغیرهای دیگر این رابطه برقرار نیست

فرضیات تحقیق

۱. افشای گزارش حسابرسانی توانایی پیش‌بینی و ارزیابی علل ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را دارد.
۲. عوامل داخلی افشا در گزارش حسابرسانی به پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کمک می‌کند.
۳. عوامل خارجی افشا در گزارش حسابرسانی به پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کمک می‌کند.

۳. روش تحقیق

۳-۱. جامعه و نمونه آماری

از آن‌جا که اطلاعات مورد نیاز این تحقیق همانند گزارش حسابرسان مستقل، متغیرهای مالی و سایر متغیرهای از گزارش‌های هیئت مدیره برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در دسترس بوده و اطلاعات آن‌ها از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردار است.

جامعه مورد مطالعه، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که اطلاعات مربوط به آنها از سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ الی پایان سال مالی ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ در دسترس می‌باشد.

از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که شرایط زیر را دارا باشند.

✓ به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به اسفندماه باشد. علت انتخاب این معیار این است که تا حد امکان دوره‌های زمانی مشابه باشند و شرایط و عوامل فصلی در انتخاب عوامل و متغیرها اثرگذار نباشد.

✓ شرکت‌های نمونه جزء شرکت‌های ذیل نباشد؛ سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، چند رشته‌ای صنعتی، انبوه‌سازی املاک و مستغلات، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری؛ زیرا زمینه فعالیت و همچنین ساختار صورت‌های مالی چنین شرکت‌هایی در مقایسه با شرکت‌های تولیدی متفاوت است.

✓ اطلاعات زیر برای هر سال شرکت موجود باشد:

ترازنامه، صورت سود و زیان و گزارش حسابرسان برای سال^t

✓ جزو شرکت‌هایی باشند که نماد معاملاتی ایشان متوقف نشده باشد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق به روش حذف سامانمند می‌باشد. با توجه به موارد مذکور

در خصوص انتخاب شرکت‌ها و با توجه به اطلاعات در دسترس، از ۵۴۰ مشاهده جامعه مورد

مطالعه، نمونه انتخابی شامل ۱۵۰ شرکت برای دوره زمانی ۸ ساله، در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ جمع آوری و مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفته است.

در این پژوهش، داده ها به طریق زیر جمع آوری شده است:

✓ اطلاعات مربوط به مبانی نظری پژوهش، به روش کتابخانه ای و از منابعی مانند مجلات تخصصی فارسی و لاتین و نشریات معتبر بین المللی که به صورت آنلاین در پایگاه های اینترنتی موجود بودند، جمع آوری گردید.

✓ اطلاعات و داده های خام مورد نیاز شرکت ها، به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از طریق مراجعه مستقیم به گزارش های حسابرسان مستقل و صورت های مالی شرکت ها که در نرم افزارهای ره آورد نوین و تدبیر پرداز، و سایت کدال www.codal.ir موجود بود، جمع آوری گردید.

۳-۲. مدل پایه و نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

۳-۲-۱. رگرسیون لجستیک

مدل ما با استفاده از رگرسیون لجستیکی برآورد گردید که متداول ترین روش به کار رفته در ادبیات تحقیق قبلی در ورشکستگی بوده است. مدل حاضر برای دسته بندی نمونه بین شرکت های ورشکسته و موفق، یک سری علت های ورشکستگی تجاری را شناسایی می کند که توسط حسابرس ذکر شده اند.

همان طور که می دانیم، برای انجام تحلیل رگرسیون خطی، متغیر وابسته باید کمی و در سطح سنجش فاصله ای/نسبی باشد. برای این منظور رگرسیون لجستیک، تکنیک آماری مناسبی هستند. زمانی که متغیر وابسته یک متغیر قیاسی و متغیرهای مستقل متریک یا غیرمتریک باشند، رگرسیون لجستیک حالت خاصی از رگرسیون می باشد که برای پیش بینی و توضیح یک متغیر زوجی فرمول بندی شده است.

در پژوهش‌های همبستگی، برای آزمون فرضیه‌ها از یک مدل رگرسیونی استفاده شده است که احتمال ورشکستگی را به عنوان متغیر وابسته با نماد P و سایر متغیرهای مستقل را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$P = \alpha + \beta_n X_n + Controls_n + \varepsilon$$

که در آن:

P احتمال ورشکستگی؛

α : پارامتر محور مختصات Y ؛

β : ضریب رگرسیونی؛

X : متغیر مستقل؛

$Controls$: متغیرهای کنترلی.

متغیرهای مستقل

«متغیر مستقل»، همان علت است. متغیری است که بر دیگر متغیرها اثر می‌گذارد و موجب تشدید یا تضعیف مقدار آن‌ها می‌شود.

با توجه به فرضیه‌های تحقیق، سه متغیر مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

افشای کلی اطلاعات که شامل عوامل داخلی و خارجی ذکر شده در گزارش حسابرسان مستقل است؛ به عنوان متغیر مستقل اول تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در ادامه، عوامل داخلی و خارجی افشا را در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی می‌کنیم. قابل ذکر است که این افشاگری‌ها معمولاً بیشتر در بند اظهار نظر و بند تأکید بر مطلب خاص گزارش حسابرسان مستقل گنجانده شده است. افشای کلی اطلاعات در گزارش حسابرسان که در این تحقیق به آن می‌پردازیم؛ هر گونه افشاگری در مورد دارایی‌ها، بدهی‌ها، عملکرد دوره، زیان انباشته، سرمایه جاری منفی، رویدادهای بعد از

تاریخ ترازنامه، موضوعات مرتبط با تداوم فعالیت و عوامل محیطی ذکر شده در گزارش حسابرس مستقل را شامل می باشد که این فاکتورها به تشریح در ادامه بیان می شود.

ما این علت ها را از طریق خواندن گزارش حسابرسی در نمونه و بر اساس کدگذاری گزارش های حسابرسی شناسایی می کنیم. ما فرض می کنیم که علت های درونی در افشاکری های مرتبط با اجزای خاص حسابداری گنجانده می شود و علت های بیرونی در نظریات محیطی که توسط حسابرس در گزارش افشا شده است، نشان داده می شود.

۱. متغیر مستقل افشای کلی گزارش حسابرسی شامل هشت فاکتور به شرح ذیل می باشد که عوامل داخلی و خارجی را در بر می گیرد؛

۲. عوامل داخلی افشا در این تحقیق مرتبط با اجزای خاص حسابداری می باشد که فاکتورهای ذکر شده از شماره یک تا شماره هفت را شامل می شود؛

۳. عوامل خارجی افشا نیز همان عوامل محیطی مؤثر بر شرکت می باشد که در فاکتور شماره هشت، به تشریح بیان شده است.

۴. دارایی ها (ASSETS): اولین فاکتور مورد مطالعه شامل دارایی های جاری و غیر جاری است. دارایی های غیر جاری شامل دارایی های ثابت مشهود و غیر مشهود می باشد. از جمله دارایی مشهود عبارت است از: زمین، ساختمان ها، سرمایه گذاری، دارایی های سرمایه ای و دارایی های غیر مشهود عبارت است از: تحقیق و توسعه، حق اختراع و سرقفلی. افشاهای حسابرسی در مورد دارایی های مشهود و نامشهود می تواند شامل موارد مرتبط با اختلافات در ارزش گذاری، هر گونه کاهش ارزش، تجدید ارزیابی و موضوعات مرتبط با استهلاک انباشته، واگذاری، بیمه، محدودیت ها در مورد با دارایی های جاری و هر گونه افشا در مورد موجودی، سرمایه گذاری های مالی کوتاه مدت و وجه نقد و اسناد دریافتنی در نظر گرفته می شود. اختلافات در ارزش گذاری موجودی کالا، عدم وصول مطالبات، ذخیره و محدودیت های مربوط به دارایی های جاری و همچنین هر موضوع دیگری که بر نقدینگی تأثیر می گذارد. این

♦.....پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از افشای گزارش حسابرسی ◇ ۱۱۷

فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی شامل افشاگری در مورد دارایی‌ها باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

۵. بدهی‌ها (LIABIL_CONTING): دومین فاکتور مورد مطالعه، کل افشاهای مربوط به دیون و بدهی‌ها، تحت مقوله زیر دسته‌بندی می‌شوند. اخذ وام‌ها، دشواری‌ها در برگشت اصل بدهی، هزینه‌های بهره، اخذ تاییدیه، ذخیره و تضمین‌های مربوط به بدهی‌ها، هرگونه محکومیت دعاوی و خسارت‌های مربوط به آن، مذاکره با طلبکاران مالی، مانده بدهی پایان سال، بدهی‌های احتمالی، محدودیت‌های موجود در قراردادهای تأثیر نرخ تورم و مالیات و همچنین بررسی وضعیت نقدینگی شرکت از جمله مثال‌های متداول انواع افشاها در گزارش حسابرسی مرتبط با بدهی‌ها هستند. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی شامل افشاگری مرتبط با بدهی‌های کوتاه مدت و بلندمدت و بدهی احتمالی باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

۶. عملکرد دوره (نتایج دوره) RESULT_PERIO: سومین فاکتور مورد مطالعه، شامل هرگونه اظهارنظر مرتبط با مؤلفه‌های نتایج دوره (هزینه‌ها و درآمدها و سود و زیان دوره) می‌باشد. برای مثال، ما رویدادهایی مانند، ارزش‌گذاری پایین برای هزینه‌ها، ارزش‌گذاری بالا برای درآمدها و تعهدات، هرگونه اظهارنظر در مورد عملکرد خصوصاً زیان دوره و اظهار نظر یا پیش‌بینی حسابرسان از عملکرد آینده با توجه به عملکرد جاری را در نظر می‌گیریم. ما برای درآمدها ارزش‌گذاری بالا، درآمدهای مشکوک با طرف‌های مرتبط را که در گزارش حسابرسی به آن اشاره شده به حساب می‌آوریم. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی شامل هر نوع افشا مرتبط با مؤلفه‌های نتایج دوره باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

۷. زیان انباشته (ACCUM LOSSES): چهارمین فاکتور مورد مطالعه، ما تحت این فاکتور هر نوع افشاگری در مورد زیان‌های مهم در طول سال قبل و همچنین زیان انباشته از سال قبل را در

نظر می‌گیریم. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی در مورد زیان انباشته شرکت یا زیان سال‌های قبل اطلاع‌رسانی کند و در غیر این صورت، "صفر" است.

۸. رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه (SUBSQ_EVENTS): پنجمین فاکتور مورد مطالعه، رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه، رویدادهای مطلوب و نامطلوبی است که بین تاریخ ترازنامه و تاریخ تأیید صورت‌های مالی رخ می‌دهد. این فاکتور به رویدادهای تعدیلی و غیر تعدیلی بعد از تاریخ ترازنامه اشاره دارد؛ از جمله حل و فصل یک دعوای حقوقی بعد از تاریخ ترازنامه، تعدیلات مربوط به حساب‌های دریافتی که می‌تواند ناشی از ورشکستگی یک مشتری باشد، تصویب سود سهام، تغییرات در نرخ مالیاتی و مالیات وضع شده بعد از تاریخ ترازنامه و سایر رویدادهای تعدیلی و غیر تعدیلی که می‌تواند توسط حسابرس بیان شود. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی حاوی هر گونه افشا در مورد رویداد های بعد از تاریخ ترازنامه باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

۹. سرمایه جاری (NEGAT_WC): ششمین فاکتور مورد مطالعه، سرمایه جاری یا سرمایه در گردش منفی می‌باشد که از اختلاف بین دارایی‌های جاری و بدهی جاری به دست می‌آید و نشان‌دهنده میزان واقعی دارایی‌های نقد یا نزدیک به نقد یک سازمان است. با منفی شدن سرمایه در گردش، ممکن است یک کسب و کار تا مدتی معین به کار خود ادامه دهد؛ اما چنین وضعیتی در بلند مدت پایدار نخواهد بود. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی حاوی هر نوع نظری در مورد سرمایه جاری منفی شرکت باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

۱۰. هرگونه ابهام در تداوم فعالیت (GOING CONCERN): هفتمین فاکتور مورد مطالعه، ابهام در تداوم فعالیت می‌باشد که یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. هرگونه ابهام با اهمیت نسبت به توانایی تداوم فعالیت بایستی توسط مدیریت افشا شود. ارزیابی مدیریت از تداوم فعالیت مستلزم قضاوت در مورد پیامدهای آتی رویدادها یا شرایطی است که به طور ذاتی

مبهم می‌باشد. نمونه‌هایی از شرایطی که می‌تواند تردیدی عمده درباره تداوم فعالیت ایجاد کند، شامل موارد ذیل است: نشانه‌های مالی (مثل فزونی کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها، اتکای بیش از حد بر استقراض، قطع حمایت مالی از طرف بستانکاران، زیان‌های عمده عملیاتی، ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها و...); نشانه‌های عملیاتی (از دست دادن مدیران کلیدی، از دست دادن بازار عمده فروش، کمبود مواد اولیه و...) و سایر نشانه‌ها که مسئولیت حسابرسان شناسایی این گونه رویدادها و ارزیابی اثر این رویدادها بر صورت‌های مالی می‌باشد. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی شامل هر گونه افشای مرتبط با ابهامات در مورد تداوم فعالیت شرکت باشد، و در غیر این صورت، "صفر" است.

۱۱. فاکتورهای محیطی (REGUL_ENVIRON): هشتمین فاکتور مورد مطالعه، در واقع همان عوامل خارجی افشا شده در این تحقیق می‌باشد که به عنوان سومین متغیر مستقل نیز مورد بررسی قرار گرفته و به رویدادهایی اشاره می‌کند که به عوامل بیرونی شرکت مربوط هستند؛ شامل اظهار نظر در رابطه با فاکتورهای محیطی نظیر شرایط اقتصادی تأثیر گذار بر شرکت، هر گونه تغییرات قوانین و مقررات در صنعت مربوط، هر نوع تغییر در مقررات حسابداری که می‌توانند بر کسب و کار تأثیر شایانی داشته باشند، توسعه خارجی، نظارت‌های بازار و موضوعات مرتبط با مالیات‌ها و گمرک، پرونده سازی علیه شرکت و همچنین پیام‌های منفی که توسط حسابرسان در رابطه با اطلاعات سطح اقتصاد کلان بیان شده است نظیر بحران‌های مالی جهانی، تورم یا تقاضای پایین برای محصولات شرکت که می‌تواند بر کسب و کار تأثیر منفی داشته باشد. این فاکتور با مقدار "یک" اگر گزارش حسابرسی شامل اظهار نظرهای محیطی باشد و در غیر این صورت، "صفر" است.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش شامل چهار مورد می‌باشد که به ترتیب عبارت است از:

۱. اندازه شرکت (SIZE): ارزش کل ریالی سهام منتشر شده یک شرکت در بازار بورس، اندازه شرکت گفته می شود. که از طریق ضرب تعداد سهام بر قیمت روز هر سهم به دست می آید؛ ولی از آن جا که اندازه شرکت به نسبت سایر متغیرها بسیار بزرگ تر بوده است، هنگام محاسبات از ارزش بازار سهام لگاریتم گرفته می شود تا با سایر متغیرها از لحاظ اندازه نزدیک تر شود. که از این معیار برای مقایسه شرکت ها استفاده می شود. از نظر متغیر اندازه شرکت نیز باید گفت شرکت های بزرگ از محدودیت های اعتباری کمتری در مقایسه با شرکت های کوچک تر در بازار برای تأمین مالی مواجه هستند (لنوکس، ۱۹۹۹). از این رو اندازه شرکت عامل مهمی در تعیین عملکرد شرکت محسوب می شود. علاوه بر این، مطالعات گذشته (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۱) نشان می دهند که شرکت های غیر ورشکسته از اندازه بزرگ تری نسبت به شرکت های ورشکسته برخوردارند.

۲. نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی ها (EOA): این نسبت جزو نسبت های اهرمی محسوب می شود که منعکس کننده توانایی شرکت در اجرای تعهدات بلند مدت و میان مدت است و میزان منابع مالی شرکت برای تسویه بدهی ها و حقوق صاحبان سهام را بررسی می کند. بالا بودن این نسبت به این معناست که بخش عمده دارایی های شرکت توسط سهامداران آن تأمین شده است.

$$\text{نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی ها} = \frac{\text{حقوق صاحبان سهام}}{\text{دارایی ها}}$$

۳. نسبت سود به کل دارایی ها (ROA): دارایی ها صرف نظر از اینکه از محل وجوه استقراض یا سرمایه گذاری صاحبان اصلی تأمین شده باشند، وظایف مربوط به خود را به نحوی مطلوب انجام می دهند. بازده کل دارایی ها، نحوه به کارگیری از دارایی های شرکت در جهت ایجاد درآمد و فروش توسط مدیریت را مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد. هرچه این بازده بالاتر باشد، کارایی شرکت در به کارگیری از دارایی ها و منابع بهتر است.

$$\text{بازده مجموع دارایی‌ها} = \frac{\text{سودخالص}}{\text{مجموع دارایی‌ها}}$$

۴. نسبت حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها (EOD): این نسبت معیار مناسبی جهت ارزیابی ادعای حقوق صاحبان سهام و اعتباردهندگان به شرکت است. نسبت مورد بررسی، نشان‌دهنده وزن حقوق صاحبان سهام به کل وامها و اعتباراتی است که شرکت دریافت کرده است. بالا بودن این نسبت نشان‌دهنده حقوق بیشتر سهامداران اصلی نسبت به اعتباردهندگان شرکت است. از سویی دیگر افزایش حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها، آسیب‌پذیری شرکت را نسبت به ورشکستگی و مخاطرات اقتصادی کاهش می‌دهد.

$$\text{نسبت حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها} = \frac{\text{حقوق صاحبان سهام}}{\text{کل بدهی‌ها}}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته: متغیر وابسته همان معلول است و متغیری است که از دیگران اثر می‌پذیرد. در جهان واقعی پدیده‌ای وجود ندارد که معلول نباشد. متغیر وابسته‌ی این پژوهش ورشکستگی می‌باشد.

متغیر وابسته این تحقیق پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. معیار تعیین ورشکستگی بر اساس مدل پیش‌بینی ورشکستگی اسپرینگیت شناخته می‌شود. این متغیر یک متغیر مصنوعی (مجازی) در نظر گرفته می‌شود برای این متغیر به زبان آماری می‌توان این‌گونه گفت: چنانچه شرکتی بر اساس مدل پیش‌بینی ورشکستگی اسپرینگیت، ورشکسته شناخته شود، برای آن شرکت عدد "یک" و در غیر این صورت، برای آن شرکت عدد "صفر" را اختصاص می‌دهیم.

$$\text{شرکت ورشکسته} = ۱ \text{ و شرکت غیر ورشکسته} = ۰$$

ملاک ورشکستگی بر اساس مدل اسپرینگیت.

۴. یافته های پژوهش

در این بخش با استفاده از آزمون رگرسیون لجستیک به بررسی فرضیه های پژوهش می پردازیم. سطح معناداری در این آزمون آماری ۵ درصد می باشد که با توجه به این سطح فرضیه صفر رد یا پذیرفته خواهد شد. در این جدول نتایج آزمون فرضیه ها آورده شده است.

جدول ۱. خلاصه نتایج برآورد مدل لجستیک

$P = \alpha + \beta_n X_n + Controls_n + \varepsilon$				
متغیر	ضریب (B)	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	10.53654	4.612536	2.284326	0.0230
X1	0.893222	0.401412	2.225200	0.0268
X2	0.587561	0.166378	3.531482	0.000
X3	0.380804	0.149004	2.555657	0.0208
Size	1.480564	0.733839	2.017560	0.0445
EOA	1.052862	0.277769	3.790425	0.000
ROA	-0.482651	0.145377	-3.319974	0.000
EOD	0.095947	0.019217	4.992877	0.000
مقدار آماره LR		45.264	سطح معناداری	۰.۰۰۰
ضریب تعیین مک فادن		0.588		

Y: شکست شرکت، X1: فاکتور کلی افشا در گزارش حسابرسی، X2: فاکتور افشای عوامل داخلی در گزارش حسابرسی، X3: فاکتور افشای عوامل خارجی در گزارش حسابرسی، SIZE: اندازه شرکت، EOA: نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی، ROA: نسبت سود به کل دارایی (بازده دارایی)، EOD: نسبت حقوق صاحبان سهام به کل بدهی.

✓ نتایج برآورد کلی مدل تحقیق، در قالب سطح معناداری آماره ی Z، گویای آن است که متغیر کلی افشای اطلاعات گزارش حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد با نتایج مدل پیش بینی ورشکستگی اسپرینگیت (شکست شرکت) دارای رابطه مثبت و معناداری است.

♦.....پیش‌بینی ورشکستگی با استفاده از افشای گزارش حسابرسی ◇ ۱۲۳

✓ نتایج برآورد کلی مدل تحقیق، در قالب سطح معناداری آماری Z ، گویای آن است که متغیر عوامل داخلی افشا در این تحقیق که مرتبط با اجزای خاص حسابداری می‌باشد، در اطلاعات گزارش حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد با نتایج مدل پیش‌بینی ورشکستگی اسپرینگیت (شکست شرکت) دارای رابطه مثبت و معناداری است. شدت این رابطه تقریباً ۵۹ درصد است.

✓ نتایج برآورد کلی مدل تحقیق، در قالب سطح معناداری آماری Z ، گویای آن است که متغیر عوامل خارجی افشا نیز که همان عوامل محیطی مؤثر بر شرکت می‌باشد در گزارش حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد با نتایج مدل پیش‌بینی ورشکستگی اسپرینگیت (شکست شرکت) دارای رابطه مثبت و معناداری است. شدت این رابطه تقریباً ۳۸ درصد به دست آمده است.

با عنایت به این نتایج می‌توان ادعا کرد که فرضیه‌های تحقیق مورد پذیرش واقع می‌گردد؛ لذا بین فاکتور افشای اطلاعات گزارش حسابرسی (چه عوامل داخلی و خارجی مورد مطالعه تحقیق) و نتایج مدل پیش‌بینی ورشکستگی اسپرینگیت (شکست شرکت)، رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بنابر نتایج، هر چه میزان کلی افشا و عوامل داخلی و خارجی افشا در گزارش‌های حسابرسی بیشتر باشد، احتمال پیش‌بینی وقوع ورشکستگی مدل بیشتر می‌شود و بالعکس. همچنین با توجه به ضریب رگرسیون لجستیک شدت رابطه با توجه به این مدل برای متغیر کلی افشا ۸۹ درصد و برای عوامل داخلی و خارجی افشا، به ترتیب ۵۹ و ۳۸ درصد بدست آمده است. که نشان‌دهنده ارتباط بیشتر عوامل داخلی در پیش‌بینی ورشکستگی نسبت به عوامل خارجی می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات کاربردی

۵-۱. بحث و تفسیر

گزارش حسابرسی تنها وسیله ارتباط بین حسابرس و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است که حسابرس نتایج فرآیند حسابرسی را از طریق آن منعکس می‌کند. هدف این پژوهش

ارزیابی گزارش حسابرسی شرکت های ورشکسته از بورس اوراق بهادار تهران است تا مشخص شود که آیا گزارش حسابرسی می تواند آگاهی سرمایه گذاران و سهامداران را نسبت به ورشکستگی شرکت ها از بورس اوراق بهادار تهران افزایش دهد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر به بررسی محتوای گزارش حسابرسی و وضعیت گزارش حسابرس می پردازد و گزارش حسابرس را معیاری جهت آگاهی سرمایه گذاران و سهامداران از ورشکسته شدن شرکت ها قرار داده است. شواهد حاصل از این پژوهش وجود رابطه معنادار بین محتوا و افشاگری گزارش حسابرسی و ورشکسته شدن شرکت ها را تأیید می کند. نتایج پژوهش های انجام شده قبلی در ایران نشان می دهد که بین تعداد بندهای شرط گزارش و حذف شدن شرکت ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد (ودیدی، ۱۳۹۶) و بین نوع اظهار نظر حسابرس (مقبول، مشروط، مردود) و ورشکستگی شرکت ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (میرزا حسینی نژاد، ۱۳۹۴). این تحقیق، مطالعات قبلی را با بررسی محتوای گزارش حسابرسی و ترکیب فاکتورهای داخلی و خارجی افشا در ارتباط با پیش بینی ورشکستگی، توسعه می دهد و مشخص می کند کدام نوع علت ها در پیش بینی ورشکستگی مالی کمک شایانی کرده است. در حالی که فاکتورهای داخلی که مرتبط با اجزای خاص حسابداری است، معرف فاکتورهایی هستند که ورشکستگی را دقیقتر توضیح می دهد، این فاکتورها همراه با فاکتورهای بیرونی نظیر شرایط اقتصادی مؤثر بر شرکت به طور چشمگیری به شناسایی کسب و کاری که در آستانه ورشکستگی قرار دارد، کمک می کند. در واقع نتایج این پژوهش ها نشان دهنده این است که گزارش حسابرسی به عنوان یک منبع اطلاعاتی ارزشمند، نسبت به حذف و ورشکستگی شرکت ها از بورس اوراق بهادار دارای بار اطلاعاتی است.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، به سرمایه گذاران و سهام داران در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می شود که جهت افزایش آگاهی خود، از گزارش حسابرس به عنوان یکی از منابع هشدار دهنده در مورد پیش بینی ورشکستگی شرکت ها استفاده کنند.

۵-۲. پیشنهادات کاربردی

از آنجا که حساب‌رسان به عنوان افرادی شایسته و خبره نقش مهمی در اطلاع‌رسانی تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌های مورد رسیدگی خود دارند، لذا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، قانون‌گذاران و افراد بیرون شرکت، می‌توانند از محتوای گزارش حساب‌رسان مستقل به عنوان هشدارهای مؤثری در مورد نحوه کار و چگونگی وضعیت مالی شرکت، بهره ببرند.

به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد برای تشخیص و پیش‌بینی ورشکستگی آتی شرکت‌های تحت کنترل خود و به اصطلاح علاج واقعه قبل از درمان، در کنار استفاده از مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی مبتنی بر داده‌های مالی، از نتایج این تحقیق نیز استفاده نمایند.

به شرکت‌هایی که از خدمات حساب‌رسان مستقل استفاده نمی‌کنند، پیشنهاد می‌شود که با استفاده از چنین مدل‌هایی وضعیت صورت‌های مالی خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند.

منابع

۱. احدی، میرزا حسینی نژاد، (۱۳۹۴). "بررسی مقیاس های حسابرسی در پیش بینی ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ کنفرانس بین المللی اقتصاد کاربردی و تجارت، هتل المپیک تهران.
۲. آشوری، سعید، (۱۳۹۱). "ارزیابی تطبیقی نتایج پیش بینی ورشکستگی با مدل شیراتا و کارایی شرکت ها با مدل تحلیل پوششی داده ها در بورس تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان.
۳. افلاطونی، جاهدی (۱۳۹۲)، "مقایسه آزمون های پارامتریک و ناپارامتریک در آشکارسازی تغییرات اقلیمی"، اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، تهران.
۴. حاجیها (۱۳۸۴)، "سقوط شرکت، علل و مراحل آن، مطالعه سیستم های قانونی ورشکستگی در ایران و جهان"، فصلنامه حسابرسی، شماره ۲۹، صص ۶۹-۳۹.
۵. حساس یگانه، یحیی ۱۳۹۱. "فلسفه حسابرسی"، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، صص ۳۲۱-۱۰۰.
۶. حساس یگانه، (۱۳۸۳)، "فاصله انتظاراتی بین حسابرسان و استفاده کنندگان از نقش اعتباردهی حسابرسان مستقل"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۱.
۷. خاکی (۱۳۸۶)، "روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی"، تهران، انتشارات بازتاب، چاپ سوم.
۸. دلاور (۱۳۸۱)، "مبانی، روش ها و تکنیک های سنجش و اندازه گیری، پژوهش، مدل بندی و تحلیل داده های روانشناسی و علوم وابسته"، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، تهران.
۹. راعی، فلاح پور (۱۳۸۷)، "پیش بینی درماندگی مالی شرکت ها با استفاده از نسبت های مالی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۴.

۱۰. رویا، دارابی، (۱۳۹۶)، "پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی"، سال ۸، شماره ۳۲ صص ۱۱۹-۱۳۷.
۱۱. سلیمانی، امیری (۱۳۸۲)، "نسبت های مالی و پیش بینی بحران مالی شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۵.
۱۲. شجاعی (۱۳۹۰)، "ارزیابی رابطه بین گزارشگری میان دوره ای با فرصت های سرمایه گذاری در بورس تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان.
۱۳. شورورزی، زنده دل (۱۳۹۰)، "مقایسه ی اظهار نظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش بینی ورشکستگی"، بررسی های حسابداری و حسابرسی شماره ۶۵ صص ۶۳ تا ۷۸.
۱۴. غیاثی نیا (۱۳۹۲)، "بررسی تفاوت بین نسبت های مالی و مقیاس های حسابرسی در شرکت های ورشکسته و شرکت های غیر ورشکسته"؛ کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی.
۱۵. کرمی، حسینی (۱۳۹۶)، "سودمندی اطلاعات حسابداری نسبت به اطلاعات بازار در پیش بینی ورشکستگی"، دانش حسابداری سال سوم، شماره ۱۰.
۱۶. متین و همکاران (۱۳۹۶)، "ارزیابی کارایی متغیرهای مالی و غیرمالی در پیش بینی ورشکستگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ دومین کنفرانس سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری.
۱۷. مجتهدزاده (۱۳۸۳)، "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده کنندگان"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، صص ۷۶-۵۳.
۱۷. مسیح آبادی (۱۳۷۲)، "تداوم فعالیت، بررسی های حسابداری و حسابرسی"، شماره ۷۰۶، صص ۶۸-۸۲.

۱۸. منصور، جهانگیر (۱۳۹۰)، "قانون تجارت همراه با قانون تجارت الکترونیکی قانون و آیین نامه مبارزه با پولشویی قانون جدید چک مصوب و..."، تهران، نشر دیدار، چاپ صدم.
۱۹. ناصح، سجادی (۱۳۸۲)، "سودمندی حسابرسی مستقل صورت های مالی"؛ بررسی های حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۲ شماره ۳۳.
۲۰. نیکخواه آزاد (۱۳۷۶)، "عوامل عدم توسعه و روش های ارتقاء حسابرسی داخلی در ایران"، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۶، شماره ۱.
۲۱. نیک نژاد (۱۳۹۲)، "پیش بینی ریسک ورشکستگی در صنایع منتخب بورس اوراق بهادار تهران"؛ پایان نامه دانشگاه سیستان و بلوچستان - دانشکده علوم اقتصادی.
22. Ajona, L, A, Lizarraraga-Dallo, (2008). "Discretionary Accruals. and Auditor Behaviour in Code-Law Contexts": An Application to Failing Spanish Firms, *European Accounting Review*, 17, Pages 641-666.
23. Allen D. Blay, Marshall A. Geiger, David S. North (2011). "The Auditor's Going-Concern Opinion as a Communication of Risk. *AUDITING*": A Journal of Practice & Theory: May 2011, Vol. 30, No. 2, pp. 77-102.
24. Altman, E, L, & Sabato, G, (2007). "Modelling Credit Risk for SMEs": Evidence from the U.S. Market, 43, 332-343.
25. Altman E, L, Iwanice- Drozdowska, M, Laitanin E, K & Suvas, A (2007). "Financial Distress Prediction in an International Context": A Review and Empirical Analysis of Altman's Z- Score Model, 28, 131-138
26. Altman, E, L, Sabato G & Welson, N, (2010). "The value of non-financial information in small and medium- sized enterprise risk management", *Jornal of credit risk* 2, 95127.
27. Argenti, J, Corporate Collapse: "the causes and symptoms" (Holsted Press, McGraw-Hill, London).

28. Amankwah-Amoah, J,(2016).” An integrative process model of organizational failure”, Journal of business research,69,3388-3397.
29. Beaver W.H, “Alternative accounting measures as Predictors of Failure, Empirical Research in Accounting”:selected stuise, supplement to the Jornal of Accounting Research vol.4.
30. Castrella, J.R,Lewis,B,L(2000).”Modeling the audit opinions issued to bankrupt componies”:a two stage empirical analysis.Dicision Sciences,31.2.
31. Chen,Y., Gupta, A., Senteney, D.L(2004),” Predicting impending bankruptcy using audit firm changes”, Journal of American Academy of BusinessVolume 4, Issue 1-2, Pages 423-433.
32. Dopuch, N, Holthausen, R.W,(1987).” Predicting Audit Qualifications with Financial Market Variables”,The Acuuonting Review, 62, Pages 431-454.
33. Gaynor,L,Kelton,A.(2016).”Understanding the Relation between Financial Reporting Quality and Audit Quality.Auditing”: A JornsI of practice and Theore, 35, 1-22.
34. Hopwood w, Mckeown & Mutchler,(1989). “A test of the inceremental explanatory power of opinions qualified for consistency and uncertainly”.the accounting review,64, 28-48.
35. Korol, T.(2013).”Early warning models against bankruptcy risk for gentral European and latein American enterprises”.Econemic Modelling, 31,22-30.
36. Lennox, G,C.(1999).” the accuracy and inceremental information content of audit reports in predicting bankruptcy”. Journal of business fainance and accounting,26,757-778.
37. Lukason,O, Characteristics of firm failure processes in an international context, PhD dissertstion Estonia: Tartu Uneversety.

38. lopes-corales&Aurea Pedrosa(2017).”Audit reporting for going concern in Spain during the global financial crisis”,Economic Research-Ekonomska Istraživanja 30:1, 154-183.
39. Makee,T,E.(2003). “rough sets bankruptcy prediction models vessus auditor signaling rates”, Journal of forecasting.22,569-586.
40. Modigliani, F., & Miller, M. (1963). “The cost of capital, corporation finance and theory of investment”. American Economic Review, 48, 261–297.
41. Newton,W.Grant,(1998),” ankrupcty and Insolvency Accounting,practice and procedure”؛ New Yorc: the Ronald Press Company.
42. Nora Munoz- Izquierdo, Maria-del-M (2019). Is the external audit report useful for bankruptcy prediction? Evidence using artificial intelligence. Peer-reviewed version available at Int. J. Financial Stud, 20.
43. Nora Munoz- Izquierdo, Maria-del-M (2018). Explaining the causes of business failure using audit report disclosures, Journal of Business Research.
44. Raghunandan, K. R. Subramanyam. (2003).” Market Information and Predictive Accuracy of the going concern opinion”.
45. Schwartz, K.B., Menon, K,(1984) “Auditor switches by failing firms”, The Accounting Review, 60, 2, Pages 248-261.
46. Van peurse, k.&Chan, Y.G,(2014). “Foricasting New Zealand,corporate failures 2001-10”,Australian Accounting Review,24 ,276-288.

بررسی تأثیر ابعاد توسعه پایدار بر سودآوری



وحید بخردی نسب^۱؛ سعید براتی^۲؛ هادی براتی^۳

چکیده

مباحث «توسعه پایدار» و مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی، به عنوان مسئله‌ای حیاتی در سطح شرکت‌های جهانی، مطرح است. موضوع عملکرد پایداری در کشورهای در حال توسعه، نظیر ایران دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. با توجه به تحقیقات اندک در این زمینه، پرداختن هر چه بیشتر به این موضوع منجر می‌شود، توسعه کشور را به گونه‌ای پایدار رقم زد. جامعه به شرکت اجازه فعالیت می‌دهد و از شرکت انتظار دارد تا منافع تمامی ذی‌نفعان را مهیا کند. یکی از منافع مورد انتظار تمامی سهامداران توسعه پایدار شرکت‌ها است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۹ و جامعه آماری در دسترس ۱۷۹ شرکت می‌باشد. روش اجرای پژوهش مبتنی بر رگرسیون چندکی با استفاده از نرم افزار ایویوز می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری تأثیر مثبت و معناداری در تمامی سناریوها دارد؛ ولی ابعاد اجتماعی، زیست محیطی و راهبری شرکتی در برخی از سناریوها قدرت سودآوری دارند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، بعد اقتصادی، بعد اجتماعی، بعد زیست محیطی، بعد راهبری شرکتی، سودآوری.

-
۱. گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
 ۲. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.
 ۳. گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

مقدمه

در محیط رقابتی کنونی که یکی از مشخصه های بارز آن کمیابی منابع است، مدیریت و ارزیابی عملکرد، نقشی حیاتی برای سازمان ایفا می کند (آمادو و همکاران، ۲۰۱۲). صاحب نظران و محققان معتقدند عملکرد، موضوعی اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل های سازمانی است و مشکل بتوان سازمانی را تصور کرد که مشمول ارزیابی و اندازه گیری عملکرد نباشد. سازمان ها برای فراهم آوردن بازخورد به مدیران در ارتباط با نیل به هدف های راهبردی به ارزیابی عملکرد متکی اند (کراونس و همکاران، ۲۰۱۰). موضوع همسو بودن عملکرد مالی و توسعه پایدار شرکت ها یکی از موضوعاتی است که همواره بین نظریه پردازان محل اختلاف بوده؛ ولی به رغم مقبولیت بالای اصول توسعه پایدار شرکت ها، هنوز پاسخ قاطعی به این پرسش داده نشده که آیا مدیران باید سیاست های توسعه پایدار شرکت ها را در تصمیم های تاکتیکی و راهبردی خود دخالت دهند یا خیر. منتقدان معتقدند که توسعه پایدار شرکت ها، یک ساختار مبهم دارد و مدیران جهت تعیین اینکه مسئولیت اجتماعی آن ها چیست ناتوان هستند. از طرفی توسعه پایدار شرکت ها باعث افزایش هزینه های عملیاتی می شود و ثروت سهام داران را از بین می برد. پس نگرانی اصلی منتقدان توسعه پایدار شرکت ها این است که هزینه های مربوط به بهبود های عملکرد اجتماعی شرکت ممکن است از منافع آن بیشتر شود. توسعه پایدار شرکت ها شرکت به عنوان یک مفهوم توسعه یافته در حوزه مدیریت کسب و کار در طول قرن گذشته است (یزدانی، ۱۳۸۸). در کانون رابطه قراردادی بین شرکت و ذی نفعان، توجه به آینده قرار دارد و آینده هم از طریق پایداری مشهود خواهد شد. پایداری، مفهومی است که هم در مباحث جهانی سازی و هم در مباحث عملکرد شرکت مطرح است. پایداری موضوع بحث برانگیزی است که تعریف های متعددی برای آن بیان شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از نخستین و شناخته ترین تعریف هایی که از پایداری شرکت ها شده، عبارت است از «رفع

نیازهای حال حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود». همچنین، کمیسیون جهانی محیط‌زیست در تعریف پایداری شرکت بیان می‌کند که پایداری، اصلی اساسی برای تغییر جهانی و ماندن به‌عنوان وسیله‌ای برای برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود است (خدمای‌پور و شفیع، ۱۳۹۲). مزایای بالقوه‌ایی که به خاطر توسعه پایدار شرکت‌ها نصیب سازمان و جامعه می‌شود تا پندار توسعه پایدار شرکت‌ها و سازمان گسترش یابد. در واقع توسعه پایدار شرکت‌ها شرکت‌ها اقدامی است که شرکت‌ها دخالت در فعالیت‌های اجتماعی را در نظر می‌گیرند و همچنین اثرهای مخرب کسب و کار بر جامعه و محیط طبیعی را کاهش می‌دهند (استیوان و درام‌وان، ۲۰۱۱). در ادامه مطالعه حاضر به بررسی مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها، روش اجرای پژوهش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به لحاظ تاریخی و همچنین در دنیای امروز مهم‌ترین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها بعد اقتصادی است که در آن همه کارها و اقدامات اقتصادی سازمان مورد نظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، مسئولیت اولیه هر بنگاه اقتصادی کسب سود است. وقتی سازمان سود لازم را به دست آورد و حیات خود را تضمین کند، می‌تواند به مسئولیت‌های دیگری بپردازد. به بیان دیگر، اهداف اولیه سازمانی در این بعد مورد توجه قرار می‌گیرد (رویایی و مهردوست، ۱۳۸۸). همچنین بخش دیگر از بعد اقتصادی، تأمین سود مورد نظر برای ذی‌نفعان و دفاع از ارزش سهم آن‌ها در بازار بورس می‌باشد. از جنبه‌های گوناگون، بعد اقتصادی زیر بنای اصلی فعالیت‌های یک سازمان است. بر اساس دیدگاه مک‌الیستر (۲۰۰۳)، بعد اقتصادی از راه تأثیر بر سود و ارزش سهام ذی‌نفعان، کارمندان، تأمین‌کنندگان و رقبا بر سازمان تأثیر می‌گذارد (رحیم و همکاران، ۲۰۱۱). شربت‌اوغلی و همکاران (۱۳۸۹)، نشان دادند که شرکت‌ها در وهله اول به

بعد اقتصادی اهمیت خاصی می دهند. دومین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان ها، بعد اجتماعی است. از سازمان ها انتظار می رود که همچون سایر اعضای جامعه به ارزش ها، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات و باورهای مردم احترام گذاشته و شئون اخلاقی را در کارها و فعالیت های خود مورد توجه قرار دهند. به بیان دیگر، بعد اجتماعی به مسائل فراقانونی می پردازد که پرداختن به آن ها از سوی جامعه با ارزش می باشد (رویایی و مهردوست، ۱۳۸۸).

مهر و وب (۲۰۰۵) معتقدند که فقط جنبه اقتصادی تصمیم ها مورد نظر نبوده و بر جنبه اجتماعی آن ها تأکید می شود. مسئولیت پذیری محیطی است که به عنوان یک جنبه مهم مسئولیت اجتماعی شرط لازم برای بقا و موفقیت بشر می باشد. مسائل محیطی با حقوق بشر، توسعه و مشارکت جامعه و دیگر موضوع های محوری مسئولیت اجتماعی پیوستگی تنگاتنگی دارند. یک شرکت نمی تواند مسائل و مشکلات محیطی را که در آن فعالیت می کند، نادیده بگیرد. شرکت ها می توانند با اقدام برای ترمیم محیط زیست طبیعی مانند کاشت درخت و حفظ مراتع و زمین های کشاورزی و جنگل ها و اکوسیستم های آن و محافظت از آنها بسیار مسئولانه تر عمل کنند. شرکت ها همچنین می توانند عملکرد زیست محیطی خود را با جلوگیری از آلودگی ها برای مثال جلوگیری از نشر آلودگی در هوا، ممانعت از تخلیه آلودگی در آب، عدم تولید پسماندهای جامد و مایع، جلوگیری از آلودگی زمین و خاک، عدم استفاده یا دفع مواد شیمیایی خطرناک و سمی و سایر آلودگی های ناشی از فعالیت ها، محصولات و خدمات سازمان، بهبود بخشند (استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، ۱۳۸۹). تعریف صندوق بین المللی پول و سازمان توسعه و همکاری های اقتصاد از حاکمیت شرکتی: "ساختار روابط و مسئولیت ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر طرف های ذی ربط برای ترویج عملکرد بهتر در رقابت به منظور دستیابی به اهداف اولیه مشارکت و تنظیم معیارها و مکانیسم های نظارتی و کنترلی" است. تعریف فدراسیون بین المللی حسابداران در سال ۲۰۰۲: "حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت ها و شیوه های اعمال شده توسط

هیئت مدیره و مدیران با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک‌ها و مصرف منابع به‌طور مسئولانه باشد (تریکر، ۱۹۸۴)، "حاکمیت شرکتی تنها به اداره عملیات شرکت مربوط نیست؛ بلکه به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذی‌نفعان شرکت یا اجتماع مربوط می‌باشد. "حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌کند" (پارکینسون، ۱۹۹۴). در تعاریف مذکور، به موضوع حاکمیت شرکتی از دیدگاه‌های متفاوتی توجه شده است. در یک طیف تأکید و توجه بر روابط بین سهامداران و مدیریت در قالب مالی می‌باشد و در طیف دیگر اشاره به پاسخگویی شرکت در برابر ذینفعان از جمله جامعه دارد؛ اما به نظر می‌رسد وجه مشترک تمام تعاریف به عمل آمده به یک نکته یا مفهوم اساسی "پاسخگویی" اشاره دارد. پاسخگویی در برابر حقوق سهامداران، پاسخگویی در برابر ذینفعان، پاسخگویی در برابر کل جامعه و نسل‌های آتی.

پیشینه داخلی

داداشی و پورعلی (۱۴۰۱)، در پژوهش خود تحت عنوان «تأثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری بر عملکرد شرکت‌ها با توجه به متغیر تعدیل گر محدودیت مالی»، به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری تأثیر معکوس و معنادار بر عملکرد شرکت دارند. همچنین متغیر تعدیل گر محدودیت مالی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد تأثیر مثبت و معنادار دارد اما بر رابطه ریسک‌پذیری و عملکرد تأثیر معناداری ندارد.

احمدی لنگری و خوزین (۱۴۰۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی، ثبات مالی و شمول مالی در بخش بانکی ایران»، به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی و ثبات مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ اما رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر شمول مالی تأثیر مثبت و معناداری ندارد.

اسکو و نوروزی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و عملکرد شرکت»، به این نتیجه رسیدند که بین معاملات اشخاص وابسته و عملکرد شرکت، رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین سایر نتایج نشان دادند مسئولیت اجتماعی شرکت اثر منفی و تضعیف کننده بر رابطه معاملات اشخاص وابسته و عملکرد شرکت دارد.

طیبی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «اهمیت و نقش مسئولیت اجتماعی و عملکرد نوآوری در ارتباط میان سبک رهبری تحول گرا و عملکرد شرکت»، به این نتیجه رسیدند که بهبود مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب افزایش اثرگذاری رهبری تحول گرا بر عملکرد سازمانی خواهد شد.

فرجی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود تحت عنوان «مسئولیت پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیل گر مدیریت سود»، به این نتیجه رسیدند که فعالیت های مسئولیت پذیری اجتماعی ارزش بازار سهام شرکت را افزایش می دهد؛ اما مدیریت سود نمی تواند رابطه مسئولیت پذیری اجتماعی و ارزش بازار سهام شرکت را تحت تأثیر قرار دهد.

بادآور نهندی و برادران حسن زاده (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی ارتباط بین مسئولیت پذیری و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، به این نتیجه رسیدند که بین توسعه پایدار شرکت ها با ارزش افزوده اقتصادی و نرخ بازده دارایی ها به عنوان معیارهای عملکرد از نظر آماری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی بین توسعه پایدار شرکت ها و سایر معیارهای عملکرد، از جمله ارزش افزوده بازار، ارزش شرکت، محدودیت مالی و نرخ بازده دارایی ها ارتباط معناداری مشاهده نشد.

عرب صالحی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «رابطه مسئولیت پذیری با عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، به بررسی رابطه توسعه پایدار شرکت ها با عملکرد مالی پرداختند که نتایج پژوهش نشان می دهد عملکرد مالی با توسعه

پایدار شرکت‌ها شرکت نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد؛ ولی عملکرد مالی با توسعه پایدار شرکت‌ها شرکت نسبت به کارکنان و محیط‌زیست رابطه معناداری ندارد.

صنوبر و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد مالی شرکت‌ها»، دریافته‌اند بین توسعه پایدار شرکت‌ها ابعاد آن شامل شرایط محیط کار، محیط‌زیست، راهبری شرکت، جامعه و اجتماع محلی و رفتار کسب و کار با عملکرد مالی شرکت‌ها، رابطه وجود ندارد.

شربت اوغلی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مسئولیت‌پذیری نزد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دریافتند شرکت‌ها در وهله اول به بعد اقتصادی و سپس اخلاقی و حقوقی (البته با اختلاف کم) و در انتها به بعد نوع دوستانه اهمیت می‌دهند. همچنین شرکت‌های خدماتی نسبت به شرکت‌های تولیدی اهمیت بیشتری برای بعد اخلاقی قائل هستند و بین اندازه شرکت‌ها و اهمیتی که به بعد اخلاقی در توسعه پایدار شرکت‌ها خود می‌دهند، تفاوت معناداری وجود دارد و شرکت‌های بزرگ‌تر به بعد اخلاقی اهمیت بیشتری می‌دهند.

ثقفیان (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و عملکرد مالی شرکت‌های تولیدی سازمان بورس اوراق بهادار تهران»، به بررسی رابطه بین توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد مالی شرکت‌های فعال در صنعت مواد و محصولات دارویی پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش بین توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد مالی در شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت به اثبات نرسیده است.

پیشینه خارجی

ناسم و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مسئولیت اجتماعی بر عملکرد و ریسک با نقش تعدیلگر متغیر مدیریت ریسک، طی سالهای ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۶»، به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی با عملکرد رابطه مثبتی دارد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مسئولیت پذیری شرکت بر کیفیت برند و عملکرد مالی»، به این نتیجه رسیدند که بین بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد؛ ولی بین بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت ها، بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت ها و بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین پیشرانه اعتبار نام و نشان تجاری و پیشرانه وفاداری به نام و نشان تجاری بر عملکرد شرکت تأثیر معناداری دارد؛ ولی بین پیشرانه توسعه نام و نشان تجاری و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. در نهایت ارزش نام و نشان تجاری در رابطه بین توسعه پایدار شرکت ها شرکت و عملکرد نقش میانجی ندارد.

بجتی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری شرکت و کارایی بازار سهام»، به این نتیجه رسیدند که کارایی بازار سهام در شرکت هایی که کیفیت توسعه پایدار شرکت ها بالایی دارند (بزرگتر مساوی ۱۱ درصد) مشاهده می شود؛ اما در شرکت هایی که کیفیت توسعه پایدار شرکت ها پایینی دارند (کمتر از ۱۱ درصد) مشاهده نشده است. عقیف و آنانتا دجایا (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «توسعه پایدار شرکت ها شرکت ها و عملکرد: شواهدی از اندونزی» به این نتیجه رسیدند که توسعه پایدار شرکت ها در حوزه کارکنان و اجتماع، اندازه شرکت، سودآوری و اهرم مالی تأثیر مثبت معنی داری بر قیمت سهام دارند. بنابراین، می توان گفت شواهدی وجود دارد که توسعه پایدار شرکت ها بر سطح عملکرد شرکت ها تأثیر می گذارد.

ارشاد و عثمان (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی مالزی و عملکرد مالی آن‌ها»، متوجه شدند که بین توسعه پایدار شرکت‌ها شرکتي و عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه مثبت وجود دارد. آنان همچنین دریافتند که توسعه پایدار شرکت‌ها شرکتي با نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت دارد.

چوی و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت»، به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها پرداختند که در نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین عملکرد مالی و عملکرد اجتماعی شرکت بود.

نلینگ و وب (۲۰۰۸)، در پژوهشی تحت عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی»، به بررسی ارتباط بین عملکرد مالی و مسئولیت‌های اجتماعی در ایالات متحده آمریکا پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود یک ارتباط منفی و ضعیف بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بوده است.

جامعه آماری در دسترس

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ می‌باشد که اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام دادن این پژوهش شامل صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های همراه را در دوره زمانی مذکور به طور کامل ارائه کرده باشند. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود ناهمگونی‌ها بین اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این‌رو نمونه آماری به روش حذف نظام‌مند انتخاب شده است. شرایط یاد شده عبارتند از:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد؛

۲. شرکت‌ها تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

۳. شرکت‌ها نیایستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند؛

۴. شرکت‌ها طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها مورد معامله قرار گرفته باشند؛

۵. شرکت‌ها جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی و شرکت‌های لیزینگ) نباشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده ۱۷۹ شرکت به عنوان جامعه آماری در دسترس انتخاب شد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش مطابق با مبانی نظری به شرح زیر تبیین شد:

۱. بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری تأثیر معنادار دارد؛

۲. بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری تأثیر معنادار دارد؛

۳. بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری تأثیر معنادار دارد؛

۴. بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت‌ها بر سودآوری تأثیر معنادار دارد.

مدل پژوهش

برای بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) از جدول (۱) استفاده شده است.

جدول ۱.

$ROA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Eco_{it} + \alpha_2 Soc_{it} + \alpha_3 Env_{it} + \alpha_4 Gov_{it} + \varepsilon_{it}$				
منبع	پراکسی سنجش	نماد	نام متغیر	نقش متغیر
وانگ و همکاران (۲۰۱۵)	$ROA = \frac{Operating\ Profit}{Average\ assets}$	ROA	سودآوری	متغیر وابسته
وانگ و همکاران (۲۰۱۵)	$Eco = \frac{SHCI + CCI}{2}$	ECO	بعد اقتصادی توسعه پایدار	متغیر مستقل
وانگ و همکاران (۲۰۱۵)	$Soc = \frac{GCI + ECI + SCI}{3}$	SOC	بعد اجتماعی توسعه پایدار	متغیر مستقل
وانگ و همکاران (۲۰۱۵)	$Env = \frac{EDI + FED}{2}$	ENV	بعد زیست محیطی توسعه پایدار	متغیر مستقل
وانگ و همکاران (۲۰۱۵)	$Gov = \frac{BOS + ESO}{2}$	GOV	بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت‌ها	متغیر مستقل

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه و در ادامه بیان شده است.

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی

متغیر ها	PERF	ECO	SCO	Env	COV
میانگین	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۰۱	۱/۱۷
میانه	۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۰۰	۱/۱۹
بیشینه	۵/۵۷	۰/۹۴	۱/۲۰	۰/۰۱	۱/۲۰
کمینه	-۲/۴۴	-۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰
انحراف معیار	۰/۲۷	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۰	۰/۱۰

منبع: یافته های پژوهش

از بین شاخص های مرکزی بیان شده میانگین مهم ترین آن ها محسوب می شود که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. برای مثال، میانگین سودآوری برابر با ۰.۱۲۹۱۳۶ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می شود میانه متغیر بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها برابر ۰.۰۲۸۹۷۰ است که نشان می دهد نیمی از داده های این متغیر از این مقدار کمتر و نیمی دیگر از این مقدار بیشتر می باشد. همچنین شاخص های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین شاخص های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می باشد، انحراف معیار است. همان طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می باشند. به عنوان مثال، در جامعه آماری مورد بررسی انحراف معیار متغیر بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت ها برابر با ۰.۱۱۰۴۵۴ است.

یکی از موضوعات مهمی که در اقتصاد سنجی با آن برخورد می‌شود، موضوع واریانس ناهمسانی است. واریانس ناهمسانی به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. به منظور برآورد واریانس ناهمسانی در این پژوهش از آزمون وایت استفاده شده است. از دیگر مفروضات اصلی مدل‌های رگرسیونی، آزمون تشخیص وجود خود همبستگی می‌باشد. در مطالعه حاضر از آزمون بروش گادفری برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. در صورتی که سطح معنا-داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ باشد، خودهمبستگی وجود دارد. در نهایت به منظور بررسی خطای هم خطی به عنوان دیگر مفروضات فرعی مدل‌های رگرسیونی، از آزمون وایف استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها به صورت جدول (۳) بیان شده است.

جدول ۳. نتایج مفروضات رگرسیونی

متغیر	نماد متغیر	VIF تورم واریانس	1/ VIF تلورانس	آزمون خود همبستگی		ناهمسانی واریانس	
				آماره F	سطح معنی داری	آماره F	سطح معنی داری
بعد اقتصادی	ECO	۱/۴۸۱	۱/۰۱۷	۰/۹۴۶۶	۰/۴۶۰۶	۰/۶۴۶۸	۰/۶۹۲۷
بعد اجتماعی	SCO	۳/۵۹۳	۱/۱۳۶				
بعد زیست محیطی	Env	۱/۶۳۲	۱/۰۵۶				
بعد راهبری شرکتی	COV	۱/۲۴۹	۱/۰۱۹				

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه ضریب VIF برای کلیه متغیرهای مستقل از ۱۰ کمتر می‌باشد؛ خطای هم خطی وجود ندارد. همچنین چون سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر است خودهمبستگی وجود ندارد. بنابراین به اضافه کردن متغیر AR(1) به مدل نیازی نیست. در آزمون وایت هم با توجه به اینکه p-value به دست آمده برای مدل از ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد؛ مدل دارای همسانی واریانس

می‌باشد. از این رو می‌توان مدل پژوهش را با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی یا OLS برازش شود.

جدول ۴. انتخاب نوع داده‌ها

آزمون F لیمر			آزمون H هاسمن		
آماره F لیمر	احتمال	نتیجه	آماره هاسمن	احتمال	نتیجه
۳.۷۱	۰.۰۰۰۰	داده‌های تابلویی	۶.۳۸	۰.۳۸۱۵	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون F لیمر در جدول (۳) برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که، برای تخمین مدل، روش به‌کارگیری داده‌ها تابلویی است؛ چرا که مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل پژوهش یعنی اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد آن با توجه به نقش میانجی ارزش نام و نشان تجاری از سطح معناداری ۵ درصد (۰/۰۵) کمتر است، بنابراین، فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها برای مدل پژوهش پذیرفته نمی‌شود و رویکرد تابلویی برای داده‌های پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد که داده‌ها، تابلویی با اثرات ثابت یا تصادفی هستند؛ چرا که مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل پژوهش، از سطح معناداری ۵ درصد (۰/۰۵) بیشتر است. بنابراین مدل پژوهش بر روی متغیرهای مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود. در این بخش نتایج برازش مدل پژوهش ارائه می‌گردد. برازش مدل به شرح جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل با رویکرد حداقل مربعات

متغیرها	ضرایب	سطح معناداری
بعد اقتصادی	۰/۲۶۲	***۰/۰۳
بعد اجتماعی	-۰/۰۸۰	۰/۱۴
بعد زیست محیطی	-۷۷/۷۴۶	۰/۱۲
بعد راهبری شرکتی	۰/۰۴۴	۰/۴۴
پیشرانۀ اعتبار	۱/۳۱۵	***۰/۰۰
پیشرانۀ وفاداری	-۰/۰۴۰	***۰/۰۵
پیشرانۀ توسعه	-۰/۰۵۴	۰/۲۹
نیکویی برازش	-	
تعدیل شده نکوئی	-	
سطح معناداری	-	

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

نتیجۀ گیری

پژوهش حاضر با پیشنهاد روش رگرسیون چندکی به‌عنوان روش برآورد پیشرفته جدیدی در عملکرد، بیان می‌کند که این روش می‌تواند ابزاری باشد برای برطرف کردن تفاوت بین یافته‌های پژوهشی که از روش‌های رگرسیون حداقل مربعات و زیر مجموعه‌های آن استفاده کرده‌اند. با استفاده از این روش تصویری کامل و شفاف از اینکه چگونه ابعاد مختلف توسعه پایدار

شرکت ها و عوامل مؤثر در ارزش نام و نشان تجاری با عملکرد شرکت در چارک های شرطی مختلف مرتبط هستند، ایجاد می شود. در حالی که رگرسیون خطی فقط آثار میانگین شرطی یک متغیر پاسخ را برآورد می کند که به دلیل همپوشانی متغیرها گاهی نتایج گمراه کننده ای دارد. نتایج تجربی گویای آن است که داده های استفاده شده در رگرسیون چندک اجازه می دهند که آزمایش های عمیق تری نسبت به رگرسیون های معمولی داشت. یافته ها نشان دهنده این است که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید به طور مداوم در فعالیت های مسئولیت اجتماعی برای به حداکثر رساندن ارزش شرکتشان فعالیت کنند. تحلیل چندک ها در این پژوهش درک خوبی در مطالعه مسئولیت اجتماعی و سودآوری را فراهم می کند. گرچه، پژوهش های انجام شده فاقد شواهد تجربی در رابطه با مسئولیت های اجتماعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس می باشند؛ اما این پژوهش این خلاء را پر می کند. فرضیه اول پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. بنابراین، فرض صفر را در جهت خلاف ادعا تعیین کرده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. به عبارتی فرضیه اول پژوهش بدین صورت است که عدم ارتباط بین بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض صفر، مورد نظر قرار گرفته و وجود ارتباط بین بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض مقابل در نظر گرفته شده است. در نتیجه براساس جدول (۳) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها برابر است با ۰.۰۳، است که شواهد نشان می دهد سطح معناداری تأیید شده و در نتیجه شواهد گویای اثرگذاری بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها بر عملکرد شرکت می باشد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می شود و فرض صفر تأیید نمی شود و می توان گفت که بین بعد اقتصادی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه دوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. بنابراین، فرض صفر را در جهت خلاف ادعا

تعیین کرده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می‌شود. به عبارتی، فرضیه دوم پژوهش بدین صورت است که عدم ارتباط بین بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض صفر، مورد نظر قرار گرفته و وجود ارتباط بین بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض مقابل در نظر گرفته شده است. در نتیجه براساس جدول (۳) نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری برای بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها برابر است با ۰.۱۴ است که سطح معناداری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها بر عملکرد شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی‌شود و فرض صفر تأیید می‌شود و می‌توان گفت که بین بعد اجتماعی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. فرضیه سوم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. بنابراین، فرض صفر را در جهت ادعا تعیین کرده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می‌شود. به عبارتی، فرضیه سوم پژوهش بدین صورت است که عدم ارتباط بین بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض صفر مورد نظر قرار گرفته و وجود ارتباط بین بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض مقابل در نظر گرفته شده است. در نتیجه براساس جدول (۳) نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری برای بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها برابر است با ۰.۱۲ که سطح معناداری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها بر عملکرد شرکت می‌باشد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود و فرض صفر تأیید می‌شود و می‌توان گفت که بین بعد زیست محیطی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. فرضیه چهارم پژوهش درصدد رسیدن به این هدف است که آیا بین بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت‌ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. بنابراین، فرض صفر را در جهت ادعا تعیین کرده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می‌شود. به عبارتی، فرضیه

چهارم پژوهش بدین صورت است که عدم ارتباط بین بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض صفر مورد نظر قرار گرفته و وجود ارتباط بین بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت به عنوان فرض مقابل در نظر گرفته شده است. در نتیجه بر اساس جدول (۳) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها برابر ۰.۴۴ است که سطح معناداری تأیید نشده و در نتیجه شواهد گویای عدم اثرگذاری بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها بر عملکرد شرکت می باشد. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش تأیید نمی شود و فرض صفر تأیید می شود و می توان گفت که بین بعد راهبری شرکتی توسعه پایدار شرکت ها و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. بر این اساس، تنها پژوهش انجام شده در این زمینه که بتوان نتایج مطالعه حاضر را با آن مورد مقایسه قرار داد، پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) می باشد. نتایج در تمامی فرضیه ها با نتایج پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همخوان است. البته پژوهش های زیادی در زمینه مسئولیت های اجتماعی و عملکرد شرکت در ایران انجام شده است؛ ولی اجرای روش رگرسیون چندکی برای پژوهش های مالی و حسابداری به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. یافته های این پژوهش پیشنهاد می کند که مسئولیت های اجتماعی شرکت، عموماً، می توانند سبب افزایش ارزش و عملکرد شرکت شود. در نتیجه، مسئولیت های اجتماعی شرکت می تواند به یکی از مقادیر مشخص انتقادی برای تفکیک و موفقیت در صنایع بورس مبدل گردد. این یافته ها نشان می دهند که مسئولیت های اجتماعی شرکت به طور مثبت بر روی عملکرد شرکت تأثیر می گذارند. این مفهوم می تواند به شرکت های پذیرفته شده در بورس در جهت مدیریت مسئولیت اجتماعی شرکت ها برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت کمک کند.

منابع

۱. احمدی لنگری، سید حسین، خوزین، علی (۱۴۰۰). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی، ثبات مالی و شمول مالی در بخش بانکی ایران. فصلنامه تحلیل بازار سرمایه، ۱۳(۳)، ص ۱۵۲-۱۸۸.
۲. اسکو، وحید، نوروزی، محمد (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و عملکرد شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۳(۲)، ص ۱۹-۳۲.
۳. داداشی، نسرین، پورعلی، محمدرضا (۱۴۰۱). تأثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری بر عملکرد شرکت‌ها با توجه به متغیر تعدیل‌گر محدودیت مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۱)، ص ۱۴۵-۱۵۸.
۴. طیبی، مهدی، حسینی شکیب، مهرداد، مبلغی، مصطفی (۱۴۰۰). اهمیت و نقش مسئولیت اجتماعی و عملکرد نوآوری در ارتباط میان سبک رهبری تحول‌گرا و عملکرد شرکت. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۴۰۰(۴۴)، ص ۷۳-۸۱.
۵. فرجی، امید، جنتی دریاکناری، فاطمه، منصوری، کفسان، یونسی مطیع، فاطمه (۱۳۹۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیلگر مدیریت سود. مجله علمی "مدیریت سرمایه اجتماعی"، ۷(۱)، ص ۲۵-۵۸.

6. Aaker, D. A. , & Joachimsthaler, E. (2000). The Next Level of the Brand Revolution. The Free Press, New York, 351p. Ambler, T. , & Barrow, S. (1996). The employer brand. Journal of Brand Management, 4, 185-206.
7. Aaker, D. A. , & Joachimsthaler, E. (2012). Brand leadership. Simon and Schuster.
8. Aaker, David A and Kevin Lane Keller, (1991). "Consumer evaluation of brand extension" ,Journalof Marketing, Vol 54. (Jan) , 27-40.
9. Abd Rahim, R. , Jalaludin, F. W. , & Tajuddin, K. (2011). THE IMPORTANCE OF CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY ON CONSUMER BEHAVIOUR IN MALAYSIA. Asian academy of management journal, 16 (1).
10. Afiff, S. , & Anantadjaya, S. P. (2013). CSR & performance: any evidence from Indonesian LQ45?. RIBER: Review of Integrative Business & Economics Research, 2 (1) , 85-101.
11. Amado, C. A. , Santos, S. P. , & Marques, P. M. (2012). Integrating the Data Envelopment Analysis and the Balanced Scorecard approaches for enhanced performance assessment. Omega, 40 (3) , 390-403.
12. Arab Salehi, M. Sadeghi, G. Minainedin, M. (1392). Investigating the relationship between social responsibility and financial performance of companies accepted in Tehran Stock Exchange. Experimental Accounting Research, 3 (9): 20-1 (in persian).
13. Arshad, R. , Othman, S. , & Othman, R. (2012). Islamic corporate social responsibility, corporate reputation and performance. International Journal of Economics and Management Engineering, 6 (4) , 643-647.
14. Badavar, Y. Baradaran hasan zadeh, R. Ayoub, Y. (2012). Investigating the relationship between environmental efficiency and the return on assets of listed companies in Tehran Stock Exchange. Accounting Knowledge, 3 (8): 112-95 (in persian).

15. Becchetti, L. , Ciciretti, R. , & Giovannelli, A. (2013). Corporate social responsibility and earnings forecasting unbiasedness. *Journal of Banking & Finance*, 37 (9) , 3654-3668.
16. Choi, J. S. , Kwak, Y. M. , & Choe, C. (2010). Corporate social responsibility and corporate financial performance: Evidence from Korea. *Australian journal of management*, 35 (3) , 291-311.
17. Chomvilailuk, R. , & Butcher, K. (2010). Enhancing brand preference through corporate social responsibility initiatives in the Thai banking sector. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*.
18. Cravens, K. S. , Oliver, E. G. , & Stewart, J. S. (2010). Can a positive approach to performance evaluation help accomplish your goals?. *Business Horizons*, 53 (3) , 269-279.
19. Del Rio, A. B. , Vazquez, R. , & Iglesias, V. (2001). The effects of brand associations on consumer response. *Journal of consumer marketing*.
20. Farhanian, S, M, J. Dooyii, M. (2013). Corporate sustainability and the need to pay attention to it in the Iranian capital market. *Monthly magazine* (104): 79-76 (in persian).
21. Gil, R. B. , Andres, E. F. , & Salinas, E. M. (2007). Family as a source of consumer- based brand equity. *Journal of product & brand management*.
22. Kalantari, K. (2009). Modeling structural equations in social, economic research (with Liszarl and Sympolis program). Farhang sbeh Publication, first edition (in persian).
23. KhadamiPour, A. Shafiee, H. (2013). Company sustainability and measurement. *Auditor's Magazine*, (69): 3-1 (in persian).
24. KhaleghiMoghaddam, H. Berzadeh, F. (2003). Relationship between Different Approaches to Measure Corporate Financial

Performance, Empirical Financial Accounting Studies, (2) , 83-106 (in persian).

25. Khani, A. Ebrahimi, K. (2014). The Impact of Brand Value on Sales Revenue and Corporate Market Value, New Marketing Research, 4 (2) 41-54 (in persian).

26. Khudhair, A. A. , Norwani, N. M. , Ahmed, A. A. H. K. , & Aljaway, T. M. (2019). The Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of Iraqi Corporations: A Literature. Journal of Modern Accounting and Auditing, 15 (1) , 28-33.

27. Kim, H. B. , Kim, W. G. , & An, J. A. (2003). The effect of consumer- based brand equity on firms' financial performance. Journal of consumer marketing.

28. Kline, R. B. (2015). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications.

29. Luo, X. , & Bhattacharya, C. B. (2006). Corporate social responsibility, customer satisfaction, and market value. Journal of marketing, 70 (4) , 1-18.

30. McAllister, D. J. (1995). Affect-and cognition-based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations. Academy of management journal, 38 (1) , 24-59.

31. Mohr, L. A. , & Webb, D. J. (2005). The effects of corporate social responsibility and price on consumer responses. Journal of consumer affairs, 39 (1) , 121-147.

32. Mortazavi, S. PourAzad, N. AmirRazavi, P. Sadeghi Moghadam, M. (2010). The Study of the Moderating Modalities of the Importance of Social Responsibility on the Relationship between Social Responsibility and Organizational Commitment; Case Study: Food Industry Companies of Mashhad. Journal of Social Science, Faculty of Science Literature and

Human Sciences of Ferdowsi University of Mashhad, (2) 7, 217-193 (in persian).

33. Myers, C. A. (2003). Managing brand equity: a look at the impact of attributes. *Journal of product & brand management*.

34. Nelling, E. , & Webb, E. (2009). Corporate social responsibility and financial performance: the “virtuous circle” revisited. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 32 (2) , 197-209.

35. Omidwar, a. (2009). Promote corporate social responsibility. Complementary and alternative policies and government mandates. Center for Strategic Research. (33): 9-87.

36. Parkinson, J. E. (1995). Corporate power and responsibility: Issues in the theory of company law. OUP Catalogue.

37. Polonsky, M. J. , & Jevons, C. (2006). Understanding issue complexity when building a socially responsible brand. *European business review*.

38. Rahimian, N. Rezapur, N. Akhzari, H. (2011). "The Role of Ownership Ownership in the Audit Quality of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange", *Audit Knowledge*, 45, 81-68 (in persian).

39. RamezanAli, D. Mehrdost, H. (2009). Investigating the Role of Cultural Managers in Promoting Social Responsibility (Case Study: Single Post Managers of Voice and Television Organization) , *Quarterly Journal of Social Sciences Research*, 3 (3) (in persian).

40. Saghafian, H. (2009). Investigating the Relationship between Social Responsibility and Financial Performance of Manufacturing Companies of Tehran Stock Exchange. Master's dissertation, Tabriz Al-Ghadir Institute (in persian).

41. Sanobar, N. Khalili, M. Saghafian, H. (2010). Investigating the Relationship between Social Responsibility and Corporate Financial

Performance. Journal of Research in Business Management, 2 (4): 28-25 (in persian).

42. SharbatOghly, A. Afshari, D. Najmi, M. (2010). Social Responsibility for the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange, The Journal of Management Science of Iran, 5 (in persian).

43. Simon, C. J. , & Sullivan, M. W. (1993). The measurement and determinants of brand equity: A financial approach. Marketing science, 12 (1) , 28-52.

44. Tricker, R. (1984). "International Corporate Governance", Singapore: Prentice- Hall.

45. Wang, D. H. M. , Chen, P. H. , Yu, T. H. K. , & Hsiao, C. Y. (2015). The effects of corporate social responsibility on brand equity and firm performance. Journal of business research, 68 (11) , 2232-2236.

46. Yazdani, A. (2009). Investigating the relationship between environmental efficiency and asset returns of companies accepted in Tehran Stock Exchange, Master's dissertation, Islamic Azad University of Tabriz (in persian).

47. Yoo, B. , Donthu, N. , & Lee, S. (2000). An examination of selected marketing mix elements and brand equity. Journal of the academy of marketing science, 28 (2) , 195-211.

بررسی رابطه بین جنسیت مدیران و سنگرگیری مدیریتی



محمود لاری دشت بیاض^۱؛ سعید پاکدلان^۲؛ اکرم غنچه^۳؛ فائزه باقری دادوکلائی^۴

چکیده

شرکت‌ها مقررات «سنگرگیری» را برای جذب مدیران خوب برای رفتار به روشی که در جهت منافع بلندمدت سهام‌داران است، اتخاذ می‌کنند. دو دیدگاه متضاد در مورد این مقررات شرکتی وجود دارد. یک دیدگاه این است که مقررات حاکمیت شرکتی، مکانیسم انضباطی برای (تسهیل) حذف مدیریت است و در نتیجه تثبیت مدیریت را تضعیف می‌کند. استدلال متقابل این است که شرکت‌ها مقررات نظارتی سنگرگیری را برای جذب و حفظ مدیران خوب اتخاذ می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی جنسیت مدیران بر سنگرگیری مدیریت است. سنگرگیری مدیریتی پدیده‌ای است که می‌تواند به عنوان قدرت مدیریتی برای سلب مالکیت ثروت درک شود. بدین منظور تعداد ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار برای سال‌های ۹۲ تا ۹۸ انتخاب گردیدند. برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده

۱. دانشیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد. تلفن همراه: ۰۹۱۵۱۱۳۰۵۲۵ ایمیل: m.lari@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری حسابداری دانشگاه مازندران و استادیار گروه حسابداری موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاندیز، مشهد. (نویسنده مسئول). تلفن همراه: ۰۹۱۵۲۰۴۳۶۴۷ ایمیل: saeedpakdelan@shandiz.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاندیز، مشهد. تلفن همراه: ۰۹۱۵۵۱۶۰۱۰۹ ایمیل:

Akramghoncheh@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد مدیریت مالی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاندیز، مشهد. تلفن همراه: ۰۹۹۱۰۷۱۱۷۳۲ ایمیل:

faeze.bagheri7094@gmail.com

شد. دراین پژوهش برای تجزیه و تحلیل تأثیر جنسیت مدیران بر سنگ‌گیری مدیریت، ما اثر آن را بر روی مالکیت مدیریتی، پاداش مدیران و دوگانگی نقش مدیرعامل بررسی می‌کنیم. نتایج پژوهش نشان داد بین جنسیت مدیرعامل و مالکیت مدیریتی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج گویای این است که جنسیت مدیرعامل نمی‌تواند پاداش هیئت مدیره را تحت تأثیر قراردهد. همچنین جنسیت مدیرعامل با دوگانگی نقش مدیرعامل رابطه معناداری دارد.

واژه‌گان کلیدی: سنگ‌گیری مدیران، جنسیت مدیران، مالکیت مدیریتی.

مقدمه

کنترل شرایط و ارتقای سطح قدرت تصمیم‌گیری، در مرور زمان و با تثبیت جایگاه مدیران حادث می‌شود که اصطلاحاً به آن «سنگرگی مدیریتی» گویند. به عبارت دیگر، سنگرگی مدیریتی، به میزان تلاش مدیران برای تحت اختیار درآوردن و کنترل امور اشاره دارد تا به این وسیله اوضاع را آن طور که می‌خواهند، تغییر دهند (ولیان و همکاران، ۱۳۹۸).

مدیران وقتی به حدی دارای قدرت و کنترل باشند که بتوانند به جای منافع سهام‌داران، منافع شخصی خود را دنبال کنند، باثبات‌ترند. افزایش ثبات مدیریت به معنای افزایش اختیارات و قدرت مدیران در بنگاه اقتصادی است. ریشه‌دارتر شدن مدیر ممکن است اهداف مدیریتی را به سمت حداکثر کردن منافع شخصی وی سوق دهد. بنابراین، سنگرگی می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را افزایش و احتمال برکناری مدیران ناکارآمد را کاهش دهد (آ.داه و همکاران^۱، ۲۰۲۰). مدیران برای تثبیت موقعیت خود از اختیار تصمیم‌گیری برای اجرای برنامه‌های شخصی خود استفاده می‌کنند و به ارزش شرکت توجهی ندارند. آن‌ها موقعیت خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های خاص که ریسک کمی دارد، تثبیت می‌کنند و نشان می‌دهند که نقش با ارزشی برای منافع سهام‌داران دارند. مدیران وقتی قدرتمند باشند، به سنگرگی روی می‌آورند. آن‌ها ممکن است این قدرت را به دلیل نقش دوگانه خود به عنوان مدیرعامل و رئیس، تصدی طولانی مدت در ریاست، مالکیت در سهام، یا موقعیت به عنوان بنیان‌گذار شرکت، به دست آورند. سنگرگی به تمام رفتارهایی که موجب جایگاه شغلی، افزایش آزادی تصمیم‌گیری و حفظ منافع شخصی است، مربوط می‌شود (تقی زاده خانقاه و زینالی، ۱۳۹۵). سنگرگی به این نکته اشاره دارد که ارزش بازار مؤسسه می‌تواند به‌طور معکوس تحت تأثیر نسبت بالای مالکیت مدیریت باشد. یعنی زمانی که مدیر، کنترل بخش قابل توجهی از سهام مؤسسه را در دست داشته باشد، ممکن است از خود

1. Dah et al

رفتارهایی نشان دهد که در جهت منافع شخصی بوده و کاملاً با هدف به حداکثر رساندن ارزش مؤسسه مغایر باشد. بنابراین، سنگربندی یا مالکیت مدیریتی به عنوان درصد سهام متعلق به مدیران شرکت تعریف می شود (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶).

طبق پژوهش های انجام شده، اخیراً حضور زنان در جایگاه مدیریتی شرکت ها بخصوص در هیئت مدیره رشد چشمگیری داشته است. مطالعات نشان می دهند کمبود حضور مدیران زن به دلیل نابرابری جنسیتی در راهبری شرکت ها است. تبعیض درجنسیت سبب می شود که سازمان از منابع انسانی خود نهایت استفاده را نبرد. همچنین مطالعات نشان می دهد که زنان از مهارت های ارزشمندی برخوردار هستند که به بهبود عملکرد شرکت منجر می شود که آن نیز بر ارزش شرکت اثر مثبت خواهد داشت (فروغی و خدای پور، ۱۳۹۹). برخورداری از مدیران زن مشروعیت خارجی شرکت را افزایش می دهد؛ زیرا بدین معنا است که شرکت برابری جنسیتی و اهمیت زنان در کار و بازار محصول که در ارزش شرکت منعکس می شود را در نظر گرفته است (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۵). با وجود این، در پژوهش های حسابداری، ویژگی تنوع جنسیتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بر اساس معدودی از مطالعات، اعضای هیئت مدیره زن، نقش نظارتی بهتری بر مدیریت دارند (فروغی و خدای پور، ۱۳۹۹). کراث و رورز^۱ (۲۰۱۰) نشان دادند که شرکت های با مدیریت زنان در مقایسه با شرکت های بدون مدیران زن عملکرد بهتری دارند. به علاوه پژوهش های متعددی نشان می دهند که رهبری زنان در زمان رکود، نقشی مهم در کمک به پایداری شرکت ایفا می کند. مدیران زن محیط دوستانه تری ایجاد می کنند و حقوق و دستمزد برابر برای کارگران تازه استخدام شده پرداخت می کنند (جفری و لیو^۲، به رغم امتیازات نمایش زنانه در موقعیت های اجرایی، تعدادی از تحقیقات روی حقوق دریافتی

1. Ckerath & Rovers

2. Geoffrey & Liu

جنسیتی، گواه کمتر بودن درآمد زنان هستند. بر اساس اداره سرشماری ایالات متحده، برای هر دلاری که یک مرد به عنوان حقوق دریافت می‌کند، یک زن ۰.۸۰۷ سنت دریافت می‌کند و مردان در حقوق سالانه متوسط ۹۹۰۹ دلار بیشتر از زنان درآمد دارند (داه و همکاران، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد رابطه بین عملکرد مثبت و جابه‌جایی مدیر منفی باشد؛ به این معنا که وقتی شرکت در موقعیت ضعیفی قرار دارد، احتمال جابه‌جایی مدیر افزایش می‌یابد. یک معیار مهم برای اندازه‌گیری ثبات مدیریت، میزان خروج اختیاری (استعفا، بازنشستگی) مدیر است. مدیران بی‌ثبات بیشتر در معرض تنبیه توسط هیئت مدیره یا بازار هستند و در نتیجه بیشتر مورد اخراج قرار می‌گیرند. بر عکس مدیران با ثبات، کمتر به خروج ناخواسته مجبور می‌شوند. در نتیجه هر چه یک مدیر بیشتر ثبات داشته باشد، کمتر احتمال دارد که کسی جایگزین او شود. شواهدی وجود دارد که هیئت‌های مدیره مستقل به احتمال زیاد پس از عملکرد ضعیف سهام، جابه‌جایی مدیرعامل را اجبار می‌کنند. بنابراین، اگر مدیران زن ناظران قوی‌تری باشند، باید انتظار داشته باشیم که جابه‌جایی مدیرعامل نسبت به عملکرد، در شرکت‌هایی با هیئت‌های مدیره با تنوع جنسیتی بیشتر، حساس‌تر باشد (آدامز و فریرا^۱، ۲۰۰۸). در حالی که زنان با موانع بیشتری در راس شرکت‌ها نسبت به مردان مواجه هستند، به نظر می‌رسد کسانی که به چنین موقعیت‌هایی دست می‌یابند، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن‌ها را به کسب قدرت و کنترل بر شرکت‌ها قادر می‌کند (کچوری و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

با توجه به مطالب مذکور، در این تحقیق به بررسی رابطه بین جنسیت مدیران و سنگرگی مدیریت پرداخته می‌شود.

1. Adams & Ferreira

2. Kachouri et al

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سنگرگیری مدیریتی الزاما از طریق حداکثر کردن ثروت سهامداران اتفاق نمی افتد. همچنین به دور از روابط پشت پرده سیاسی و حزبی، ثبات مدیران ریشه در شناخت بهتر بازار و تغییرات آن به منظور تطبیق با آن شرایط دارد؛ چرا که در این صورت می تواند ثبات رویه را در شرکت و در بین رقیبان ایجاد کند (ولیان و همکاران، ۱۳۹۸). طبق نظریه نمایندگی، مدیران گاهی اوقات به نفع سهامداران عمل نمی کنند. گاهی مدیران می توانند تصمیماتی بگیرند که از دیدگاه سهامداران ذینفع هستند. یکی از این تصمیمات ایجاد امپراتوری است، که ارزش شرکت را با کاهش تمرکز بر عملکرد عملیاتی کاهش می دهد، و نشان دهنده تلاش مدیران اجرایی و مدیرعامل برای افزایش دامنه و اندازه سازمان به منظور افزایش موقعیت، قدرت، و نفوذ آنها است. هیئت مدیره به عنوان یک محافظ در نظر گرفته شده است تا مانع از این شود که مدیرعامل کنترل را به دست گیرد و بر اقدامات پیگیری کننده، مانند تملک توجه نشده از نظر اقتصادی تمرکز کند، که هدف اصلی آن افزایش قدرت، پاداش، موقعیت، و همچنین افزایش ثروت مدیرعامل است (استان و اسمیت^۱، ۲۰۲۱). مالکیت مدیریتی بالاتر از سطوح خاص، یک مکانیزم بازدارندگی تصاحب است که سنگرگیری مدیریتی را ارتقا می دهد. استفاده از این مکانیزم ها، جابه جایی مدیریتی را کاهش می دهد، که به عنوان نمونه دیگری از سنگرگیری مدیریتی در نظر گرفته می شود (ساروکا و تربو^۲، ۲۰۱۰). با توجه به نظریه جبهه گیری مدیریت، مالکیت مدیریتی، گاهی اوقات مشکل ساز می شود؛ زیرا سرکوب مدیران حتی اگر عملکردشان رضایت مندانه نباشد، مشکل خواهد بود. بنابراین، باعث تضعیف فرآیند نظارت توسط سهامداران بیرونی می شود و امکان و احتمال تعدیل ارقام حسابداری توسط مدیران فراهم می شود. از سوی دیگر، براساس نظریه

1 . Stan & Smith

2 . Surroca & Trib

سنگرگیری مدیریت، هنگامی که مدیران دارای نقش دوگانه باشند از اختیارات بالاتری برخوردار خواهند بود، که به افزایش سنگرگیری آن‌ها در جهت دستیابی به اهداف شخصی‌شان منجر می‌شود (محمدی ملقرنی و خداپنده لو، ۱۳۹۸). استدلال شده است که حضور مدیران زن در هیئت مدیره شرکت‌ها مزایای بسیاری دارد. شرکت‌ها می‌توانند مزیت رقابتی فراوانی را با پذیرا بودن به سهم زنان به دست آورند (مصلی و همکاران، ۱۳۹۹). کاهش ارزش شرکت احتمال انتصاب مدیر اجرایی زن را بالا می‌برد. به علاوه افزایش ریسک سیستماتیک به حضور مدیرعامل‌های زن به طور مثبت وابسته است. این تأییدی بر این نظریه است که انتصاب مدیرعامل‌های زن عموماً به شرکت‌هایی با شرایط نامطلوب وابستگی دارد. به علاوه، احتمال انتصاب مدیرعامل زن به طور منفی از اندازه شرکت، سن مدیرعامل، سابقه مدیر و اندازه هیئت مدیره تأثیر می‌پذیرد. در این زمینه، افزایش هر دو، اندازه شرکت و اندازه هیئت مدیره امکان استخدام مدیرعامل زن را کاهش می‌دهد. زنان جوان احتمال بیشتری دارد به عنوان مدیرعامل‌های شرکت انتخاب شوند تا زنان مسن. به علاوه احتمال زن بودن مدیرعامل هنگامی که زمان خدمت به هیئت مدیره توسط مدیر افزایش می‌یابد، کم می‌شود (داه و همکاران، ۲۰۲۰). در بسیاری از کشورها، افزایش حضور زنان در هیئت مدیره و همچنین در مشاغل سطح بالا به مسئله‌ای بحث برانگیز تبدیل شده است. برای مثال در مورد کشور نروژ، طبق قوانین سیاسی حضور زنان در میان اعضای هیئت مدیره اجباری است (مصلی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین در انگلستان همانند نروژ قانونی به تصویب رسیده است که ۳٪ مدیران شرکت‌ها، از زنان تشکیل شده باشد. وضع چنین قوانین در کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکایی دلالت بر اهمیت موضوع و نیز وجود حساسیت بر امور زنان و به‌کارگیری نیمی از قشر جامعه در مناصب مدیریتی در سازمان‌ها و شرکت‌های عظیم تولیدی و خدماتی است (مجدزاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۸). توسعه‌یافتگی هر جامعه، باید همه افراد را قادر کند توانایی‌های خود را، تا بیشترین حد ممکن افزایش دهند. در این میان، افزایش و بهبود

مشارکت زنان در سطح مدیریتی از یک سو، برای دیگر بانوان انگیزه ایجاد می‌کند تا بر کوشش‌ها و تلاش‌هایشان بیفزایند و از سوی دیگر، بر سطح کلان برداشت‌ها و باورهای یک جامعه، تأثیر مثبت بگذارد. به‌رغم تلاش‌های زیادی که تاکنون در این زمینه انجام شده است؛ هنوز سیستم‌های ارتقا، در بسیاری از سازمان‌ها ناعادلانه به نظر می‌رسند. به هر حال بانوان در حدود نیمی از منابع انسانی سازمان‌ها را تشکیل می‌دهند و به خصوص در ایران با توجه به تمایل بیشتر بانوان به ادامه تحصیل و اشتغال در سازمان‌های دولتی، احتمال حضور و فعالیت بانوان در سازمان‌ها رو به افزایش است.

مطالعات قبلی نشان می‌دهد که زنان دارای مهارت‌های ارزشمندی هستند که برای مقابله با محیط‌های ناپایدار حیاتی هستند. این مهارت‌ها شامل حل تعارض، تطبیق با تغییر، ایجاد کار با کیفیت بالا، توسعه قابلیت‌های فرد و انگیزه بخشیدن به دیگران، کاهش استرس در میان زیردستان و بهبود بهره‌وری آن‌ها می‌شود (کچوری و همکاران، ۲۰۱۹). تعهد کاری هنگام اجرای مسئولیت، انگیزه فراوان جهت پیشبرد امور به نحو احسن، حس رقابت در محیط کار نسبت به هم‌تایان خود (مدیران مرد)، حضور بیشتر در کمیته‌های نظارت و دیگر ویژگی‌های شخصیتی و کاری مدیر زن، اثرات به‌سزایی در تصمیم‌گیری‌های مالی در هیئت مدیره شرکت‌ها و سازمان‌ها دارد و همچنین موجب ارتقای عملکرد شرکت، افزایش رضایت‌مندی سهام‌داران و بالا رفتن بازدهی شرکت خواهد شد (مختاری، ۱۳۹۹). در خصوص ایده رابطه بین درصد زنان در هیئت مدیره و سنگرگیری مدیران، کبه^۱ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که حضور مدیران زن پاداش مدیرعامل را افزایش می‌دهد. در حالی که زنان با موانع بیشتری در راس شرکت‌ها نسبت به مردان مواجه هستند، به نظر می‌رسد کسانی که به چنین موقعیت‌هایی دست می‌یابند، دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن‌ها را به کسب قدرت و کنترل بر شرکت‌ها قادر

1. Kebbe

♦ بررسی رابطه بین جنسیت مدیران و سنگرگی مدیریتی ◇ ۱۶۳

می‌کند. فاسیو و همکاران^۱ (۲۰۱۶) به این نتیجه دست می‌یابند که شرکت‌های با مدیران ارشد زن نرخ بقا بالاتر و سود پایدارتری دارند.

پیشینه پژوهش متنوعی در ارتباط با جنسیت مدیران و سنگرگی مدیریتی وجود دارد. داه و همکاران (۲۰۲۰) ۱۵۰۰ شرکت را در بازه ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ مورد آزمون قرار می‌دهند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که به حساب آوردن کارایی، ارزش شرکت، سن مدیرعامل، سن شرکت، و اندازه هیئت مدیره احتمال انتصاب مدیران زن را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، انتصاب مدیرعامل مونث، مستقیماً با درصد مدیران مونث و استقلال هیئت مدیره در ارتباط است. در این مقاله این نتیجه گرفته شده است که سطح ثبات (سنگرگی) مدیرعامل‌های مونث برای آن‌ها امنیت شغلی بالاتر، سطح کنترل بالاتر و مزد بیشتر به ارمغان می‌آورد که ریسک پذیرفتن انتصاب در یک شرکت با ریسک بالا و کمی بازده را جبران می‌کند. هارپر و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، تأثیرات سقوط قیمت سهام بر قدرت مدیرعامل را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در محیطی با کنترل کم، بعد از کاهش قیمت سهام، تمام سرزنش متوجه مدیرعامل‌ها است و قدرتشان کاهش پیدا می‌کند. آن‌ها نشان می‌دهند که قدرت مدیرعامل زن بعد از کارایی ضعیف در بازار بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. ال داه^۳ (۲۰۱۸) دریافت که در نظریه نمایندگی نقش مدیران مستقل به عنوان ناظران بهتر بر رفتار مدیریت در شرکت‌هایی که مدیرعامل قدرتمندی دارند؛ بیشتر نمایان می‌شود. توانایی ترکیب کردن دو قدرت، ثبات مدیرعامل را تسهیل می‌کند؛ اما ریسک سوء استفاده مدیرعامل در شرکت‌هایی که استقلال هیئت مدیره بیشتری دارند، نگرانی کمتری را بر می‌انگیزد. اخگر و زاهد دوست (۱۳۹۷)، به بررسی رابطه بین عملکرد و گردش مدیرعامل شرکت با نقش تعدیلی

1 . Faccio et al

2. Harper et al

3 . Al Dah

نفوذ مدیرعامل پرداختند. نتایج تحقیق آن ها نشان داد عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل رابطه منفی و معناداری با هم دارند. همچنین نتایج گویای این بود که نفوذ مدیرعامل بر رابطه بین عملکرد شرکت و گردش مدیرعامل تأثیر معناداری ندارد. اکبری و همکاران (۱۳۹۶)، ارتباط بین نقش تعدیل گر درصد مدیران غیرموظف بر رابطه بین فرصت های سرمایه گذاری و عملکرد مالی را بررسی کردند. هدف از این پژوهش بررسی نقش تعدیل گر مدیران غیرموظف بر رابطه بین فرصت های سرمایه گذاری و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که درصد مدیران غیرموظف در رابطه بین فرصت های سرمایه گذاری و عملکرد مالی نقش تعدیل گری ایفا می کند. یافته ها نشان می دهد که مدیران غیر موظف با نظارت بیشتر، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نمایندگی را کاهش داده و از این طریق تأثیر فرصت های سرمایه گذاری بر عملکرد مالی را در شرکت های مورد مطالعه افزایش خواهد یافت.

فرضیه های پژوهش

پذیرفتن مسئولیت مدیریت یک شرکت با کارایی ضعیف با سطح درآمد پایین تر زنان در مقایسه با هم تایان مرد، ما را بر آن می دارد تا توجه های بیشتری را غیر از این که زنان حاضرند خود را در معرض خطر قرار دهند تا به راس سلسله مراتب برسند بررسی کنیم. در نتیجه ما فرضیه های زیر را داریم:

فرضیه اصلی تحقیق: بین جنسیت مدیرعامل با جبهه گیری مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی اول: بین جنسیت مدیرعامل با مالکیت مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی دوم: بین جنسیت مدیرعامل با پاداش هیئت مدیره رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی سوم: بین جنسیت مدیرعامل با دوگانگی نقش مدیرعامل رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی، از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب روش، از نوع توصیفی و از میان انواع پژوهش‌های توصیفی، از نوع همبستگی می‌باشد. رویکرد پژوهش نیز پس‌رویدادی (استفاده از داده‌های رویدادهای گذشته) است. به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها، از روش تحلیل همبستگی و روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جامعه مورد آزمون در این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ را که اطلاعات آن‌ها در دسترس است شامل می‌شود. به منظور آزمون فرضیه‌ها تعداد ۱۰۱ شرکت انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

روش محاسبه سنگرگی مدیریتی: در تجزیه و تحلیل تأثیر جنسیت مدیرعامل بر سنگرگی مدیریتی، ما اثر آن را بر روی مالکیت مدیریتی، پرداخت پاداش مدیران و دوگانگی مدیرعامل بررسی می‌کنیم.

مالکیت مدیریتی: نسبت تعداد کل سهام متعلق به هیئت مدیره به تعداد کل سهام پاداش مدیران: بر اساس تئوری نمایندگی، سازمان مجموعه‌ای از قراردادهاست. یکی از مهم‌ترین این قراردادها، قرارداد یا طرح پاداش بین سهامداران عمده و مدیران شرکت است (نمازی و سیرانی، ۱۳۸۳).

برای استخراج اطلاعات مربوط به پاداش پرداختی به هیئت مدیره، از گردش حساب سود(زیان) انباشته، از یادداشت‌های توضیحی قسمت هزینه‌های عمومی و اداری تصمیمات مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام و خلاصه تصمیمات مجمع عمومی عادی استفاده می‌شود. با توجه به این‌که شرکت‌ها تنها یک رقم را به عنوان پاداش اعلام می‌کنند و انواع پاداش، از جمله پاداش غیر نقدی را افشا نمی‌کنند، همان رقم به عنوان پاداش کل در نظر گرفته می‌شود (جهان‌شاد و علم‌اهرمی، ۱۳۹۲).

در مورد جبران خسارت مدیر، این مبلغ شامل حقوق، پاداش، ارزش کمک های سهام محدود، کمک هزینه، پرداخت های مشوق بلندمدت و سایر پاداش ها است. لگاریتم طبیعی پاداش هیئت مدیره گزارش شده در یادداشت های توضیحی (در هزینه های عمومی و اداری) و صورت جلسات مجمع.

دوگانگی نقش مدیرعامل: اگر مدیرعامل، رییس یا نایب رییس هیئت مدیره باشد مقدار ۱ و در غیر این صورت ۰ است.

روش محاسبه جنسیت مدیران: متغیر ساختگی که اگر مدیرعامل زن باشد، مقدار ۱ و اگر مرد باشد، مقدار ۰ می گیرد.

روش محاسبه متغیرهای کنترلی

ROA_{t-1} : نسبت درآمد خالص قبل از اقلام غیر مترقبه عملیات متوقف شده دوره قبل به کل دارایی ها؛

FS: لگاریتم طبیعی کل دارایی های دوره قبل؛

$CAPEX_{t-1}$: مخارج سرمایه در دوره قبل؛

Liquidity: نسبت خالص دارایی های جاری به کل دارایی ها دوره قبل؛

Leverage: نسبت بدهی های بلند مدت به کل دارایی ها در دوره قبل؛

PPE_{t-1} : دارایی ثابت دوره قبل؛

درصد مدیران مستقل: نسبت تعداد کل مدیران مستقل در هیئت مدیره شرکت به اندازه هیئت مدیره؛

Tobin's Q: نسبت ارزش بازار سهام به دارایی های شرکت.

هدف این پژوهش تمرکز بر جنسیت است و بررسی رابطه بین این ویژگی و سنگرگیری مدیریت است. قابل ذکر است در این پژوهش از مالکیت مدیریتی، دوگانگی نقش مدیرعامل و

پاداش مدیران به عنوان شاخص های سنگرگی مدیریتی استفاده شده و به طور جداگانه تأثیر جنسیت مدیران بر هر یک از شاخص های فوق در قالب ۳ فرضیه سنجیده می شود.

برای آزمون فرضیه فرعی اول تحقیق از مدل زیر استفاده می شود:

$$B. OWN_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gender Dummy}_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Q. \text{Tobin}_{i,t} + \beta_4 FS_{i,t} + \beta_5 CAPEX_{i,t} + \beta_6 Liquidity_{i,t} + \beta_7 \text{Percentage Independent}_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \eta_{i,t}$$

مدل (۱)

برای آزمون فرضیه فرعی دوم تحقیق از مدل زیر استفاده می شود:

$$\text{Compensation}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gender Dummy}_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Q. \text{Tobin}_{i,t} + \beta_4 FS_{i,t} + \beta_5 CAPEX_{i,t} + \beta_6 Liquidity_{i,t} + \beta_7 \text{Percentage Independent}_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \eta_{i,t}$$

مدل (۲)

برای آزمون فرضیه فرعی سوم تحقیق از مدل زیر استفاده می شود:

$$CEO \text{ DUAL}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gender Dummy}_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 Q. \text{Tobin}_{i,t} + \beta_4 FS_{i,t} + \beta_5 CAPEX_{i,t} + \beta_6 Liquidity_{i,t} + \beta_7 \text{Percentage Independent}_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \eta_{i,t}$$

مدل (۳)

جدول (۱) نحوه محاسبه متغیرها

نوع متغیر	نام متغیر	نماد متغیر	نحوه‌ی محاسبه
وابسته	پاداش	Compensation	لگاریتم طبیعی پاداش کل مدیرعامل
وابسته	دوگانگی نقش مدیرعامل	CEO DAUL	اگر مدیرعامل، رییس یا نایب رییس هیئت مدیره باشد مقداراً ۱ و در غیر اینصورت ۰ است.
وابسته	درصد سهام مدیریت	B. OWN	نسبت تعداد کل سهام متعلق به هیئت مدیره به تعداد کل سهام
مستقل	جنسیت	Gender Dummy	متغیر ساختگی که اگر مدیر زن باشد، مقدار ۱ و اگر مرد باشد، مقدار ۰ می‌گیرد.
کنترلی	بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت درآمد خالص قبل از اقلام غیر مترقبه عملیات متوقف شده دوره قبل به کل دارایی‌ها
کنترلی	نسبت کیوتوبین	Tobin's Q	نسبت ارزش بازار سهام به دارایی‌های شرکت
کنترلی	اندازه شرکت	FS	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های دوره قبل
کنترلی	مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	مخارج سرمایه در دوره قبل
کنترلی	اهرم بدهی	Leverage	نسبت بدهی‌های بلند مدت به کل دارایی‌ها در دوره قبل
کنترلی	نقد شوندگی	Liquidity	نسبت خالص دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها دوره قبل
کنترلی	درصد مدیران مستقل	Percentage Independent	نسبت تعداد کل مدیران مستقل در هیئت مدیره شرکت به اندازه هیئت مدیره
کنترلی	خالص دارایی ثابت	PPE	تقسیم خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت در پایان سال t بر کل دارایی‌های شرکت در پایان سال t

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. همچنین پیش‌آزمون‌های لازم، مانند آزمون ریشه واحد انجام خواهد شد. پس از تأیید نتایج پیش‌آزمون‌ها، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته و نتایج در قالب مدل‌های رگرسیونی تخمین زده می‌شود. البته با توجه به این‌که داده‌های این پژوهش به صورت تابلویی هستند، آزمون‌های اف-لیمر (چاو) و هاسمن برای تشخیص این‌که مدل رگرسیونی با اثرات ثابت است یا تصادفی انجام می‌گردد. آماره‌های توصیفی متغیرها در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش						
تعریف عملیاتی	نماد متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
مالکیت مدیریتی	B. OWN	۷۰۱	۲۸/۷۳۳۶۲	۲۷/۱۷۰۰۰	۵۰/۰۰۰۰۰	۱۰/۰۷۰۰۰
بازداشت هیئت مدیره	compensation	۷۰۱	۶/۸۰۵۳۱۲	۶/۸۳۰۰۰۰	۱۳/۳۲۰۰۰	-۰/۵۵۰۰۰
توگانگی نقش مدیرعامل	CEO DUAL	۷۰۱	۰/۰۷۲۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
جنسیت مدیرعامل	Gender Dummy	۷۰۱	۰/۲۴۴۸۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
بودآوری	ROA	۷۰۱	۰/۱۴۰۴۸۰	۰/۱۱۰۰۰۰	۰/۶۳۰۰۰۰	-۰/۱۱۲۴۱
سبب کیوتوبین	Q/Tobin	۷۰۱	۲/۰۲۹۰۴۰	۱/۶۷۰۰۰۰	۱۵/۳۳۰۰۰	۰/۴۷۰۰۰۰
بازده شرکت	FS	۷۰۱	۱۴/۶۹۳۱۸	۱۴/۴۱۰۰۰	۱۹/۷۷۰۰۰	۱۰/۵۳۰۰۰
بخارج سرمایه‌ای	CAPEX	۷۰۱	۰/۰۳۵۹۳۶	۰/۰۲۰۰۰۰	۰/۴۲۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
هرم مالی	Leverage	۷۰۱	۰/۰۶۲۱۴۴	۰/۰۳۰۰۰۰	۰/۴۹۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
نقدینگی	Liquidity	۷۰۱	۰/۶۵۹۸۴۰	۰/۶۸۰۰۰۰	۰/۹۸۰۰۰۰	۰/۱۱۰۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	Percentage	۷۰۱	۰/۶۶۹۱۶۸	۰/۶۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
ارایی‌های ثابت	PPE	۷۰۱	۰/۲۳۰۳۶۸	۰/۱۹۰۰۰۰	۰/۷۸۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰

آماره‌های توصیفی تحقیق برای شرکت‌های نمونه در جدول شماره (۲) ارائه شده است. با توجه به این‌که تعداد شرکت‌های نمونه ۱۰۱ شرکت در ۷ سال، طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۲ بررسی شده‌اند، تعداد مشاهدات در داده‌های تابلویی ۷۰۱ مورد است. نتایج آزمون مانایی به صورت جدول (۳) می‌باشد:

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی (آزمون هادری) متغیرهای پژوهش			
تعریف عملیاتی	نماد متغیر	آزمون معناداری	آماره آزمون
مالکیت مدیریتی	B. OWN	***./....	۱۴/۸۹۳۴
پاداش هیئت مدیره	compensation	***./....	۱۴/۶۱۲۵
دوگانگی نقش مدیرعامل	CEO DUAL	***./....	۹/۶۸۳۱۶
جنسیت مدیرعامل	Gender Dummy	***./....	۸/۹۵۴۹۲
سودآوری	ROA	***./....	۷/۹۹۸۰۹
نسبت کیو توبین	Q/Tobin	***./....	۱۰/۱۸۴۶
اندازه شرکت	FS	***./....	۱۷/۸۱۹۴
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	***./....	۱۰/۳۵۲۱
اهرم مالی	Leverage	***./....	۱۳/۷۷۵۵
نقدینگی	Liquidity	***./....	۱۳/۴۶۲۱
استقلال هیئت مدیره	Percentage Independent	***./....	۱۱/۴۱۰۸
دارایی‌های ثابت	PPE	***./....	۱۳/۰۸۴۹

نتایج آزمون هادری در جدول شماره ۳ منعکس شده است. براساس این نتایج، فرضیه صفر مبتنی بر ریشه واحد متغیرها یا نامانایی آن‌ها در سطح ۰/۰۵ اطمینان رد می‌شود و تمامی متغیرهای پژوهش مانا می‌باشند. بنابراین، بدون نگرانی از وجود ریشه واحد متغیرها، می‌توان الگوی این تحقیق را برآورد کرد.

در این تحقیق به بررسی رابطه جنسیت مدیرعامل با سبک‌های مدیریت (جبهه‌گیری) مدیریتی پرداخته می‌شود. قابل ذکر است به دلیل این‌که برای محاسبه جبهه‌گیری مدیریتی از شاخص مالکیت مدیریتی، پاداش هیئت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل استفاده شده است؛ فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر است:

فرضیه اصلی تحقیق: بین جنسیت مدیرعامل با جبهه گیری مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین جنسیت مدیرعامل با مالکیت مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی دوم: بین جنسیت مدیرعامل با پاداش هیئت مدیره رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه فرعی سوم: بین جنسیت مدیرعامل با دوگانگی نقش مدیرعامل رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه فرعی اول: بین جنسیت مدیرعامل با مالکیت مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.

قبل از برازش مدل رگرسیونی و آزمون فرضیه، باید بررسی گردد که چه مدل رگرسیونی مناسب آزمون فرضیه است. برای تعیین استفاده از یکی از روش های مدل داده های تلفیقی یا مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی، از سه آزمون F تعمیم یافته (چاو)، ضریب لاگرانژ و هاسمن استفاده می شود.

با توجه به نتایج جدول شماره ۴، معناداری آزمون F تعمیم یافته (چاو) از ۰/۰۵ کمتر است. لذا از بین مدل اثرات ثابت و مدل داده های تلفیقی، مدل اثرات ثابت برگزیده می شود. در مرحله بعد، معناداری آزمون هاسمن از ۰/۰۵ بیشتر است. لذا از بین مدل اثرات ثابت و مدل اثرات تصادفی، مدل اثرات تصادفی برگزیده می شود. بنابراین، می توان نتیجه گرفت از بین سه مدل مذکور، مدل اثرات تصادفی جهت برازش مدل رگرسیونی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول (۴): آزمون تعیین روش تخمین مدل داده های تابلویی			
آزمون های تشخیص روش	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
آزمون F تعمیم یافته	۱۱۶۹۴۹/۱۸	۰/۰۰۰۰	تاکید مدل اثرات ثابت در مقابل مدل داده های تلفیقی
آزمون هاسمن	۳۴۲۱۷۵/۱۴	۰/۱۱۰۷	تاکید مدل اثرات تصادفی در مقابل مدل اثرات ثابت
نتیجه نهایی	تاکید مدل اثرات تصادفی در مقابل مدل اثرات ثابت و مدل داده های تلفیقی		

نتایج مندرج در جدول شماره ۵ نشان می دهد، مقدار معناداری آماره F ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از برآزش مناسب مدل و معناداری کل رگرسیون می باشد. از سویی، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۱ بوده و به عبارتی، حدود ۱۱ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده اند. همچنین، آماره دوربین واتسون با مقدار ۱/۷۸ و قرار گرفتن آن بین بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نشان از عدم خودهمبستگی مرتبه بین خطاهای مدل می باشد. نتایج جدول شماره ۵ نشان می دهد که جنسیت مدیرعامل (متغیر $Gender\ Dummy_{i,t}$) با سطح معناداری (۰/۰۵۸۲) با مالکیت مدیریتی دارای رابطه منفی و معنادار می باشد. نتیجه نهایی پذیرش فرضیه فرعی اول می باشد.

جدول (۵): نتایج آزمون رگرسیون فرضیه فرعی اول					
متغیر Variable	ضریب Coefficient	انحراف معیار Std/Error	آماره تی TStatistic	معناداری Prob	
جنسیت مدیرعامل	Gender Dummy	۰/۰۰۶۸۰۸-	۰/۰۰۲۹۱۴	۲/۳۳۵۹۹۱-	۰/۰۵۸۲*
سودآوری	ROA	۰/۰۳۷۸۳۳-	۰/۰۱۳۷۱۷	۲/۷۵۸۰۰۶-	۰/۰۳۲۹**
نسبت کیو تو بین	Q/Tobin	۰/۰۰۱۲۷۴	۰/۰۰۱۰۰۳	۱/۲۷۰۷۴۱	۰/۲۵۰۹
اندازه شرکت	FS	۰/۰۰۵۸۸۹-	۰/۰۰۲۶۷۶	۲/۲۰۰۷۷۶-	۰/۰۷۰۰*
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	۰/۰۱۹۴۲۸	۰/۰۲۳۶۴۷	۰/۸۲۱۶۰۶	۰/۴۴۲۷
اهرم مالی	Leverage	۰/۱۰۷۸۹۱-	۰/۰۱۸۲۰۹	۵/۹۲۵۰۸۰-	۰/۰۰۱۰***
نقدینگی	Liquidity	۰/۰۱۷۷۲۳-	۰/۰۲۹۶۸۴	۰/۵۹۷۰۶۶-	۰/۵۷۲۳
استقلال هیئت مدیره	Percentage Independent	۰/۰۱۰۳۶۲-	۰/۰۱۵۳۸۱	۰/۶۷۳۶۷۳-	۰/۵۲۵۶
دارایی‌های ثابت	PPE	۰/۰۲۳۹۲۱-	۰/۰۲۸۸۵۰	۰/۸۲۹۱۵۲-	۰/۴۳۸۸
ضریب ثابت	C	۰/۴۰۵۹۱۸	۰/۰۳۰۴۹۵	۱۳/۳۱۱۱۷	۰/۰۰۰۰***
آماره F (معناداری کل رگرسیون)		۱/۸۷۸۷۹۲			
معناداری آماره F		۰/۰۰۲۰۹۹			
ضریب تعیین		۰/۱۲۳۷۵۲			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۱۱۱۱۰			
آماره دوربین واتسون		۱/۷۸۸۷۶۷			

آزمون فرضیه فرعی دوم: با توجه به نتایج جدول شماره ۶، معناداری آزمون F تعمیم یافته (چاو) کمتر از ۰/۰۵ و معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت از مدل اثرات ثابت برای برازش مدل رگرسیونی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول (۶): آزمون تعیین روش تخمین مدل داده های تابلویی			
آزمون های تشخیص روش	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
آزمون F تعمیم یافته	۳/۶۰۸۹۲	۰/۰۰۰۰	تاکید مدل اثرات ثابت در مقابل مدل داده های تلفیقی
آزمون هاسمن	۲۰/۳۹۹۷۲۳	۰/۰۱۵۶	تاکید مدل ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی
نتیجه نهایی			تاکید مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی و مدل داده های تلفیقی

نتایج مندرج در جدول شماره ۷ نشان می دهد مقدار معناداری آماره F ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از برازش مناسب مدل و معناداری کل رگرسیون می باشد. از سویی، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۸۸ بوده و به عبارتی، حدود ۸۸ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده اند. همچنین، آماره دوربین واتسون با مقدار ۱/۶۹ و قرار گرفتن آن بین بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نشان از عدم خودهمبستگی مرتبه بین خطاهای مدل می باشد. نتایج جدول شماره ۷ نشان می دهد که جنسیت مدیرعامل (متغیر $Gender\ Dummy_{i,t}$) با سطح معناداری (۰/۴۷۳۵) فاقد رابطه معنادار با پاداش هیئت مدیره می باشد. نتیجه نهایی رد فرضیه فرعی دوم است.

جدول (۷) نتایج آزمون رگرسیون فرضیه فرعی دوم					
متغیر Variable	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری	
	Coefficient	Std/ Error	t-Statistic	Prob	
جنسیت مدیرعامل	۰/۰۵۱۹۴۴	۰/۰۶۷۹۳۵	۰/۷۶۴۶۰۴	۰/۴۷۳۵	Gender Dummy
سودآوری	۸/۰۲۹۸۴۳	۰/۵۸۱۴۱۷	۱۳/۸۱۰۸۱	***۰/۰۰۰۰	ROA
نسبت کپو تو بیز	۰/۰۳۹۰۴۲	۰/۰۳۱۴۱۵	۱/۲۴۲۸۱۲	۰/۲۶۰۳	Q. Tobin
اندازه شرکت	۰/۹۰۰۶۹۲	۰/۰۸۳۱۰۹	۱۰/۸۳۷۵۲	***۰/۰۰۰۰	FS
مخا. حس. مابه ام.	۰/۲۷۹۹۲۲	۰/۵۴۵۲۰۹	۰/۵۱۳۴۲۲	۰/۶۲۶۰	CAPEX
اهرم مالی	-۱/۰۸۰۶۹۹	۰/۴۲۲۲۹۲	-۲/۵۵۹۱۲۹	**۰/۰۴۳۰	Leverage
نقدینگی	-۰/۰۸۲۰۵۱	۰/۳۴۳۴۹۱	-۰/۲۳۸۸۷۳	۰/۸۱۹۲	Liquidity
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۰۹۴۳۳	۰/۲۷۸۰۷۹	-۰/۳۹۳۵۳۲	۰/۷۰۷۵	Percentage
دارایی های ثابت	۰/۱۹۵۱۱۳	۰/۲۸۳۱۹۰	۰/۶۸۸۹۸۳	۰/۵۱۶۶	PPE
ضریب ثابت	-۷/۵۰۹۱۶۵	۱/۲۰۶۵۶۷	-۶/۲۲۳۵۷۹	***۰/۰۰۰۸	C
آماره F (معنی داری کل رگرسیون)					
۴۵/۸۵۷۳۰					
معناداری آماره F			۰/۰۰۰۰۰۰		
ضریب تعیین			۰/۹۰۶۵۹۲		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۸۶۸۲۲		
آماره دوربین واتسون			۱/۶۹۵۱۷۵		

آزمون فرضیه فرعی سوم: با توجه به نتایج جدول شماره ۸، معناداری آزمون F تعمیم یافته (چاو) از ۰/۰۵ کمتر و معناداری آزمون هاسمن از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت از مدل اثرات تصادفی جهت برآزش مدل رگرسیونی مورد استفاده قرار گیرد.

جدول (۸): آزمون تعیین روش تخمین مدل داده های تابلویی			
آزمون های تشخیص	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
آزمون F تعمیم یافته	۲/۰۳۸۵۰۷	۰/۰۰۰۰	تاکید مدل اثرات ثابت در مقابل مدل داده های تلفیقی
آزمون هاسمن	۱۳/۹۴۳۷۸	۰/۱۴۱۵	تاکید مدل اثرات تصادفی در مقابل مدل اثرات ثابت
نتیجه نهایی	تاکید مدل اثرات تصادفی در مقابل مدل اثرات ثابت و مدل داده های تلفیقی		

نتایج مندرج در جدول شماره ۹ نشان می دهد مقدار معناداری آماره F ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از برازش مناسب مدل و معناداری کل رگرسیون می باشد. از سویی، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۵ بوده و به عبارتی، حدود ۲۵ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده اند. همچنین، آماره دوربین واتسون با مقدار ۲/۰۵ و قرار گرفتن آن بین بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نشان از عدم خودهمبستگی مرتبه بین خطاهای مدل می باشد. نتایج جدول شماره ۹ نشان می دهد که جنسیت مدیرعامل (متغیر $Gender\ Dummy_{i,t}$) با سطح معناداری (۰/۰۰۰۰) دارای رابطه منفی و معنادار با دوگانگی نقش مدیرعامل می باشد. نتیجه نهایی پذیرش فرضیه فرعی سوم می باشد.

جدول (۹): نتایج آزمون رگرسیون فرضیه فرعی دوم					
متغیر Variable	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری	
	Coefficient	Std/Error	t-Statistic	Prob	
جنسیت مدیرعامل Gender Dummy	۰/۲۹۱۱۱۸-	۰/۰۱۷۳۳۰	۱۶/۷۹۸۱۰-	۰/۰۰۰***	
سودآوری ROA	۰/۰۴۷۶۴۹-	۰/۰۵۳۳۲۲	۰/۸۹۳۶۰۳-	۰/۴۰۵۹	
نسبت کیوتوبین Q/Tobin	۰/۰۰۰۳۸۲-	۰/۰۰۴۷۸۶	۰/۰۷۹۹۰۰-	۰/۹۳۸۹	
اندازه شرکت FS	۰/۰۰۷۱۹۵	۰/۰۰۶۵۷۱	۱/۰۹۵۰۴۸	۰/۳۱۵۵	
مخارج سرمایه‌ای CAPEX	۰/۰۱۸۱۲۷-	۰/۱۳۶۶۶۹	۰/۱۳۲۶۳۴-	۰/۸۹۸۸	
اهرم مالی Leverage	۰/۱۱۷۵۶۶	۰/۱۳۵۹۲۰	۰/۸۶۴۹۶۱	۰/۴۲۰۳	
نقدینگی Liquidity	۰/۱۰۱۷۳۷-	۰/۰۹۸۳۴۹	۱/۰۳۴۴۵۱-	۰/۳۴۰۸	
استقلال هیئت مدیره Persentage Independent	۰/۰۳۱۴۳۶-	۰/۰۲۸۳۱۵	۱/۱۱۰۲۲۷-	۰/۳۰۹۴	
دارایی‌های ثابت PPE	۰/۱۳۶۶۷۲-	۰/۰۹۳۵۸۸	۱/۴۶۰۳۵۴-	۰/۱۹۴۵	
ضریب ثابت C	۰/۰۱۴۰۰۵	۰/۱۳۰۴۳۴	۰/۱۰۷۳۶۹	۰/۱۸۰	
آماره F (معناداری کل رگرسیون)		۲۷/۱۵۵۳۴			
معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰۰۰			
ضریب تعیین		۰/۲۶۰۱۶۵			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۵۰۵۸۴			
آماره دورین واتسون		۲/۰۵۶۳۳۵			

نتیجه گیری

در این پژوهش تأثیر جنسیت مدیران بر سنگرگیری مدیریت بررسی شده و سنگرگیری از سه منظر مورد پژوهش قرار گرفته است. میزان مالکیت مدیریتی و پاداش مدیران و دوگانگی نقش مدیرعامل به عنوان معیارهای سنگرگیری مدیریت استفاده شده است.

در این پژوهش اطلاعات ۱۰۱ شرکت را در ۷ سال به عنوان نمونه تحقیق برای سنجش فرضیات گردآوری کردیم و در نهایت با نرم افزار Eviews به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداختیم. موضوع عدم حضور زنان در پست های مدیریتی مورد توجه چشمگیر محققان، رسانه ها و دنیای تجارت است. نتایج اسناد مطالعات و ادبیات حاکی از حمایت از سبک رهبری مطلوب و ارزش افزوده بر کارایی شرکت، در صورت انتصاب زنان در مناصب اجرایی می باشد. با وجود این، مدیرعامل های زن هنوز در اقلیت هستند و علاوه بر این، محققان شواهدی ارائه می کنند که نشان می دهد شرکت ها زمانی که عملکرد ضعیفی دارند و در معرض ریسک بالایی هستند، به فکر انتصاب یک مدیرعامل زن هستند. آزمون فرضیه اول، وجود ارتباط منفی و معنادار بین جنسیت مدیران و مالکیت مدیریتی را اثبات می کند. وقتی مدیر، مالک درصد پائینی از سهام شرکت می باشد، او تحت تأثیر نیروهای بازار و اعمال نظارت کارآمد، برای به حداکثر رساندن ارزش مؤسسه، حرکت می کند (فرضیه همگرایی منافع). در مقابل، زمانی که مدیر، کنترل بخش قابل توجهی از سهام مؤسسه را در دست داشته باشد، او ممکن است از خود رفتارهایی نشان دهد که کاملاً با هدف به حداکثر رساندن ارزش مؤسسه مغایر می باشد (فرضیه سنگربندی). رفتارهایی نظیر تعیین پاداش و حقوق بالا برای خود، استخدام خویشان و نزدیکان با مزایای قابل توجه و یا فراهم کردن مقدمات زندگی مجلل که می تواند لطمه جدی به اهداف شرکت وارد کند. بنابراین، حضور مدیران زن با کاهش نسبت مالکیت مدیریتی، می تواند باعث همسوکردن منافع مالکان و مدیران شود. باتوجه به پژوهش های متعدد، در زمینه تفاوت پاداش مدیران زن و مرد که اکثریت، حاکی از تفاوت رو به کاهش در میزان پاداش پرداختی، براساس

جنسیت مدیران می‌باشد. نتیجه آزمون فرضیه دوم، گواه این حقیقت است که تبعیض جنسیتی در پرداخت پاداش به مدیر، در جامعه آماری مورد مطالعه ما وجود نداشته است. از این نظر، می‌توان گفت که انتصاب مدیران زن یا مرد تفاوتی ندارد. نتایج آزمون فرضیه سوم، وجود رابطه معنادار و منفی بین جنسیت مدیران و دوگانگی مدیرعامل را اثبات می‌کند. تحقیقات متعددی در خصوص تأثیر جنسیت بر قدرت مدیرعامل دو دیدگاه را مورد مطالعه قرار داده‌اند. یک دیدگاه این است که حضور زنان در هیئت مدیره، استقلال هیئت را افزایش داده و باعث بهبود نقش نظارتی و در نتیجه کاهش قدرت مدیرعامل می‌شود. دیدگاه دوم این است که اگر مدیران زن در هیئت مدیره نسبت به مدیران مرد تحت فشار بیشتری قرار داشته باشند، کیفیت نظارت کاهش یافته و افزایش قدرت مدیرعامل را به دنبال دارد. نتیجه آزمون فرضیه سوم، با توجه به رابطه منفی بین جنسیت و دوگانگی مدیرعامل حاکی از پذیرفتن دیدگاه اول می‌باشد که تحت عنوان دیدگاه کارایی مطرح می‌شود. باتوجه به اینکه نتایج این پژوهش، بر کاهش نسبت مالکیت مدیریتی و دوگانگی مدیرعامل، در نتیجه انتصاب مدیران زن دلالت می‌کند و از طرفی، نسبت مالکیت مدیریتی کمتر و کاهش در دوگانگی نقش مدیرعامل نیز، به همسو شدن منافع مدیران و مالکان و همچنین تعدیل مشکلات نمایندگی، کمک می‌کند. پیشنهاد می‌شود در ترکیب هیئت مدیره شرکت‌ها، تنوع جنسیتی موردنظر قرارگیرد. بنابراین، سهام‌داران می‌توانند با تکیه بر این موضوع، نسبت به انتخاب سهام شرکت‌هایی که از مدیران زن برخوردارند، اقدام کنند. برای اینکه زنان بتوانند در هیئت مدیره شرکت خدمت کنند، لازم است آن‌ها فرصت‌های آموزشی و مهارت‌های لازم است برای رقابت با هم‌تایان مرد خود داشته باشند که به نوبه خود، نیاز به فرهنگ سازی گسترده در سطح جامعه دارد. عقب نگه داشتن زنان و ممانعت آن‌ها از اداره امور جامعه و شرکت ندادنشان در فعالیت‌های دولتی و غیره، خلاء حیرت انگیزی را در کامیابی اجتماعی و تداوم رشد اقتصادی به وجود می‌آورد. برای رسیدن به تعادل، رفع تبعیض و در نتیجه توسعه بهتر و کامل‌تر در جامعه، نیاز است که همه افراد از جمله زنان، بتوانند برای شرکت در فرایند

تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه، فرصت‌های برابر داشته باشند. این تحقیق نیز مانند سایر تحقیقات دارای محدودیت‌هایی بوده که تعمیم‌پذیری نتایج را مشکل ساخته، برخی از این محدودیت‌ها عبارتند از:

تعداد اندک مدیران زن در ایران، نمونه آماری را کوچک‌تر کرده و در نتیجه تعمیم‌پذیری نتایج را، دچار محدودیت می‌کند. یکی از عوامل موثر بر نتیجه پژوهش، دوره زمانی می‌باشد. چنانچه دوره زمانی طولانی‌تری انتخاب شود، نتایج تعمیم‌پذیری بیشتری خواهد داشت.

References

1. Adams Renee B, Ferreira Daniel, (2008). Women in the boardroom and their impact on governance and performance, *Finance Working*, Paper N° 57/2004 October
2. Al Dah, B, (2018). Monitoring or empowering CEOs? The moderating effect of shareholder rights. *Res. Int. Bus. Financ.* 46, 502–515
3. Akhgar Mohammad, O, Zahed Doost, H. (2018). Investigating the effect of CEO influence on the relationship between company performance and CEO turnover, *Financial Accounting* 10 (39): 60-81(In persian).
4. Akbari, M, Gholizadeh, M, Farkhondeh, M. (2017). Investigating the moderating role of the percentage of non-executive managers on the relationship between investment opportunities and financial performance, *accounting research*. (In persian).
5. Abdi R, Zeinali M, Taghizadeh Khaneh V. (2017). The Impact of Managerial Ownership on the Relationship between Free Cash Flow and Investment Inefficiency, *Ninth Year Financial Accounting and Auditing Research / No. 35*, pp. 157-185. (In persian).
6. Ckerath Lu -Rovers, M. (2010). Women on boards and firm performance. *Journal of Management and Governance*, 17(2),491–509
7. Dah Mustafa A., Jizi Mohammad I., Kebbe Reem, (2020), CEO gender and managerial entrenchment, *Research in International Business and Finance* 54 .101237
8. Faccio, M., Marchica, M., Mura, R, (2016). CEO gender, corporate risk-taking, and the efficiency of capital allocation. *J. Corp. Financ.* 39, 193–209

9. Foroughi, A, Khodamipour, A. (2020). Female Managers and Managing Director, *Women's Research Journal of the Eleventh Year of Winter 2016 No. 4* (34 consecutive). (In persian).
10. Harper, J., Johnson, G., Sun, L., (2020). Stock price crash risk and CEO power: firm-level analysis. *Res. Int. Bus. Financ.* 51, 101094
11. Jahanshad A, Alam Ahrami M, (2013). investigating the relationship between free cash flows and Tobin's Q ratio with managers' bonus plans, *Scientific Research Quarterly of Investment Science*, 2nd year/7th issue. (In Persian).
12. Kachouri, M, Salhi, B, Jarboui, A, (2019), The impact of gender diversity on the relationship between managerial entrenchment and corporate social responsibility, *Journal of Global Responsibility'* Emerald Publishing Limited 2041-2568
13. Kebbe, R. W, (2017). “CEO gender and managerial entrenchment”, Doctoral dissertation, *Lebanese American University*
14. Majdzadeh Tabatabai Sh, Rezaei Gh, Zarrineh F. (2019). The effect of gender composition of the board of directors on information asymmetry of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Journal of Women and Society*, Year 10, No. (In persian).
15. Mohammadi Malqarni A, Khodabandehloo N. (2019). The Impact of Cash Retention Adjustments and Management Facilities (Companies Listed on the Tehran Stock Exchange), *Scientific Journal of Management Accounting*, Year 12 / Issue 41. (In persian).
16. Mokhtari, Hussein. (2020). The effect of gender diversity of the board of directors on the debt cost of insurance companies in the Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of Accounting and Management*, Volume 3, Number 82 (Volume 4). (In persian).

17. Mosalla M, Pirayesh R, Jozi M. (2020). The effect of gender diversity on the board of directors on the profitability of pharmaceutical companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, Fourth Year, No. 29, - Volume 3, pp. 43-59. (In persian).
18. Surroca Jordi, Josep A. Trib. (2010). Managerial Entrenchment and Corporate Social Performance, *Journal of Business Finance and Accounting*, vol. 35, n° 5 & 6, p. 748-760
19. Sepasi Sahar, Abdoli Leila. (2016). The effects of women on the board on company value and financial performance. Financial accounting and auditing research (*Journal of Financial Accounting and Auditing*). (In persian).
20. Tate, Geoffrey A. and Yang, Liu A, (2013). Female Leadership and Gender Equity: Evidence from Plant Closure. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1905100> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1905100>
21. Taghizadeh Khaneghah, V, Zeinali, M. (2017). The Impact of Board Characteristics and Management Fronting on Company Diversification Strategy, *Fifth Year Financial Management Strategy*, No. 16, pp. 135-157. (In persian).
22. Valian H, Abdoli M, Ustad Hashemi A, Tahmasebi Zadeh R. (2019). Investigating the Effect of Management Stability on Profit Management of Companies Listed in Tehran Stock Exchange, 2017, *Empirical Accounting Research*, Year 9, No. 33, pp. 245-275. (In persian).